چشم انداز

CHASHM ANDAAZ



شماره ۲۹ نوامبر ۱۹۹۳ - آذر ۱۳۷۲ - کیسلو ۵۷۵۴



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

Jacob Ebriani

کیترینگ و رستوران گلات کاشر شارون

کیترینگ انتخابی **نصخ ایسرائل** و هتلهای معتبر لس آنجلس

رستوران شارون صد درصد گلات کاشر زیر نظر ربانوت محترم ایرانی و آمریکایی بوده و لذیذ ترین

غذاهای ایرانی و آمریکایی را در اختیار شما میگذارد.

کیترینگ شارون را برای یک شب فراموش ناشدنی انتخاب کنید

18608 1/2 VENTURA BLVD.
TARZANA, CA. 91356

(۸۱۸)۳۴۴-۷۴۷۳

(۳۱۰)۶۲۲-۱۰۱۰



در این شماره می خوانید .....

تصویر روی جلد اثر هنرمندگرامی جیکوب عبریانی

شماره ۲۹ نوامبر ۱۹۹۳ - آذر ۱۳۷۲ - کیسلو ۵۷۵۴

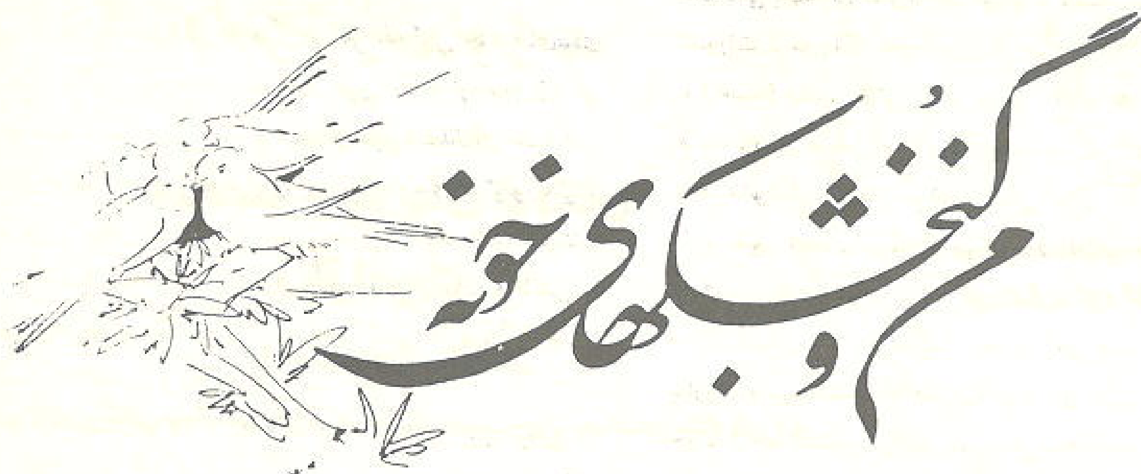
چشم انداز

Published By;
International Judea Foundation
P.O.Box: 3074 Beverly Hills,CA 90212
(818)503-1270

سردبیر: داریوش فاخری
همیاران: مهندس آشر آرام‌نیا
شهرام سیمان
ژرژ هارونیان
سردبیر بخش عبری: داوید فاخری
باهمکاری: مترجمین وگزارشگران چشم‌انداز

چشم انداز، نشریه ایست برای بازتاب افکار و دست‌آورد های یهودیان دنیا. هدف ما، روشنگری واقعیت های یهودیت، مسایل، آرزوهاو امید یهودیان - مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف های بشردوستانه انسان های جهان می باشد.
نظر های نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست.
نقل مطالب چشم‌انداز، باذکر مأخذ، مجازمی باشد.
چشم‌انداز، در انتخاب مقاله های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی ها، به عهده ی صاحبانشان است.
نوشته های رسیده، بازپس فرستاده نمی شود.
نامه های بدون نام و نشانی ، قابل استفاده نخواهد بود.
درصورت تمایل، ازمقالات شما ،با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا، استفاده می شود.

حروفچینی : مهناز حقیقت (انتشارات نازگل)



درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

داریوش فاخری

درسخنرانی که روز پنجشنبه ۲۱ اکتبر بدعوت والدین جوان **گروه حداسا** و متعاقب آن در سمینار فرهنگی ، اجتماعی **سازمان هیلل** دانشگاه یو سی ال ا ، **سازمان سیامک** ایراد کردم موضوع مورد بحث فرهنگ و تسهیل راه ارتباطی والدین وجوانان بود .

درجلسه اول راو داویدزرگری و خانم منیژه نهورای (روانشناس) و در سمینار دوم خانم دکتر نهضت فرنودی (روانشناس) ، دکتر ژوزف حکیمی (متخصص تعلیم و تربیت) وآقای‌رامین آرین (جوان رشد کرده درجامعه امریکا و نویسنده) ، افتخار همراهی را به من داده بودند .

وظیفه من از نقطه نظر یک روزنامه نگار وجامعه شناس ، شکافتن وشناسایی فرهنگ (ها)یی که با آن روبرو هستیم و رسالت آگاهی و راه مقابله با مضرات ناشی ازآن میشد ، چراکه برای بسیاری از ما که سردرگم شناخت هویت خودیم که آیا ایرانی - یهودی یا آمریکایی میباشیم و والدین وجوانان ما حیران آنند که چه فرهنگی را بپذیرند وکدام را نفی‌کنند ، مسئله اجتماعی عظیمی را در برابر خودداریم .

تفاوت برداشتها وپندارهای گوناگون درمیان فرزندان ووالدین ناشی ازهمان سردرگمی فرهنگی است که مانع خودشناسی و بروز هویت فردی میگردد . **فرهنگ** بنا به تعریفی **اتحاد شکل شیوه های تفکر** میباشد . یهودی ایرانی یا ایرانی تبار که مورد تهاجم فرهنگ امریکایی نیزقرار گرفته که در دسترس بودن و عرضه آن ، بنا به وسایلی که دراختیار دارد (تلویزیون - رادیو - روزنامه ها و غیره) چگونه با این گونه گونی روبرو میشود ؟ آیا این فرهنگ جدید را جایگزین فرهنگ خود مینماید ؟ آیا ازوسعت وکاربرد فرهنگ فعلی خود کاملاآگاه است ؟ آیا به آگاهی‌کافی برای روبروشدن با فرهنگی جدید مجهز است و یا اینکه میتواند ازکنار آمدن بدون پذیرفتنش به آسانی رد شود ؟

وجودما درمحیطی که این فرهنگ نوین را ارائه میکند ، خواهی نخواهی مارا درتماس با آن قرار میدهد وروزانه با آن در ارتباطی (کم وبیش) هستیم . ما این فرهنگ را یا ناخواسته در درون هسته خانوادگیمان یا بصورت جزئی یاکلی می پذیریم . کسانی‌که با آگاهی با این پدیده روبرو میشوند دست به مقایسه وبرآورد و ارزیابی‌آن میزنند و نا آگاهان دانسته و ندانسته بدون این ارزیابی به پذیرش جزیی ویاکلی آن میپردازند . بزرگسالان عموماًکمتر - جوانانمان بیشتر ومیانسالانمان درحدی متوسط .

کسانی را می شناسیم که پس از این دوره بکلی در فرهنگ امریکایی ادغام شده‌اند (بنا به موقعیت سنی یا طول مدت استقرار دراین سرزمین) و به یک هم‌شکلی شیوه تفکر با امریکائیان دست

یافته‌اند .

اصولا این هم‌شکلی فرهنگی در **مرحله اول** جنبه های‌مادی رادربر میگیرد . جنبه های مادی‌چون طرز تفکردرباره محل زندگی در منطقه بخصوص - لباس‌پوشیدن و غیره . بعدازآن جنبه غیر مادی فرهنگ مورد قبول قرار میگیرد که جنبه های ایدئولوژیکی - مذهبی - سیاسی - فلسفی و علمی فرهنگی فرهنگ غالب میباشند .

آشفتگی خانواده ها و بحران هویت ، زمانی بیشتر و فاحش تر میشود که فاصله این دو فرهنگ بیشتر وآگاهی ما ازفرهنگ خود و قدرت مقابله‌مان با فرهنگ جدید کمتر باشد .

نقش تـقلیدکورکورانـه کـه خاصیتی اجباری ازرویارویی دو فرهنگ است صورت بارزاین عدم قدرت ماست . زیرا بدون یک تکیه گاه روانی‌لازم‌مارا تغییر میدهد و شکل‌نو می بخشد .

مبارزه سرسختانه و فرهنگ نپذیری والدین مسن تـر چـون بـا فقدان آشنایی با فرهنگ ونحوه شیوه تفکر امریکایی همراه است آنان را وادار به واکنشهای شدید و عدم پذیرش و انکار و تـحقیر فرهنگ امریکایی میکند . جوانان بخاطر علائق خانوادگی و نداشتن آگاهی فرهنگی ایرانی یهودی خودکه منجر به تحقیر آن نیزمیشود و تماس روزانه وبی وقفه با دوستان امریکایی و وسایل ارتباطی قوی این سرزمین ، ضربه فـرهنگی را بشـدت تـجربه کـرده و درمقابل پذیرفتن هنجاری (NORM) که موردقبول خـواسته هـای خـود - دوستان امریکایی و والدینشان باشد ، سردرگم میگردند .

چه بایدکرد ؟

دراین مورد نمیتوان راه حل مناسبی را برای هـمه بـه یکـسان تجویز نمود . پیشنهاد من این است که افراد بایستی دنبال تغییر جهان نروند و دنبال تغییر جان باشند . خودشناسی باید از افراد به خانواده و ازآن سوی به جامعه و سپس در بعد بزرگتری شکل بگیرد .

تربیت فرزندان وخود شامل‌چند مرحله است و بـهیچ‌وجه در هیچ نقطه‌ای پایان نمی پذیرد . بنظر من نمیتوان گفت وقتی به فلان سن رسیدم فلان کار را میکنم‌یا به فرزندم در سن معینی صـداقت وعشق و امانت را یاد خواهم داد ، برای خانواده هم همینطور . انجام وتکامل فردی وآگاهی لازمه برای‌آن دقیقه به دقـیقه -ساعت بـه ساعت - روز بروز و هفته به هفته صورت میگیرد .

نقش پدران و مادران بخاطر موقعیتی که از نظر رهـبری هسته خانوادگی بعهده دارند و از نظر من ازاین نـقطه نـظر کـه عـلیرغم تصورات مرسوم (که محیط بـیش از خـانواده در تـربیت بـچه هـا موثراست) والدین موثرترین و بارزترین مدل تقلید فرزندان خود هستند ، بسیار حساس و قابل توجه میباشد . بـرای هـم‌شکلی‌شیوه تفکر خانوادگی و نه‌مثل هم شدن ، نقش پدران ومادران باید

۱ - تغییر مجدد ارزشهای یهودی و ایرانی چند هزارساله

ماباشد .

بسیاری از سنتها و فرهنگ یهودی و ایرانی ما دل انگیز ، مقدس با ارزش و زیبا هستند . نگاهداری‌آنان و تمیز دادن سنتها و فرهنگ خوب از اعتقادات و خرافات مضر یا فرسوده وظیفه‌ای شاق ، لازم و اجباری است .

این رویارویی با فـرهنگ جـدید ، مسئله‌نوینی بـرای‌یهودیـان نیست . درطول تاریخ چند هزارساله‌مان درمقابله با تمدن هلنیسم ، رومیها ، اروپای غربی وآسیایی پـدران و مـادران مـا از ایـن بـوته آزمایش سربلند بیرون‌آمدند چراکه در مقابله با هر فرهنگی که در تبعید های اجباری با آن روبرو میشدند بجای فرار و پنهـان کـردن فرهنگ ،کوله بار فرهنگی خود را در بازار جدید پهن میکردند و با آگاهی میخریدند و مـیفروختند و نـتیجه ، فـرهنگی غـنی وچـند هزارساله‌ای است که بجا ماند و مارا نگـاه داشت و تمدنهـای‌دیگر درخود فرو رفته ، که مردند و درتاریخ دفن شدند .

۲ - تعریف دوباره ارجحیتها

درمقابل فرهنگ جدید ودراین سرزمین‌نو ، چه بسا ارجحیتها که براساس نا آگاهی و ندانم‌کاری ویا مقتضیات زندگی برای خانواده ها رقم‌زده شد که اکنون نتایج وخیم‌آن را درجامعه مشاهده میکنیم .

ماشین بخصوصی‌را داشـتن دریک‌زیپ‌کـد مشـخص زنـدگی کردن با تمام دشواری هـای مـالی‌آن ووو... و درعـین حـال پـول مدرسه خصوصی فرزند را نداشتن - باگرفتاری های شغلی فراوان و ریسکهـای نـا لازم‌کـه خـدای نکـرده ازبـاجناق و دوست وهـم شاگردی قبلی عقب نیفتادن باعث نـبودن عشـق هـمسر بـه هـمسر -کمبودوقت برای چند ساعت دورهم بودن فرزند و والدین - بی اعتنایی به انزوای دردناک‌پدر بزرگها ومـادر بزرگهـا شـدوکلاس مخربی برای بچه های ماگشت که آیـنده‌ای نـه چـندان روشـن را برایشان رقم‌میزند که فراری ازآن‌برایشان موجود نخواهد بود . این

ارجحیتهارا تمام خانواده با هم به مقتضای سن میتوانند با همدیگر تعیین کنند .

۳ ـ عادت شکنی

ما بایستی عادت در روابط را درخود بشکنیم. به رابطه با همسرمان عادت کردن غلط است . به فرزندان غلط است به خدایمان هم غلط است .

عادت کردن‌جلو کنجکاو بودن را میگیرد و نقش زیبای تازگی که بسیار درزندگی لازم است را از بین میبرد . عادت به خواندن تفیلا ، فکرمارا از شناخت واقعی خدا دورمیکند . کلمات را میخوانیم وبعنوان وظیفه ازسرمان بازمیکنیم . وقتی‌با رابطه با همسرمان عادت کردیم ، نقشی را برای او و نقشی‌را برای خود درنظر میگیریم و هیچ‌انحرافی ازآن را ازیکدیگر نمی بخشیم - عشق را می‌کشیم - علاقه را نمی بینیم وزندگی راگم میکنیم ودوری‌ناگزیر منتج ازاین نحوه تفکر به طلاق و دوری و عصبانیت و غیره میکشدمان که باندازه زهر برای خودمان وفرزندانمان مهلک است .

امیدواریم‌که آگاهی بدست آمده منجر به خودشناسی وجهان بینی‌نوینی درما گشته و با ادغام سه فرهنگی که بآن وابسته‌ایم بتوانیم یک‌ساخت تازه خانوادگی و اجتماعی پایدار - مستحکم و بنیادی برای خودو فرزندانمان بوجود بیاوریم و تنها ازاین راه میتوان به استقلال اجتماعی و فردی دراین دنیا امیدوار بود .

یهودیان ایران زمین

بنا به علاقه خاص‌ما - درخواست بسیاری ازخوانندگان و گله گی یهودیان ایرانی در ایران که چرا با آنان رابطه‌ای نداریم دراین شماره بولتن خبری یهودیان ایران را در صفحات اخبار می بینید . سعی برآن خواهد شد که این ارتباط را در سطح گسترده تری در شماره های‌آینده به دیدار چشمانتان بیاوریم .



«تاریخچه حنوکا (جشن نور)»

مسعود ترمه چی

درسال ۱۶۷ قبل از میلاد انتیاخوس پادشاه سوریه و زیر سلطه یونانیان بود . یک روز که سربازان انتیاخوس وارد شهر کوچک «مودین» MODEIN درحوالی اورشلیم شدند تا به زور مردم را مجبور به بت پرستی بکنند ، بایک مرد روحانی و خدا پرست یهودی بنام متتیاس (متتیاهو) و پنج پسرش روبرو شدند . متتیاهو یکی از سربازانی را که داشت با زور شخصی را مجبور به بت پرستی میکرد همراه با یک یهودی دیگر که ازسرباز حمایت میکرد راکشت و بعد با پسرانش به تپه های اطراف شهر فرار کرد .

متتیاهو از محل اختفای خود مردم را فرا خواند که به او ملحق شوند و علیه پادشاه سوریه وارد جنگ شوند و شورش کنند . چندی پس ازاین ماجرا متتیاهو وفات یافت و پسرش‌جوداس **(یهودا)** ، که به **مکابیوس** MACCABEUS **(مکابی)** که احتمالا به معنی چکش است ، با نبوغ خود فرماندهی ارتشی راکه درحال افزایش بود را به عهده گرفت .

علی رغم قدرت عظیمی که در قلمرو سلوکیه وجود داشت ، شورش مکابی با موفقیت روبرو شد و درعرض سه سال **معبد اورشلیم** بازپس گرفته و بکلی تمیز شد . در **بیست و پنجم ماه کیسلو** ، تقریباًدرماه دسامبر ، درست سه سال پس از تخریب معبد وبی حرمتی که به آن وارد شده بود ، معبد اورشلیم دوباره بازسازی شد و یک مذبح (قربانگاه) جدید تقدیس و در معبد برپا شد . و باین صورت جشن تازه‌ای که هشت روز بطول می انجامد در مذهب یهودیت آغاز شد .

یهودیان درآن زمان با این مقاومت از یک قتل عام وحشتناک در دست قدرت عظیم **سوریه** جان بدر بردند و همه یهودیان در سرتاسر دنیا با سرور و شادی هرساله خاطره این اتفاق بزرگ را در **حنوکا** جشن می گیرند . این پیروزی در واقع یک معجزه بزرگ بود . درقرون بعد داستان وقوع این معجزه نسل به نسل در سینه ها حفظ شد و از این قرار بود که درخلال زمانی که معبد اورشلیم را پاک میکردند ، در معبد کوزه کوچکی از روغن پاک ومقدس پیدا شد که فقط برای روشن کردن یک روز معبد کافی بود . برای تهیه روغن مقدس باید به اورشلیم میرفتند و آن هم چند روز طول



می‌کشید . دراین هنگام روغن آن کوزه کوچک بطور معجزه آسایی هشت روز دوام یافت تا روغن مقدس و تازه به معبد آورده شد . این عید بصورت **جشنواره نور** درآمد و یادآور پیروزی یهودیان شد ، نه از لحاظ ارتشی بلکه از لحاظ روحانی ، وبازتابی است از روشن کردن منورا در معبد اورشلیم .

درعرض سالهای بعد ازاین پیروزی ، یهودا و برادرانش استقلال **جودیا**JUDEA (یهودیه) را برقرار کردند . قابل توجه است که این شورش که درمقابل تحمیل فرهنگ یونانی بوجود آمد پایه گذار سلسله **حشمونائیم** شد که سالهای سال بر اورشلیم حکومت کردند.

جشن نور در خانواده

تهیه کننده : کمیته مذهبی
اقتباس از : جوئیش تایمز

این بخش برای والدین جوان و فرزندانشان تهیه شده که شامل داستان حنوکا، مراسم بازیهای خانوادگی، کتابها و ویدیوهای پیشنهادی و توصیه مجلات مخصوص نوجوانان یهودی میباشد.

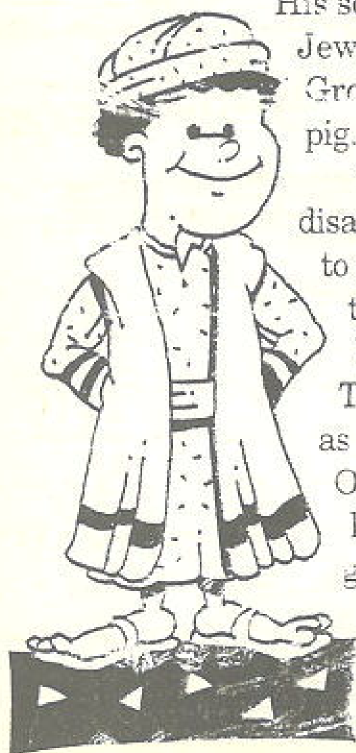
داستان حنوکا (جشن نور) را برای فرزندانتان بخوانید تا بتوانند در بازیها شرکت کنند.



The Chanukah story is based on historical facts recorded in the Book of Maccabees I and II. Over time, those historical facts have become a symbolic legend. The legend emphasizes two miracles: the defeat of a mighty army by a small band of untrained Hebrews and the one-day supply of oil that lasted for eight days.

The following is a historical account of the Chanukah story, with four different endings. Try to read the story together as a family – one section per night or a different ending each night.

When Antiochus IV, also known as Antiochus Epiphanes, became ruler of Judea, he would not let the Jewish people study Torah or pray in their Temple. His soldiers forced the Jews to bow down to Greek idols and eat pig.



The Jewish people disagreed about what to do. Some thought the Jews should follow Greek culture. This idea was known as "Hellenization." Others opposed Hellenization and argued that the Jews should protect their own traditions and Jewish teachings. Soon a war broke out between the two Jewish groups. This civil war may be the beginning of the Chanukah war story.

Meanwhile, in the town of Modi'in, there lived a Jewish leader named Mattathias. Mattathias would not obey the wicked laws of Antiochus. He believed the Jews should preserve their own religion and customs.

One day Mattathias saw a Jew step forward to bow down to Greek idols and eat pork. Mattathias became so angry that he killed the man. This caused a huge uproar, and Mattathias cried out to the Jews of Modi'in, "All who are for the Lord follow me!" Then Mattathias and his followers escaped into the hills.

When Mattathias died, one of his sons, Judah, became the leader. Judah's small army of Maccabees fought many battles. Finally, after three years, Judah's

continued on next page

A Chanukah Story *continued*



army defeated the soldiers of Antiochus. And the Temple was Jewish once again!

ENDING I [Maccabees 4:38-59]:

Judah and his people carefully cleaned and purified the Temple. They built a new altar. Then, on the 25th day of Kislev, they sang songs of thanksgiving and rededicated the Temple. The Maccabees, led by Judah, were heroes! Every year since that time, the Jewish people have celebrated the rededication of the Temple altar with great joy and happiness.

ENDING II [II Maccabees 10:1-8]:

When Judah and his people came to the Temple, they knocked down the altars that Antiochus had put up. Then, on the 25th day of Kislev, they dedicated a new altar. This celebration lasted for eight days because the Jewish soldiers had missed celebrating the eight days of Sukkot during their years of fighting. So the Jewish people carried lulavim and etrogim and thanked God for leading them back to the Temple. Finally, the Jews decided to celebrate the rededication of the Temple for eight days every year.

ENDING III

[Pesikta Rabbati]:

When Judah and his people came to the Temple, they found eight spears of iron. The Maccabees hollowed out the spears and poured oil in. Then they added wicks and lit the oil. Long after that celebration, the fighting begun by the Maccabees was finally completed and the rule of Antiochus IV was destroyed. That is why, on Chanukah, the Jewish people say the Hallel prayer to celebrate our victory and give thanks.

ENDING IV [Talmud, Shabbat 21B]:

When Judah and his men came to the Temple, they searched for some purified oil to light the menorah. But the only oil they could find had been used by the Greeks to worship their idols. Finally, the Maccabees found one small jug of oil with the official seal of the Kohan (the high priest) Gadol still on it. That jug contained only enough oil to light the great menorah for one day. But a miracle happened, and the oil lasted for eight days. From that day on, the 25th of Kislev was a day to celebrate this miracle, with no mourning or fasting allowed.

سرگرمی خانوادگی برای ۸ ساله ها ببالا

اطلاعات حنوکای خود را با پرسشهای ستون اول وجوابهای ستون دوم آزمایش کنید .

CHANUKAH MATCH-UP

جورکردن اطلاعات حنوکا

Match the items in Column One with their descriptions in Column Two.

Column One

1. Hebrew for dreydl
2. Eastern European holiday food tradition
3. Menorah used especially during Chanukah celebration
4. Leader of the Maccabees
5. The minimum length of time a Chanukah candle should burn
6. Hebrew dates for the eight days of Chanukah
7. Dates of the struggle between the Maccabees and the Syrians
8. Israel's holiday food tradition (jelly doughnuts)
9. Syrian King who outlawed Judaism
10. Town where Mattathias the priest and his five sons lived and were asked to bow down to idols
11. Words abbreviated by the Hebrew letters (nun), (gimel), (heh), and (shin), A great miracle happened there."
12. Other names for Chanukah
13. Tradition song sung by Ashkenazic Jews on the first night.

Column Two

A. The 25th day of Kislev to the 2nd of Tevet
B. "Nes Gadol Hayah Sham"
C. Chanukiyah
D. Latkes
E. Sufganiyot
F. Modi'in
G. Judah Maccabee
H. Antiochus Epiphanes
I. The Feast of Dedication The Festival of Lights
J. One-half hour
K. "Ma-oz Tzur"
L. "s'vivon"
M. 169-166 BCE

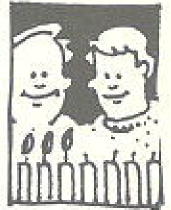
ANSWERS: A.6 B.11 C.3 D.2 E.8 F.10 G.4 H.9 I.12 J.5 K.13 L.1 M.7



مراسم روشن کردن شمع ها

شمع هارا از راست به چپ در منورا قرار میدهیم (همانطور که عبری را از راست به چپ میخوانیم) و شمع هارا از چپ به راست روشن میکنیم (جدیدترین شمع شب را اول روشن می کنیم) . اولین شمع را بایستی با پیداشدن اولین ستاره درآسمان روشن نمائیم . درجمعه شب (**شب شبات**) آنهارا قبل از شمع شب شبات روشن می کنیم . تمام افراد خانواده میتوانند در روشن نمودن شمع های **خنوکیا** (منورای حنوکارا CHANUKIYAH مینامند) شرکت نموده یا فقط شمع خودشان را روشن نمایند .





FIRST BLESSING EVERY NIGHT:

בָּרוּךְ אַתָּה הי
אֱלֹהֵינוּ מֶלֶךְ הָעוֹלָם
אֲשֶׁר קִדְּשָׁנוּ בְּמִצְוֹתָיו
וְצִוָּנוּ
לְהַדְלִיק נֵר שֶׁל חֲנֻכָּה.

Praised are You, Lord,
Our Lord, Ruler of the universe,
Who made us holy through the commandments
and commanded us
to kindle the Chanukah lights

باروخ آتا آدو—نای،
اِ—لوهینو ملِخ ها اُلام،
آشِر قید شانو بِمیصوتاو،
وصیوانو
لِهَد لیق نِر خنوکا.

SECOND BLESSING EVERY NIGHT:

בָּרוּךְ אַתָּה הי
אֱלֹהֵינוּ מֶלֶךְ הָעוֹלָם
שֶׁעָשָׂה נִסִּים לַאֲבוֹתֵינוּ
בַּיָּמִים הָהֵם
בַּזְּמַן הַזֶּה.

Praised are you, Lord,
Our Lord, Ruler of the universe,
Who performed wondrous deeds for our ancestors
in those (ancient) days
at this season.

باروخ آتا آدو—نای
اِ—لوهینو ملِخ ها اُلام،
شعاسانیسیم لَ اُوتنو
بَیامیم هاهِم
بیزمَن هَزه.

THIRD BLESSING - FIRST NIGHT ONLY:

בָּרוּךְ אַתָּה הי
אֱלֹהֵינוּ מֶלֶךְ הָעוֹלָם
שֶׁהֶחֱיָנוּ
וְקִיְּמָנוּ
וְהִגִּיעָנוּ
לַזְּמַן הַזֶּה.

Praised are you, Lord,
Our Lord, Ruler of the universe,
Who has given us life
and sustained us
and enabled us to reach
this season.

باروخ آتا آدو—نای
اِ—لوهینو ملِخ ها اُلام،
شهخیانو
وقییمانو
و هیگّیانو
لَزمن هَزه.

بازی خانوادگی برای ۳ ساله تا ۹۹ ساله ها

فرفره حنوکا به زبان عبری S'VIVON میباشد که از کلمه SOV بمعنی چرخش مشتق شده است .

مبداء بازیهای با فرفره حنوکا (که به انگلیسی DREYDL میباشد) به زمانهای دوران پیدایش **حنوکا** بازمیگردد . گرچه

آموختن تورا وآموزش عبری قدغن بود و مجازات مرگ را دربر داشت ، بسیاری از دانشجویان و آموزگاران یهودی علیرغم این خطر بزرگ برای آموزش و تعلیم تورا دور هم جمع میشدند . آنان این فرفره هارا در دستهایشان داشتند ووقتی صدای پای سربازان را می شنیدند کتابهای مقدس را پنهان کرده و وانمود میکردند که درحال فرفره بازی هستند . والدین میتوانند این بازیهارابا دقت به بچه ها یاد بدهند .

بازی اول : هرکدام از بچه ها باندازه یکدیگر آب نبات یا آجیل میگیرند . اولین بازی‌کن فرفره را میچرخاند براساس آنکه چه کلمه‌ای از فرفره بالا قرار بگیرد ، برنده یا بازنده میشود .

נ NUN یعنی هیچ (نوبت نفر بعدی میرسد)

ג GIMEL یعنی همه چیز (هرچه درکاسه جمع آوری است را میبرد)

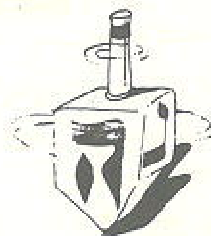
ה HEY یعنی نصف (نصف دارایی در کاسه را می‌برد)

ש SHIN یعنی بگذار (یک آب نبات یا آجیل را در کاسه بریز)

قبل از اینکه دور دوم شروع شود دارایی کاسه را بین همه پخش میکنند .

بازی دوم : هربازی کنی به مقدار مساوی درکاسه میریزند ولی بجای گذاشتن یا برداشتن در پایان هر روز ، امتیازات جمع شده را حساب نموده و در کاسه میریزند .

امتیازات اینطور حساب میشود .



נ NUN ۵۰ امتیاز

ג GIMEL ۳ امتیاز

ה HEY ۵ امتیاز

ש SHIN ۳۰۰ امتیاز

در پایان بازی ، کسی که بالاترین امتیاز را دارد ، تمام جایزه را می برد .

بازی خانوادگی برای سنین ۰ تا ۹۹ ساله

۸ سئوال فروزان درباره حنوکا

دانش خود را امتحان کنید .

هرکدام به نوبت ، سئوال کنید یا جواب بدهید .

۱ - **میتصوای** اولیه **حنوکا** چیست ؟

۲ - چرا ما شمع های **حنوکا** روشن می‌کنیم ؟

۳ - چه کسی باید این **میتصوا** را انجام بدهد ؟

۴ - چه موقع باید شمع را روشن نمود ؟

۵ - چقدر بایستی شمع بسوزد ؟

۶ - کجا بایستی شمع هارا روشن نمود ؟

۷ - شمع را چگونه بایستی قرار داد و در **منورا** روشن نمود ؟

۸ - تشریفات روشن نمودن شمع ها چیست ؟

جواب ۸ سئوال فروزان

۱ -روشن نمودن شمع های حنوکا

۲ - شمع هارا روشن می‌کنیم که **معجزه حنوکا** را بیاد بیاوریم و نشان دهیم

۳ - مرد وزن بایستی دراین میتصوا شرکت کنند

۴ - بمجردی‌که ستاره ها درمیایند بایستی شمع هارا روشن نمود . ولی اگر دیر شد ، تا وقتی که حتی یکی ازاعضاء خانواده بیدار است تا شاهد «معجزه» باشد میتوان این کار را انجام داد .

۵ - حداقل نیم ساعت

۶ - بالاترین پنجره که‌قابلیت دید بیشتری را دارا باشد

۷ - شمع هارا از راست بچپ می‌چینیم . شمع هارا از چپ براست روشن می‌کنیم . جدیدترین شمع هرشب را اول روشن می نمائیم .

۸ - وقتی شمع هارادر **منورا** جای دادیم ، **شماش** (شمعی که با آن بقیه را روشن می‌کنیم) را روشن مینمائیم . سپس **براخاها** (۳ تا

شب اول و ۲ تا برای بقیه شبها) را می خوانیم .

کتابهای پیشنهادی برای حنوکا

۱ ـ کتاب اعیاد یهودی
THE BOOK OF JEWISH HOLIDAYS نوشته
RUTH KOZODOY از انتشارات
BEHRMAN HOUSE NEW YORK 1981 شامل موارد زیادی در موردجشنها ، اعیاد و تعنیت های سال عبری برای سنین **۱۰ سال** به بالا

۲ ـ اعیاد یهودی : راهنما و توضیحات
THE JEWISH HOLIDAYS : A GUIDE AND COMMENTARY
نوشته MICHAEL STRASSFELD از انتشارات
HARPER AND ROW,N.Y.1985 کتاب بسیار ذیقیمتی است برای درک و انجام مراسم جشنها در تمام مدت سال .
برای **بزرگسالان**

۳ ـ توضیح کریسمس به بچه یهودی
EXPLAINING CHRISTMAS TO THE JEWISH CHILD
نوشته LOIS MILLER WEINSTEIN از انتشارات
MINUTE PRESS,N.Y.1981 راهنمایی برای بچه های یهودی که بسیار حساسانه به این سئوال جواب میدهد که «**چرا ما کریسمس راجشن نمیگیریم**؟» برای سنین **۵** تا **۱۲** ساله

۴ ـ فستیوال نور : داستان حنوکا
FESTIVAL OF LIGHTS : THE STORY OF CHANUKAH
نوشته MAIDA SILVER MAN با نقاشی های
CAROLYN EWING تصویرهای رنگی و زیبای این کتاب زندگی یهودیان JUDEA و جنگ **مکابی ها** را به نمایش میگذارد برای سنین ۴ تا ۶ ساله

۵ مـثل یک مکـابی LIKE A MACCABEE نوشته
RAYMOND A. ZWERIN AND AUDRY FRIEDMAN MARCUS
با نقاشی GIORA CARMI از انتشارات
UAHC .
تصاویر بسیار زیبا ، تم رهبری ، شجاعت ، اراده ، حل مشکلات و غرور را طی داستان **مکابیها** و حنوکا دنبال میکند . برای سنین ۵ تا ۱۰ ساله

بهترین هدیه حنوکا برای بچه ها

آبونه شدن این مجلات برای بچه ها میباشد :

۱ ـ شوفار SHOFAR سنین ۹ تا ۱۴ ساله
آدرس 43 NORTHCOTE DR., MELVILLE, N.Y. 11747
تلفن رایگان TEL: 1-800-484-1088 EXT. 4598
قیمت ۹۵ / ۱۴ دلار در سال

۲ ـ کشتی نوح NOAH'S ARK سنین ۵ تا ۸ ساله
آدرس 8323 SOUTHWEST FREEWAY SUITE 250 HOUSTON,TX 77074
تلفن TEL: (713) 771-7144
قیمت ۵۰ / ۱۱ دلار در سال

۳ ـ پست دانشجویان STUDENT POST سنین ۱۳ تا ۱۶ ساله
آدرس THE JERUSALEM POST 211 E. 43rd ST. N.Y.,N.Y.10017
قیمت ۲۹ دلار برای ۱۱ شماره

ویدیو

با سر زدن به کتابخانه محل یا فروشگاههای اجاره ویدیو ، میتوانید این فیلمهارا برای بچه ها بگیرید تا علاوه بر آموزش ازدیدن آنها لذت نیزببرند :

۱ ـ CHANUKAH AT BUBBE'S برای سنین ۳ سال به بالا
۲ ـ SHALOM SESAME سری کامل با چهره های آشنای SESAME STREET برای سنین ۳ سال به بالا
۳ ـ LIGHTS سنین ۰ تا ۹۹ ساله

پراکندگی در سازمان فلسطین و نقش موصاد؟


(حاکم بلعاوی)


(ابوماذن)

از : داوید فاخری

● سه تن ازمقامات عالی فلسطینی که از پشتیبانان صلح بشمار میرفتند بنامهای (ابوماذن) (حاکم بلعاوی) و(ابوعلا) توسط عرفات کنار گذاشته شدند.

تسویه : اخیراً بین عرفات وچند تن ازبرگزیدگان سازمان اختلافاتی بروزنموده که باعث بهم ریختگی بزرگی در کل سازمان فلسطین گردیده است . حداقل سه تن از سیاستمدارانی که نقش مهمی در پی ریزی صلح بین فلسطینی ها با اسرائیل داشته و از اعضاء مهم‌کادر رهبری فلسطین - تونس بشمار میامده‌اند ازکار برکنار گردیده و درجلسات اخیری‌که با حضور عرفات در تونس تشکیل گردیده دیده نشده‌اند . این سه تن محمود عباس (ابوماذن) که رهبری مذاکرات سری (اسلو) را با گروه اسرائیلی بعهده داشت . (حاکم بلعاوی) که سفیر فلسطین در تونس و همچنین ریاست اداره امنیت سازمان فلسطین را عهده دار بود و احمد القریعه (ابوعلا) که ریاست امور اقتصادی سازمان را بعهده داشت میباشند .

کشمکش‌بین عرفات و ابوماذن ناشی از اصرارهای پیاپی‌وی به عرفات در مورد برگزاری مذاکرات قابل توجه تر در مورد قرارداد (غزه - یریخو) بوده و باعث‌آن گردید که بین‌آنان روابط سردی پدیدار گردد که نهایتاً به برکناری‌وی از مقام و عدم شرکت وی در مذاکرات و حتی جلسات داخلی سران فلسطین توسط عرفات گردد . عرفات صلاح‌خود میدانست که رهبری مذاکرات را خود بعهده گرفته و دستوراتی راکه به مسئول مذاکرات (دکترنبیل شعت) توسط (ابوماذن) داده شده را لغو و عقاید خود را به‌وی دیکته نماید . هنگامیکه اختلاف نظر بین آنان شدیدتر گردید عرفات دستور داد

که از گزارش متن مذاکرات (طابه وقاهره) به ابو مـاذن خـودداری گردد در نتیجه وی خود را خانه نشین نمود وبنابه شایعاتی این عرفات بوده که وی را محکوم به خانه نشینی نموده است .

نفر دوم(حاکم بلعاوی) که مسئول امور امنیت سازمان بوده و بعد از دستگیری (عدنان یاسین) فلسطینی که بنفع اسرائیل جاسوسی مینموده و عرفات مسئولیت این افتضاح را بدوش وی انداخته ازکار برکنار گردیده است .

عدنان‌یاسین جاسوس موصاد : نامبرده که مسئول‌برکناری رئیس اداره امنیت سازمان فلسطین ازمقام خود توسط عرفات گردید در سـال ۱۹۹۰ بـه خـدمت اداره جـاسوسی اسـرائیل درآمـد . شخص‌مزبورکه بعنوان فرد مورد اطمینان در دفاتر افراد طراز اول سازمان فلسطین در تونس مشغول بخدمت بوده و تمام امور دفتری و صدور ویزا وسایر اعمالی که دسترسی وی به مدارک کاملا سری را بازمیگذارد ، بعهده داشته است بعلت بیماری همسرش به بیمارستانی در آلمان مراجعه مینماید . درآن بیمارستان فردی کـه خـود را پزشک‌آن بیمارستان معرفی مینماید وبا وی همدردی مینماید با او دوست گردیده واوقاتی را مشترکاً در رستورانها وبارهای آلمان میگذرانند . هنگامیکه (یاسین) ازگرفتاریهای مالی و خانوادگی خود با آن پزشک‌صحبت مینماید بـه تـوصیه‌پزشک‌مزبور بـرای رفـع مشکلات خود مخصوصاً مالی از اومیخواهد که ازاطلاعات خود که چندان هم به ضرر سازمان فلسطین نمیباشد استفاده کرده وآن را به فروش برساند . درآن‌سالها عده‌ای از اعضاء حزب مخالف دولت اسرائیل ویا نمایندگان گروه های طالب صلح بدون اجازه دولت به ملاقات افراد فلسطینی میرفته‌اند که این کار جرم‌محسوب میگشته . آنان با پاسپورت اسرائیلی وقرار قبلی بـه تـونس مسافرت نـموده وتوسط (یاسین) بدون مهر ورود زدن به پاسپورت‌آنان وارد تونس گردیده و به ملاقات افراد مورد نظر فلسطینی‌برده میشده‌اند . با ارائه نام‌آنان به پزشک‌مزبور و دریافت وجوهی قابل توجه آرام‌آرام از وی خواسته میشود تا اطلاعات دیگری را نیز بـه آنـان بـفروشد . هرچه بر قطرکیف پولیش از مارکهای (موصاد) بیشتر میشده طمع‌وی نیز گسترش میافته .

دریکی ازمسافرتها ازپزشک‌مزبور میخواهد که اگر مغازه مبل فروشی را میشناسد که بتوانـد بـرای دفـاتر مقـامات فـلسطینی میز وصندلی وآباژور تازه با قیمت مناسب خریداری نماید . وی با خوشحالی آدرس فروشگاهی را در اختیار وی قرار میدهد که میتوان از آن اجناس مورد لزوم را به یک‌دوم‌قیمت خریداری نمود . عدنان بسیار از وی تشکر نموده و روزی کـه در حـال گـذاردن وسایل مزبور در اطاقهای سران فلسطینی در تونس بوده هرگز تصور نمیکرده که در پایه های مبل ها و میزها و لابلای‌آباژورها دستگاه های گیرنده صداکارگزاری گـردیده کـه تمام‌مکالمات تـلفنی و صحبت های حضوری هرکس توسط جاسوسان اسرائیلی کنترل میگردد .

(عدنان یاسین) براثر ریخت وپاشهای بی حساب درکاباره ها و بارهای تونس زمانیکه افرادی با مقاماتی بالاتر از وی حتی قـدرت خرید کردن یک صدم آنچه راکـه وی بـه پـای لعبتان خـارجی مصرف مینمود نداشتند موردسوءظن قرار گرفت و بـعد ازتـعقیب ممتد و یافتن تعداد قابل تـوجهی از دستگـاههای استراق سمع در اتوموبیل وی دستگیر گردید . واضح است که بعد از دستگیری وی نه نام ونشانی ازپزشک دلسوز و یا آن مغازه مـبل فـروشی بجـای مانده است .

برخوردسوم بین عرفات و (ابوعلا) باعث آن گردید که مذاکرات پاریس به مدت دو روز به عقب افتد و درنتیجه عرفات ناگهان خود را وزیر اقتصاد دولت فلسطین (علاوه‌برمقامات دیگر) اعلام‌کرده ودو تن از وفاداران خـود را بـنامهای (فـاروق قـدومی) و(خانی‌الحسن) را مامورمذاکرات اقتصادی با فرستادگان اسرائیل در پاریس نمود .

از مقامات دیگر که بنحوی کنار گذاشته شده‌اند (حسن عصفور) مشاورکشاورزی (ابوماذن) و(بصام ابوشریف) که حتی تلفن نامبرده در تونس به بهانه (کمی بودجه) قطع گردیده را میتوان نام برد .

بنظر شما این اتفاقی نیست که تنها بعد از سه هفته از دستگیری (عدنان یاسین) جاسوس فلسطینی (موصاد) ناگهان این همه بگیر و به بند در دستگاه رهبری فلسطین روی داده است ؟ ■

ژانت کدخدازاده

منبع :کنگره جهانی یهود
این مقاله دربخش انگلیسی این نشریه نیزچاپ شده
خواندن آن را به فرزندانتان توصیه نمائید.

نقش یهودیان در تحولات جهان



آمریکا

شواهد عکاسی

ماموران CIA امریکا اعلام کرده‌اند که با استفاده از تکنیک های مدرن عکاسی و با تعبیر و تفسیر عکسها و بزرگ کردن تصویرهای مختلف از بازداشتگاههای مرگ نازیها در لهستان دریافته‌اند که ماموران این کمپ ها گازهای مسموم و مرگ آور را از طریق دستگاههای تهویه در فضای بازداشتگاه پخش میکردند و باعث مرگ زندانیان میشدند.

چشم جاسوس

نیروی هوایی امریکا براثر کشفیات مخترعین اسرائیلی موفق به ساختن میکروسکوپهای جدیدی گشته که نیاز به عدسی ندارند. این میکروسکوپها که قدرت بینایی دقیق و بهتری دارند انرژی کمتری نیز مصرف میکنند.

کانال تبعیض نژادی

اخیراً یک شبکه تلویزیونی امریکا موسوم به «کانال نئونازیها» اولین برنامه های خود را دریکی از شهرهای پنسیلوانیا پخش کرد. این شبکه تلویزیونی بیش از ۴۰۰۰۰ تماشاچی دارد و از طرف حزب UNITED STATE OF AMERICA NATIONALIST PARTY حمایت میشود.

اروپای شرقی

نصب تلفن

یک شرکت اسرائیلی اخیراً قراردادی به مبلغ ۱۰ میلیون دلار با

لهستان امضاء کرده که بموجب این قرارداد ۱۴۰۰۰ تلفن در شهر ورشو نصب میشود. و سیستمهای تلفنی موجود در ورشو را پیشرفته و مدرن میسازد.

● آب میوه

«پریگات» کمپانی بزرگ آب میوه اسرائیلی اخیراً با سرمایه ۲ میلیون دلار شروع به ساختن کارخانجات مشابه در رومانی کرده است و نیز در آینده تصمیم دارد که پروژه های مشابه در مجارستان و روسیه تاسیس نماید.

کمپانی «پریگات» که متعلق و وابسته به کیوتص «گیوت» میباشد در سال ۱۹۹۲ مبلغ ۶۲ میلیون دلار فروش داشته.

▣ اسرائیل

● اعداد خوب

درکشور اسرائیل درصد بیکاری دربین ماههای سوم و ششم ۵٪ کاهش یافته. تعداد افراد بیکار در اسرائیل ۱۸۶۰۰۰ نفر میباشد که کمتر از ده درصد قوای کاری آن کشور میباشد.

● آمار تعنیت

بنابر آمار جدید هفتاد درصد یهودیهای اسرائیل که بالاتر از ۱۸ سال دارند در روز کیپور تعنیت گرفتند. ۶۵٪ افرادی که دراین آمار شرکت داشته‌اند روزکیپور وروش هشانا به کنیسا رفتند و ۴۰٪ این افراد در ایام سوکوت «سوکا» ساختند.

● یادبود موسیقی

شهردار اورشلیم اخیراً اعلام کرد که شهر اورشلیم میزبان مسابقات موسیقی که به یادبود موسیقیدان معروف LEONARD BERNSTIEN خواهد بود. این مسابقه که شامل یک دوره سه ساله میباشد درهر دوره خود مسابقه را مختص آهنگ سازان، یا رهبران ارکستر و یا خوانندگان ساخته است.

▣ ازگوشه و کنار جهان

● تکرار

گروههای افراطی دسته راستی در شهر MEDDELBUG توانسته‌اند که شعارهای ضد یهودی را در روی ساختمانهای این شهر بنویسند. بنا به گزارش پلیس این افراد که وابسته به گروههای نئونازی هستند مشابه همین کاررادر قبرستان یهودیان این شهر نیز انجام داده شهر MEDDELBUG که شامل ۴۰۰۰۰ نفر جمعیت میباشد درحدود ۵۰ نفر یهودی دارد.

● امنیت

درنمایشگاه وسایل امنیتی که درماه سپتامبر در هندوستان برقرار شد غرفه اسرائیل برنده مقام اول شد. از بین وسایلی که اسرائیل به این نمایشگاه آورده بود دستگاههای بمب یابی نرده‌های امنیتی قابل انفجار، دستگاههای ایمنی برای فرودگاه و وسایل امنیتی برای کارخانجات صنعتی بچشم‌میخورد.

● دانه های امید

بعدازامضاء قرارداد بین اسرائیل و PLO شرکت HAZEVA که به صادرات دانه و تخم گیاهی اشتغال دارد هر روز چندین تلفن ازکشورهای عربی مانند عربستان سعودی، اردن، سوریه دریافت میدارد و این کشورها خواستار تخم های کشاورزی و بروشورهای این شرکت میباشند.

ناگفته نماند که محصولات این کشور که نام کشور اسرائیل را روی همه بسته های خود دارند به کشورهای عربی و کشورهای نامبرده از طریق کشورهای واسطه صادر میشود.

● پله برقی

طولانی ترین پله برقی در فضای آزاد در هنگ کنگ برای یهودیان ارتدکس ساخته شده این پله برقی محله تجارتی هنگ کنگ را به محله مسکونی وصل میکند. یهودیان ارتدکس اعلام‌کرده‌اند که استفاده کردن از این پله برقی در شبات قوانین مذهبی را نفی نمیکند.

● کنیسای جدید

در بزرگترین بیمارستان وین، که یکی ازبزرگترین بیمارستانهای دنیا میباشد به تازگی کنیسایی تاسیس شده که بیماران و همراهان آنها میتوانند به عبادت بپردازند. این کنیسا مملو از کتابهای مذهبی و صیدور و تورا میباشد که توسط مدیریت بیمارستان خریداری شده.

● ربای کوبایی

دولت کوبا به یک نفر یهودی به نام «دیویدلوی» که متولد آن کشور میباشد اجازه داده که برای تحصیلات مذهبی به دانشگاه یشیوای نیویورک برود.

«دیوید لوی» که گمان میرود اولین یهودی کوبایی‌باشد که اجازه دارد برای تحصیلات مذهبی و نهایتاً ربای شدن را درخارج از کوبا داشته باشد.

یهودیان ساکن کوبا بالغ بر ۱۳۰۰ نفر میباشند.

از : جوئیش تایمز
برگردان : مرجان جهانفرد


Arafat: His leadership is threatened by rejectionist Arabs.

آیا یاسر عرفات قادراست از وقوع یک حمام خون جلوگیری کند ؟

درتاریخ ۲۲ سپتامبر **اسد سفتاوی** از خانواده **محمدابو شعبان** در غزه دیداری برای عرض تسلیت بمناسبت قتل ابو شعبان بعمل آورد . دیدار آقای سفتاوی که خود یکی از مهره های اصلی سازمان فلسطینی های غزه بحساب می آید افتخار بزرگی برای عزاداران بود ، بخصوص که آقای سفتاوی یکی ازدوستان نزدیک **یاسر عرفات** ویکی ازبنیان گزاران گروه الفتح بشمار میاید .

آقای سفتاوی دراین نشست برای ساعتها خانواده مقتول را دلداری داده وباآنها در زمینه خشونت های میان فلسطینی ها و احتمال یک جنگ داخلی مذاکره کرد . پس از این حادثه ، در روز ۱۷ اکتبر ، حادثه کشته شدن **ماهرخیل** ، دستیار آقای سفتاوی در مغازه ایشان در غزه آشکار شد ویکبار دیگر نه تنها احتمال یک جنگ داخلی بیشتر بنظرآمد بلکه برای اذهان عمومی این سئوال مطرح شد که چه کسی هدف بعدی است ؟

روز ۲۲ اکتبر آقای سفتاوی بعنوان هدف بعدی مشخص شد . آقای سفتاوی زمانی که در اتومبیل خود منتظر پسر ۹ ساله اش بود توسط یک مرد مسلح ناشناس بقتل رسید .

زندگی آقای سفتاوی شباهت عجیبی به سرگذشت فلسطینی های جهان در ماههای آخر سال ۱۹۹۳ دارد . دنیایی که درآن امید وناامیدی ، پیروز و شکست ، رویا وواقعیت در کشمکش دائمی هستند .

اسد سفتاوی ۵۸ سال پیش در **اشکولون** بدنیا آمد و سپس در سال ۱۹۴۸ در طی جنگ استقلال اسرائیل با خانواده خود به غزه پناهنده شد وچندی بعد به تدریس در دانشگاه الشمس در قاهره مشغول شد . درآنجا بودکه اسد سفتاوی با یاسر عرفات آشنا شد .

سفتاوی و عرفات سپس به **سازمان برادران مسلمان** محلق شده وچندی بعد بعلت نارضایی از اهداف این سازمان واپس گرا ، از این گروه جدا شده و **انجمن دانشجویان فلسطینی** را بنیان گذاشتند .

دربازگشت خود به غزه آقای سفتاوی چندی بعنوان یک معلم به تدریس مشغول شد و مدتی نیز به جرم خیانت به اهداف اسلام توسط سازمان برادران مسلمان در زندان بود . پس ازآن در پیوستن با عرفات ، سفتاوی سازمان الفتح راکه یکی ازگروههای متنفذ سازمان آزادی بخش فلسطین بشمار میاید بنیاد نهاد . درضمن آقای سفتاوی یکی از مهره های اصلی در شروع فعالیت های چریکی این گروه بود .

بعداز خاتمه فعالیتهای چریکی اش انرژی خود را وقف عملیات سیاسی کرد . درسال ۱۹۷۳ درحالیکه رابطه نزدیک خود را با سازمان آزادی بخش فلسطین حفظ کرده بود بمدت چهار سال بجرم مشاورت در امور مالی این سازمان توسط دولت اسرائیل زندانی شد . در سال ۱۹۸۸ ، کمی بعد ازشروع قیام ساکنین نواحی اشغالی ، سفتاوی دوباره زندانی شد . ولی آقای سفتاوی برخلاف اکثر پیروان وآزادی خواهان فلسطینی وجودکشور اسرائیل را بعنوان یک واقعیت قبول کرده و درپی نابودی این کشور نبود ، چنانکه در آوریل سال گذشته سفتاوی مهماندار اسحق رابین در منزل خود گشت . آقای سفتاوی کاملا آگاه بودکه نظریات وی مورد قبول اکثر فلسطینی های دنیا نیست . کما اینکه هردو فرزند او جزء اعضاء گروه تندرو نهضت تندرو **جهاداسلامی** در دمشق هستند .

ولی برخلاف انتظار عموم آقای سفتاوی ، آقای شعبان و آقای خیل ، قربانیان گروه های مخالف الفتح نبودند بلکه بدست یکی از

شاخه های کوچک الفتح بقتل رسیدند . این دسته گروهکی است مسلح که مخالفت خود را با خشونت های خونین بیان میکند .
و این پدیده‌ای است که باعث نگرانی یاسر عرفات در زمانیکه او و پیروانش خودرا برای مستقر شدن در جریکو آماده میکنند ، میشود . دست کم عرفات میبایست میانجیگری بین گروههای داخلی مناطق اشغالی وگروه های خارجی که این وقایع را از عمان ، بیروت و اخیراً تونس تماشا کرده‌اند ، باشد .

آیا عرفاتی که ازسوء قصدهای اردن ، سوریه و اسرائیل جان سالم بدر برده می تواند در قلب یک فرهنگ خشن که خود او به ایجاد آن کمک کرده دوام بیاورد . این سئوالی است که امروزه ذهن اسرائیلی ها و فلسطینی هارا مشغول کرده و هردو گروه به او چشم دوخته‌اند که ملت خود را به یک گروه یکدست و دور از تهدیدهای گستاخانه اسلامی تبدیل کند و از پیدایش دوباره حوادثی که در لبنان بوقوع پیوسته جلوگیری کند .

درحال حاضر گروه های زیر بزرگترین مخالفین عرفات بشمار میایند :

POPULAR FRONT FOR THE LIBERATION OF PALESTINE

به ریاست دکتر جورج حبش . این گروه یکی از معدود گروه های مارکسیست در دنیای عرب است که حدود ششصد سرباز تعلیم دیده در جنوب لبنان دارد .

DEMOCRATIC FRONT FOR THE LIBERATION OF PALESTINE

به ریاست ناعف هواتمه . این گروه تا مدتها از نظر قدرت دومین گروه فلسطینی بشمار میامد تا اینکه ماموریتهای ضد اسرائیلی‌اش باعث ضعف آن گروه شد . باوجودیکه این گروه فقط حدود دویست سرباز کم تجربه بیشتر ندارد ، بنظر میرسد که قادر به خرابکاریهای قابل توجهی است .

PALESTINE LIBERATION FRONT

به ریاست ابوالعباس یکی از نزدیکان عرفات و مغز متفکر حادثه ACHILLE LAURO در سال ۱۹۹۰ که باعث قطع رابطه عرفات و امریکا شد

PFLP - GENERAL COMMAND

یک گروه کوچک ، بیرحم و بسیار موثر به ریاست احمد جبرئیل که مخترع دستگاه مواد منفجره توام با هوا سنج است . این دستگاه در هواپیماها کار گذاشته میشود و در ارتفاع معین منفجر میشود . گروه فوق با ایران و سوریه رابطه نزدیک دارد و گفته میشود که مسئول چند فقره ازبزرگترین عملیات خرابکارانه از جمله انفجار هوایی PAN AM درآسمان اسکاتلند در سال ۱۹۸۸ بوده است .

FATAH REVOLUTIONARY COUNCIL

به رهبری ابو ندال خشن ترین تروریست جهان . ابو ندال در دهه هفتاد رابطه خود را با سازمان آزادی بخش‌فلسطین قطع و ازآن زمان یاسر عرفات را همراه با تمام یهودیان دنیا بخصوص یهودیان اسرائیل هدف خشونتهای خود قرار داده است .

FATAH UPRISING

این گروه در سال ۱۹۸۳ پس از جدا شدن ابو موسی از سازمان الفتح تاسیس شد . گروه فوق با ۲۰۰ سرباز خود زیر سلطه سوریه قرار دارد .

SAIQA

یک‌شاخه ازسازمان جاسوسی سوریه وبه رهبری عیسام کادی . اخیرآدمشق برای عدم مسئولیت در مورد فعالیتهای این گروه‌آنان را ازچنین فعالیتهایی منع کرده است .

HAMAS

عمده ترین نهضت تندرو اسلامی در نوار غزه . این گروه اخیراً مسئول چندین جنایت بوده که برخی ازآنان فقط بمنظور ایجاد وقفه در مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل بعمل آمده است . از زمان قرارداد ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ تا حال این گروه مسئول قتل ۱۳ نفر اسرائیلی ازجمله دوسرباز در غزه میباشد . بزرگترین ضعف این گروه عدم حمایت نهضت حزب الله لبنان است . گروه لبنانی این گروه را رقیب خود برای کمکهای مالی ایران میداند .

ISLAMIC JIHAD IN PALESTINE

فعالیتهای این گروه اکثراً ناموفق بوده و در نتیجه از حمایت ایران محروم بوده است . این گروه فاقد تسهیلات و سرباز است .

گفته میشود که مابین گروه های قید شده خطرناکترین تهدیدها ازسوی گروههایی به رهبری ابوندال و احمد جبرئیل است . اما دراین‌زمان که عرفات مصمم است اسم خود را در تاریخ به ثبت رساند این گروهها بطور کلی خطرمحسوسی بحساب نمی آیند .

برگردان : مینوذهابیان (کوتال)

گمشده اما از یاد نرفته

برای تسریع در ظهور ماشیح یک ربای در جستجوی اسباط گمشده اسرائیل دور کره زمین میگردد.

ماموریت ربای الیاهو آویچل RABBI ELIYAHU AVICHAIL یک ربای کوتاه قد از یروشالیم صحنه های فیلم **ایندیاناجونز** را برایمان تداعی میکند.

اوازاین قاره به آن قاره میرود . و به مکانهای عجیب و غریب سر میزند ، دوستانی در عجیب و غریب ترین محل ها پیدا میکند ، و اکثر اوقات همه کارها را یک نفره انجام میدهد ، باوجود این حقیقت غیرقابل بحث که آقای جونز یک افسانه خالص است ، ربای اویچل یک واقعیت محض است ، شاید فرق عمده بین این دو این است که ماجراجوی سینمایی در تعقیب زنها و ثروتمندان و مردان بد است ، (نه لزوماً به ترتیبی که گفته شد) ، اما ربای در تعقیب یک موضوع مرموز و افسون شده میباشد .

پیداکردن اسباط گمشده اسرائیل

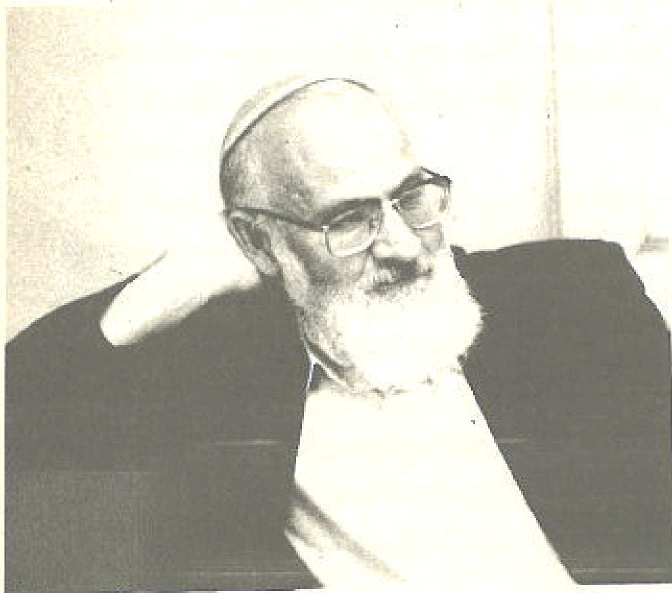
در ۱۷ سال گذشته ربای اویچل ۶۲ ساله دور کره زمین را برای پیدا کردن اقوام گمشده جستجو کرده است . بطور نمونه در پاکستان و افغانستان مسلمانهای PATHON (با جمعیت ۱۵ میلیون نفر) را پیدا کرد . آنها کسانی هستند که **شبات** را نگه میدارند . و قوانین **کشروت** را محترم میشمرند . و در طول هشت روز طبق قوانین یهودیت **ختنه** میکنند .

GEINAMAZ که پارچه‌ای شبیه TALIS (سیسیت)است دور شانه هایشان می اندازند وآنها آنرا مانند جانماز مسلمانان در موقع دعاکردن روی زمین میاندازند .

قومهای وابسته به PATHON اسامی قومهای اسرائیل مانند **افرائیم ، دانیل ، آشر و لوی** را دارند .

همچنین در شمال هندوستان کشمیری هارا یافت که جمعیت شان ۵ میلیون نفر است . آنها **شب شبات** شمع روشن میکنند و ریش پاگوششان را بلند میکنند . و از **سپر داود** بعنوان یک سمبل استفاده میکنند و پیش وند "JOO" جلو خیلی از نام هایشان است .

درشمال غربی‌چین ، قبیله CHIANG - MIN به یک خدا بنام



«یهوه» اعتقاد دارند . آنها نیز دارای قیافه سامی هستند و از **مزوزا** استفاده میکنند . سال نو آنها اولین روز دهمین ماه است .

در جزیره اسپانیولی MAJORCA یک تیره از یهودیان گمشده متفاوتی نیز وجود دارند . درحدود ۳۰۰۰۰ نفر از اعقاب **مارانوها** وجود دارند . مارانوها یهودیانی هستند که در دوران فتوحات اسپانیولی ها مجبور شدند ترک مذهب یهود کنند . آنها مانند مسیحیانی که اطرافشان هستند زندگی میکنند ، علی رغم ۱۰۰ درصد خون یهودی که در شریانشان جاری است .

ربای الیاهو آویچل در سال ۱۹۷۵ گروه AMISHAV (به عبری یعنی **برگشت ملت من**) راکه پایه آن در یروشالیم بود تاسیس کرد .

ربای اویچل در جستجوی روح یهودیان گمشده دنیا است . در واقع قسمتی از جستجوی او ماموریت او است . او میخواهد که یهودیان بدانند کی هستند . اما این عملی پیامبرانه (خوبی در برابر بدی) است . کتاب مقدس میگوید **وقتی تمام ۱۲ اسباط به اسرائیل برگشتند ماشیح خواهد آمد .**

ماموریت ربای تسریع کردن زمان ظهور **ماشیح** است .بزبان ساده تر ، چنین پراکندگی از لحاظ سیاسی خیلی مخرب است . ربای تخمین میزند که اعضای ده قوم گمشده اکنون بالغ بر ۳۰ میلیون نفر

است . اگر تمام‌آنها به اسرائیل مهاجرت میکردند پیش بینی **ذخریای پیامبر** نه فقط به واقعیت می پیوست بلکه لازم نیز می بود

ذخریا پیش بینی‌کرده بود که اگر تمام ۱۲ قوم اسرائیل درآنجا سکونت داشتند ، سرزمین اسرائیل به پهناوری زمان ابراهیم بود . و از فرات تا دریاچه نیل امتداد میافت . و این شامل سرزمین لبنان ، اردن و بقیه سرزمین ها نیز میشد .

ربای اویچل میگوید «تحقق بخشیدن سیاسی به این مهاجرت ، سیاست خدا است . عقیده براین نیست که آنهارا اکنون مجبور به **مهاجرت ALIYAH** به اسرائیل بکنند بلکه برای روشن شدن اذهان اعضای ده قوم و همچنین بقیه یهودیان است .

یهودیان گمشده که ربای اویچل در جستجوی‌آنها است از قومهای **روبن ، شمعون ، دان ، نفتالی ، آشر ، ایساخار ، زبولون ، افرائیم و منشه** هستند . از قلمرو شمال اسرائیل هستند که از قلمرو **یهودیه** بعد ازفوت **شاه سلیمان** در سال ۷۲۲ قبل از میلاد مسیح جدا شده‌اند .

آسوری ها قلمرو اسرائیل را فتح کردند و یهودیان را بسمت شرق عراق و اطراف آن راندند .

امروز در واقع ربای اویچل به سمت شرق برای ده قوم چشم دوخته است . بعلت اینکه کتاب **یشعیا** پیش بینی‌کرده بود که **اعقاب گم شده** از آن سمت خواهند آمد . او کاملا مطمئن است که یهودیان گم شده در شرق هستند و او ادعای قبیله کامرون که ثابت میکند که ۱۸۰ میلیون یهودی وجود دارند را رد میکند . باوجود اینکه این ادعا قدرت یهودیان را در دنیا بیشتر میکند .

یکی از عجیب ترین جنبه های مربوط به مبارزه ربای اویچل حمایتی است که **ژاپونی ها** ازاو میکنند . مخصوصاً بعلت گزارشهایی که راجع به ضد یهودیان در مملکتشان میشود .

یک‌کشیش پروتستان که رئیس گروه ژاپونی ها است اخیراً از ربای اویچل در پروشالیم دیدن کرد . این گروه براین باور هستند که باقیمانده قوم گمشده در ژاپن هستند . این کشیش ثروت کنونی ژاپن را دریک چهارچوب منحصر بفرد تعبیر نمود :

حضرت موسی کمی‌قبل از فوتش ۱۲ قوم را تبرک نمود . او گفت قوم بنیامین و یهودا عاقبت به خوشبختی روحانی دست خواهند یافت . و از ۱۰ قوم باقیمانده به خوشبختی مادی راه پیدا خواهند کرد . در زمان تاسیس کشورمدرن اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بوسیله اعقاب بنیامین و یهودا ، کشیش ژاپونی گفت تا احساس روحانیت در بین اعضای آن قوم بالا گرفت . اما در ژاپن محلی‌که تصور میشد بقیه قومها زندگی میکنند بهمان نسبت که مادیات و رفاه بیشتر شد روحانیت بهمان نسبت پایین رفت .

بیشتر اقتصاددانها و اعضای TRILATERAL COMMISSION به یک چنین توضیحی در مورد توفیق صنعتی ژاپن بصورت مسخره‌ای نگاه میکنند .

ربای اویچل نیز باین موضوع اعتبار زیادی نمیدهد .او به نمایندگان ژاپن گفت ، تفاوت بین روحانیت یهودیان غربی و ماتریالیسم در ژاپن دلیل قاطع و کافی نیست که بگویم‌آنها اعضای قوم گمشده هستند .

اما او گفت اگر آنها قوانین NOACHIDE LAWS (قوانین نوح) را که برای تمام انسان ها است رعایت کنند معلوماتشان در مورد یهودیت زیاد میشود .

وی با شیطنت اضافه کرد وقتی باور خواهد کرد که بعضی ازقومهای گمشده در ژاپن هستند که تمام ژاپنی ها تغییر مذهب داده و یهودی بشوند .

کیترینگ گلت کاشر جک بروخیم

Royal Catering (Glatt Kosher)

By Jack Berookhim

زیر نظر مستقیم آر.سی.سی (R.C.C.)

مدیریت ، خوشنامی و تجربه طولانی
و درخشان مهندس جك بروخیم در امور هتلداری
و کیترینگ ، رمز موفقیت چشمگیر مااست .

انواع اردور ـ شام و دسر در منازل ۲۲ دلار

در منازل اوپن باربکیو OPEN BBQ ۱۵ دلار

(۳۱۰)۴۵۸ـ۹۹۹۳

(310) 458 - 9993

جشن های بزرگ و کوچک شما راشاهانه برگزار می کنیم

کیترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتص (ولی)
و بسیاری از هتل های درجه اول لوس آنجلس

نرخ مخصوص در ایام هفته در مجتمع فرهنگی ارتص از ۱۹ دلار به بالا

برای برگزاری مراسم عروسی ، برمیتصوا ، بت میتصوا ، شاور ، سمینار ، کنفرانس ،
نمایشگاه و غیره در مجتمع فرهنگی « ارتص » با ما تماس بگیرید .

برگردان : غزاله

«گفتگویی رو در رو با لوئیس فرح خان»

من پوزه خود را به زمین نمی مالم .....



کوششهای **لوئیس فرح خان** برای ترمیم روابط خود با اجتماع یهودیان امریکا تاچه حد صادقانه است ؟

لوئیس فرح خان مردی که سال ۱۹۸۴ هیتلر را بطور تحسین آمیزی شریر بزرگ و یهودیت را مذهب کثیف نامید ، در سرگردانی بسر میبرد و نا امیدانه میخواهد رابطه از هم گسسته خود را با یهودیان بهم پیوند بزند . ولی یهودیان از او بعنوان **دشمن شماره یک** جامعه‌شان یاد کرده‌اند و نیز برای تلافی ، لقب هیتلر جدید را باو داده‌اند .

فرح خان خوب میداند تاچه حد لازم است برای‌بهبود روابطش با یهودیان قدم بردارد . ولی‌درمیان یهودیان و حتی بعضی رهبران سیاهپوست درمورد اینکه او تاچه حد برای این منظور باید پا پیش بگذارد ، اختلاف عقیده زیادی وجود دارد .

آقای فرح خان میگوید : تلاش‌یهودیان برای شنیدن عذرخواهی از طرف رهبر **امت اسلام** (NATION OF ISLAM) بی فایده است زیرا ازلوئیس‌فرح خان هرگز عذرخواهی شنیده نمیشود مخصوصاً از مردمی‌که نمی بخشند و متکبرند و درعین حال نقاب ضعیف بودن مظلومیت به چهره خود گذارده‌اند . آنها نمی توانند این نقش را برای من بازی کنند جائیکه قدرت در دستشان است و هرگاه بخواهند ازآن به بدترین نحو استفاده میکنند .

در چهل وپنج دقیقه مصاحبه ظاهراً آرامی‌که در مرکز فرماندهی ملی **امت اسلام** (NATION OF ISLAM) در شیکاگو با او داشتند فرح خان با شنیدن کلمه **«عذرخواهی»** برای اولین بار ازکوره بدر میرود ، آنقدر که حتی بدون بزبان آوردن آن با غرشی میپرسد : میدانید اگر این کاررامیکردم یهودیان درمقابل‌چه میگفتند ؟ - خیلی کم است و خیلی دیر ! عکس العمل آنان در مقابل چنین عملی همین است . بطوری که **جسی جکسون** هنوز هم‌که هنوز است ازآنان عذرخواهی میکند و این کار او تمامی ندارد . ولی من سگ نیستم که بدنبال تکه گوشتی که آنها در جلوی من گذاشته‌اند بدوم . من ازآنان ومردمشان چیزی نمیخواهم وآنها هم نمی توانند چیزی بمن بدهند ، آنها فقط میتوانند خود را از جهنمی بیرون بکشند که خودشان با پای خود به آن فرو رفته‌اند . آنها چطور میتوانند ازمن بخواهند برای گفتن حقیقت از ایشان عذر خواهی بکنم . من فقط در مقابل خدا سر تعظیم فرود میاورم زیرا کار بدی ازمن سر نزده و درضمن آنها هستند که یادآور دوران برده و ارباب و پستی و فرومایگی هستند که ماسیاهان در بند با آن مواجه بوده‌ایم . میخواهم بدانم آیا هیچوقت از یک ربای و سازمان یهودی بخاطر کارهایی که درحق مردم من کرده‌اند عذرخواهی شنیده شده است !؟

درکمین نشستن برای عذرخواهی از یک طرف و خودداری او

ازطرف دیگر ، پرده زیبای‌رابطه یهودیان و سیاهان امریکا را خدشه دار کرده است . برخلاف علم معانی و بیان ، برچسب‌زدن و پز دادن و خشم و طغیان درونیش ، لوئیس فرح خان هنوز احساس میکند میتواند تنظیم‌کننده آهنگ دلنوازی باشد در راه متقاعد کردن یهودیان برای قبول‌دعوت صادقانه وی برای‌رابطه بهتر و متقاعد کردن طرفداران خویش برای ایستادگی درمقابل یهودیان از طرف دیگر . (وی عقیده دارد جزو تعداد کمی رهبران سیاهی است که اغلبشان به ادعای او در جیب کوچک یهودیان هستند) .

یک عذرخواهی ساده فضای نامطمئن بین فرح خان و نفوذو پذیرشی که او بدنبال آن میگردد بوجود آورده است و تا وقتی برچسب ضد یهودیت مصرانه بر پیشانی وی بچشم میخورد ، خیلی از رهبران وشخصیت های سیاهپوست نیز از او دوری خواهند جست .

فرح خان میداند تا زمانیکه این جنگ لفظی با یهودیان پایان نگیرد ، از برنامه های اقتصادی او به نفع سیاهان با شدت جلوگیری خواهد شد در نتیجه نمیتواند آنطور که میخواهد مردمش را از فلاکت و سیاهی که درآن فرو رفته‌اند بیرون بیاورد .

نکته جالب دیگر اینکه انگیزه محرک در وجود آقای فرح خان برای پیشنهاد صلح با یهودیان این است که در سن ۶۰ سالگی ، چنانکه خود را در آستانه مرگ می بیند (مخصوصاً بعد از مقابله با بیماری سرطان پروستات) ، باین نتیجه رسیده است که صلح با یهودیان میراث و ترکه‌اش را محفوظ نگاه خواهد داشت . آقای فرح خان میگوید : من برای نوادگانم بعد ازمرگم میخواهم خاطره خوبی از خود بجای بگذارم .

طبق گفته های آقای فرح خان خیلی ازسفیدها برداشت استباهی‌از همکاری او درکنسرت فلیکس مندلسون (رهبرارکستریهودیزاده) داشته‌اند . براین اساس که او برای بهبود روابطش با یهودیان حرکتی تازه را آغاز کرده است ومیگوید این تصور غلط را به این دلیل تصحیح نکرده است که موسیقی یک‌زبان بین المللی است و میتواند ورای همه حرفهایی‌باشد که ازروی دشمنی و نزاع گفته شده است . «فکر میکردم ازاین کار چیز خوبی سر بزند نه آنکه یهودیان فکر کنند این کنسرت درخواست اجازه ورود من به اجتماع آنان باشد» .

بدنیست بدانید سالها پیش آقای فرح خان موسیقی را نزد یک معلم روسی یهودی یاد گرفته است .

برای کسانیکه پیشقراول روابط سیاهان و یهودیان اند این سئوال مهم مطرح است که دقیقاً لوئیس‌فرح خان چه میخواهد یا اصولا او کیست ؟ شیطان و ضد یهود ؟ یا یک مدافع تسلیم نشدنی و سرسخت برای مردمش و حقیقت ؟ وقتی خیلی رک از او پرسیده میشود آیا او یک ضد یهود است ، آقای فرح خان جواب میدهد : البته که نه . اگر «**ضد یهود**» این است که من از یهودیان متنفرم و شب و روزکار میکنم که کوششها و پیشرفتهای یهودیان را از بین ببرم ، باید بگویم خیر و اگر منظورتان از ضد یهود بودن این است که هر کسی از حقایقی حرف بزند که حساسیت و آگاهی گروهی را در احترام با اسرائیل یا درگیری‌شان در برده گیری آزرده کند ، نباید او را ضد یهود نامید زیرا من بهمان شدت نیز از حقایق تلخ ناشی از رفتار بد مردم خودم نسبت به یکدیگر حرف میزنم ولی من برعلیه سیاهان نیستم .با اینهمه نقش دیگران و خصوصاً اعراب را درمورد برده داری سیاهان مورد تایید قرار نمیدهد .

سه ساعت مصاحبه با فرح خان برابر با ۱۸۰ دقیقه وقتی است که با یک مرد بسیار فریبنده وآتشی مزاج‌و تندخو گذرانده شود . ظاهراً تصادفی نبوده است که قبل از اینکه به دین اسلام گرویده باشد ، در اوایل سالهای ۱۹۵۰ لقب فریبنده (THE CHARMER) را در اجرای برنامه ها برای او انتخاب کرده‌اند .

لوئیس فرح خان ازهرسه‌کتاب آسمانی نقل قول میکند . صدای رسای او علیرغم اختلاف جزیی و تفوذی‌که با یک ناطق واقعی دارد نکته مثبتی است که دراو دیده میشود . معمولا به آرامی‌حرف میزند ولی این آرامش درآنِ واحد تبدیل به خشم و غضب میشود ، بخوبی میتواند خود را در قالب یک‌شخص شاعر مسلک جابزند و به خستگی ناپذیری یک واعظ سیاه به زبان عامیانه خیابانی و اعتقاد راسخ یک فرد تازه تغییر مذهب داده حرف بزند درصورتیکه وی‌در سال ۱۹۵۵ به امت اسلام گرویده است .

دکمه سردست طلایی بزرگ و نوشته ل.فرح خان روی سر آستین آقای لوئیس فرح خان علاقه زیاد وی را به مد و جلب توجه مردم میرساند در حرفها برای خودش از ضمیر سوم شخص استفاده

میکند . درجواب این سئوال‌که چرا خود را سوم شخص خطاب میکند ، میگوید : چون فرح خان نشانی ازافراد بسیاری است که بکمک آنان به این مقام رسیده و این فقط تواضع و فروتنی بیش از اندازه او را نشان میدهد .

برای شناخت سردمدار امت اسلام (که اول لقب **لوئیس یوجین والکات اسقف بُستن**) را دارا بود ، بعد به **لوئیس ایکس** وبالاخره به لوئیس فرح خان ، یک اسم اسلامی ، از طرف **الیجاه محمد** در سال ۱۹۶۵ ملقب شد ، باید دید اورا ازدنیا فهمید . چنانکه خودش میگوید تمام اعمال و حرکات و حرفهایش تحت الشعاع مذهب قرار گرفته است **واختلاف او با یهودیان اختلاف نژادی نیست بلکه اختلاف مذهبی میباشد .**

حکـــمت الهـی امت اسـلام از تـاریخ سرگذشت تـلخ سیاهپوستان امریکا و جستجوی نومیدانه آنها برای شرافت نفس و خودمختاری سر زده است . **عقیده امت اسلام** (NATION OF ISLAM) بـراین است که سیاهپوستان اولین مخلوقات خداوند (که خود نیز سیاه است) بوده‌اند ولی ۶۶۴۵ سال پیش شورش دانشمندی بر علیه خدا باعث بوجود آوردن آدمیان کم رنگ تر و سفید پوستان شد . الیجاه محمد این سفید پوستان را شیاطین چشم‌آبی ، دروغگو ، قاتل و دشمنان حقیقت که بوسیله مکر و حیله حکومت دنیا را در دست گرفته‌اند ، نامید .

سازمان امت اسلام بطور واضح یهودیان ، مسیحیان و اسلام حقیقی و باستانی را به مبارزه می طلبد . الیجاه محمد با نائل شدن به رتبه مسیح ادعای یهودیت بر مبنای اینکه مسیح هنوز نیامده است و ادعای مسیحیت که عیسی همان مسیح است و ادعای مسلمانان که محمد آخرین فرستاده و خاتم الانبیاء است را بطورکلی رد میکند .

به گفته **واریت دین محمد** ، پسر الیجاه محمد که رهبر میسیون امریکائیان مسلمان (AMERICAN MUSLIM MISSION) میباشد ، پدرش فقط پیشوای یک‌جنبش اجتماعی است ، نه مسیح ونه حتی یک پیامبر ، اوکسی است که عمداًقرآن را به غلط ترجمه وتفسیر کرده تا سیاهپوستان را به انجام‌کاری برای خودشان به حرکت درآورد .

(یادداشت مترجم : لازم به یادآوری است که لوئیس فرح خان ، پس از مرگ الیجاه محمد ، جانشینی وی که به پسرش میرسید را تصاحب نمود) .

در فوریه سال ۱۹۸۴ فرح خان ، جسی‌جکسون‌را دریک گردهمایی انتخاباتی‌در شیکاگو معرفی‌کردوبعداً ده ها خبر تهدید آمیز بر علیه جکسون شایع شد . مخصوصاً در روزنامه‌ای از طرف سازمان یهودی (ADL) این مطلب به آگاهی عموم رسید که جسی‌جکسون بر علیه یهودیان و اسرائیل است .

ناتان پرل موتر که درآن زمان رئیس ADL بود به دلیل هشدارهای تهدید آمیز فرح خان به یهودیان او را با هیتلر مقایسه کرد . فرح خان دریک برنامه رادیویی در سال ۱۹۸۴ در رابطه با شباهتش با هیتلر اینطور گفت که هردو درصدد بالابردن مردم خود ازهیچ هستند و این کیفیتی بودکه ازهیتلر یک مرد بزرگ ساخت !

متعاقباً فرح خان مستقیماً ازیهودیان پرسید که من‌چه کرده‌ام ؟ آیا اگر به شما هشدار داده‌ام که مواظب رفتارتان باشید و پاهایتان را برای قدمهای خطرناک بحرکت درنیاورید ، کار اشتباهی‌کرده‌ام ؟ آیا شما قاتل تمام پیامبران نبوده‌اید ؟ فقط بدانید اگر جان مراهم بخطر بیاندازید ، نشان خواهید دادکه بهترازپدران خود نیستید .

ولی امروز این رهبر مذهبی ازحرفها و هشدارهای بی گزندش که باعتقاد او نیت سویی نسبت به یهودیان درآنها نهفته نشده دفاع میکند وقتی ماه بعد درواشنگتن پرس از او پرسیده شد که آیا حقیقتاً او فکر میکند که هیتلر مرد بزرگ تاریخ بوده است ، جواب داد : من فکر نمیکردم‌شما هنوز بعد ازچهل سال پس ازمرگ هیتلر راجع به او حرف‌بزنید ، بله ازنظر من او یک شریر بزرگ است .

وی ضمن بیانیه‌ای در جون ۱۹۸۴ اظهار داشت هیچوقت ، اسرائیل روی صلح را نخواهد دید .زیرا صلحی بر مبنای بی عدالتی ، دروغ ، نیرنگ و استفاده از نام مقدس پروردگار برای پرده پوشی از مذهبی‌کثیف وجود نخواهد داشت و فقط پس از این بیانیه بودکه آقای فرح خان متوجه میشوند برچسب مذهب‌کثیف بر یهودیت کار درستی‌نبوده و اقرار میکند که «من اشتباه کردم» یهودیت نمیتواندمذهب کثیفی‌باشد زیراکه اسلام از همان خدا بوجودآمده است .

ازسال ۱۹۸۴ آقای فرح خان به‌کرات خواهان ملاقات با رهبران یهودی بوده است که البته به هیچ‌یک ازدرخواستهای او در طی این نه سال جواب‌مثبت داده نشده است .

بقیه در صفحه 84

گفتار خودمونی

دکتر میترا مقبوله

خاطرات سانسورنشده ازسرزمین مقدس !(۲)

بادرود فراوان بر همه شما عزیزان ، امیدوارم که ملالی نداشته باشید و حال و حوصله شنیدن بقیه خاطرات سانسورنشده بنده و ملانصرالدین را از سرزمین مقدس داشته باشید ! تا یادم نرفته بهتراست بگویم‌که درخاتمه سفر به اسرائیل ، بنابه خواهش نصرالدین ، وبخاطر احترام و ارزشی که مردم‌کشور ترکیه برای ملانصرالدین قائل میباشند ، سفری هم به ترکیه و بندر زیبای استانبول نمودیم . هنوز که هنوز است هرسال در ترکیه فستیوال بزرگداشت ملانصرالدین را برپا میکنند و به بهترین کارتونیست تصویرهای ملا ، جایزه نفیسی تقدیم میدارند . برنده جایزه امسال یک کارتونیست ایرانی بود . خوب ، حالا با اجازه‌تون میپردازیم به بقیه ماجراهای سفر به سرزمین مقدس ...

*****

درطی سفر اخیر به اسرائیل ، برای اولین بار بطور سیستماتیک‌به کلیه نقاط این سرزمین سفر کردیم ، و از مرز سوریه گرفته تا مرز مصر و از مرز اردن تا مرزلبنان همه‌وهمه را دیدن کردیم . دریکی از این سیاحت ها که به توسط تور مسافرتی‌صورت گرفت ، پیرزن هشتاد و دو ساله‌ای در جمع مسافرین بود که با انرژی فراوان وشور و نشاط عجیبش همه مارا به حیرت واداشته بود ! پیش خود فکر کردم‌آیا چه عاملی باعث میشود بعضی ها در سنین پیری این چنین سرزنده بمانند و بعضی دیگر زود پژمرده و بی رمق بشوند ؟ حتماً عوامل گوناگونی‌دراین مسئله موثر میباشند ، اما وقتی از خود این پیرزن شاداب ، رمززنده دلی و انرژی فوق العاده‌اش را پرسیدم ، چهره چروکیده‌اش ، که در لابلای هر چروک آن سالها تجربه شخصی و تاریخی نهفته بود ، از هم باز شد و در پاسخ سئوال من ، قطعه شعر عبری قشنگی را به این مضمون برایم خواند : **«ازگذشته ها آزاد زیستن ، هر روزصبح با نغمه ای تازه در دل از خواب برخاستن ، این آواز نو را با تمام دردها و لذت ها به پایان بردن و شعر زندگی را از نو دوباره آغازیدن ... این راز من است ! »**

فرمول بسیار خوبی به نظرم آمد ، اما این فرمول ها به زبان آسان می آید و در عمل قدری مشکل ! یکبار از ملانصرالدین پرسیدند : **«بهترین راه جلوگیری از عوارض پیری چیست ؟ »** **پاسخ داد : «جوانمرگ شدن!»** بنده شخصاًفرمول‌آن پیرزن زنده دل را بیشتر می‌پسندم !

درطی همین تور مسافرتی ، از پایین ترین نقطه دنیا ، یعنی «دریای مرده یا دریای نمک» که درچند مایلی جنوب اورشلیم واقع است بازدید کردیم . نمک این دریاچه بحدی است که آدم درآن نیازی به شنا کردن ندارد و خود بخود شناورمیشود . از اقصی نقاط جهان عده بسیاری همه ساله برای استفاده از مواد معدنی شفابخشی که در دریای نمک وجود دارد به این منطقه میایند .

همانطور که راهنمای توریستی ما درمورد دریای نمک و فواید آن داد سخن میداد ، دوست ما «شارونا» که ازپانزده سالگی به اسرائیل مهاجرت نموده و حوصله‌اش از پرحرفی راهنما سر رفته بود ، به زبان فارسی و با لهجه شیرین و بامزه‌ای یک مرتبه لب به شکایت گشود و گفت : «این بابا منو زنده بگورم کرد ! ماشاء الله بیشتر از کلفت حاجی باقر حرف میزنه !» تا آمدم از شارونا قضیه «کلفت حاجی باقر» را جویا شوم ، با شتاب هرچه تمامتر سخنانش را ادامه داد : «اگه از من بپرسین ، حضرت موسی ، قربونش برم ، آخرای عمرش حواس پرتی پیدا کرده بود ، و بجای اینکه قوم خودشو ببره بجایی که معادن طلا و الماس وپانفت داشته باشد ، آوردشون به اینجا که از منابع طبیعی فقط همین پایین ترین نقطه دنیا رو داره و یه مشت نمک ! و تازه اسمش را هم گذاشت سرزمین مقدس تا هزار جور دعوا و مرافعه راه بیندازه !» درجواب بهانه های بنی اسرائیل شارونا ، شوهرش «رونن» باشوخ طبعی به او چنین گفت : «اولا موسی‌چه شانسی آورد که تو دراون سفر چهل ساله بیابونی همراهش نبودی ! وگرنه از دست تو چنان کلافه میشد که ازراهنمایی قوم دست میکشید و میگفت بابا خرما از اول دم نداشت ، هرکدام خودتون هرکجا خواستین برین ! عزیز من ، شاید موسی یه چیزی

میدونست که من و تو نمیدونیم، **مثلا شاید او میدونست که بالاترین و با ارزش ترین منابع طبیعی و معادن قیمتی در درون خود ما انسانها است ، و مخصوصاً مارو به جایی برد که معادن الماس نداشته باشد تا بلکه به جای الماس یکروز مثل امروزصنعت و تکنولوژی الماس تراشی طراز اول در دنیا نصیبمون بشه ... تا بلکه بجای‌کشتزارها و زمین های پر حاصل طبیعی ، یکروز مثل امروز از شن و ماسه صحراها گوجه فرنگی وگل به عمل بیاوریم و با هلند برای مقام اول در صادرات‌گل در جهان رقابت‌کنیم ...»**

شوهر شارونا در مورد فواید «پایین ترین نقطه جهان» حرفی نزد ، ولی من به یاد نکته‌ای افتادم‌که درجایی خوانده بودم و آن این بود که وقتی به فرشته خِرَد فرمان داده شد که به زمین فرود آید ، فرشته خرد همین منطقه را چون دارای پایین ترین نقطه جهان است ، برای فرود آمدن انتخاب نمود . فرشته خرد باین وسیله به آدمیان آموخت که **فروتنی اولین شرط خردمندی است .**

افتادگی آموز اگر طالب فیضی
هرگز نخورد آب زمینی که بلند است !

امروز در داون تان تل‌آویو ، به بانوی یهودی حبشه‌ای سیاهپوستی برخورد کردیم‌که بغایت زیبا و برازنده بود وچنان با طمانینه و خرامان گام برمیداشت که گوئی از بستگان نزدیک ملکه سبا است ! یهودیان سیاهپوست حبشه‌ای خود را از اعقاب سلیمان و ملکه سبا میدانند و پس از برسمیت شناخته شدن از طرف مجامع مذهبی یهودی در اسرائیل ، بیش از بیست هزار تن ازآنان به اسرائیل‌آورده شدند . اینان مردمانی بسیار متواضع ، سخت کوش و ملایم و نیک خو میباشند و با وجود مشکلات فراوان رفته رفته جای خود را در جامعه اسرائیلی باز میکنند . متاسفانه به خاطر فرهنگ ناهمتجانس و رنگ پوست آنها ، یکی دوبار کشمکش های ناشایسته‌ای میان یهودیان حبشه‌ای و مهاجرین یهودی روس درگرفته بود . به قول مولانا :

چو بیرنگی اسیر رنگ شد
موسئی با موسی درجنگ شد

یهودیان‌چشم‌آبی و سفید روی روسی اززندگی کردن در کنار یهودیان سیاهپوست حبشه‌ای ابا داشتند ، اما مقامات دولتی امیدوار بودند که با ادغام این گروهها دریک محل ، و بخصوص با بوجود آمدن نسل جدید از این دو گروه ، رفته رفته اختلافات فرهنگی و نژادی از میان خواهند رفت . آنانکه دچار چنین تعصباتی میباشند ، چه راحت فراموش میکنند که **حضرت موسی یک همسر حبشه‌ای اختیارکرد و وقتی خواهرش میریام براو خرده گرفت ، خداوند میریام را شدیدآمجازات نمود** (NUMBERS12:1-10) ، و فراموش میکنند که **میان سلیمان و ملکه سبای** حبشه‌ای‌چه رابطه‌ای عمیقی بوجود آمد . تجربه ثابت کرده است که بازگو کردن این حقایق به نزد متعصبین کور ذهن درست مانند یاسین خواندن درگوش خر است و هیچ‌فایده‌ای ندارد ! بی جهت نیست که مولانا فریاد میزندکه :

گوش خر بفروش و دیگرگوش خر
کاین سخن را درنیابدگوش خر

ناگفته نماند که مهاجرین روسی اثرات بسیار مثبتی نیز در تاروپود اجتماعی و فرهنگی سرزمین مقدس به جای گذارده‌اند . **مهندسین ، پزشکان ودانشمندان یهودی روسی ، دانش خود را بهمراه آورده‌اند .** درگوشه و کنار گردشگاه های ساحلی و مناظر خیال انگیز مدیترانه ، مهاجرین یهود روسی با هنر نوازندگی خود ، آتمسفری نشاط آفرین و شادی بخش فراهم‌آورده‌اند و در هنرهای دیگر نیز یهودیان روسی کارهای ارزنده‌ای ارائه داده‌اند . با این وصف ، طبیعی است که احساسات عامه مردم اسرائیل در قبال موج مهاجرت جدید از روسیه تا حدی ضد و نقیض میباشد . البته بغیر از احساسات دوست قدیمی من «شولمیت» که از مهاجرین روسی بالکل متنجر و متنفر بود ، زیراکه پس از چهارده سال زندگی زناشویی ، شوهرش را به یک‌زن زیبای موبور وچشم‌آبی‌روسی باخته بود ! بسیار به سختی خود را قانع کردم که به درد دل های شولمیت فقط گوش فرا بدهم ، و به او هیچ نگفتم‌که همه تقصیر و گناه به‌گردن لعبتک روسی نبوده و اکثر ما دوستان نزدیک او از سالها پیش میدانستیم‌که ازدواج آنها چندان دیری نخواهد پایید ، چون **شولمیت همه فکر و ذکرش بچه هایش بود و به خواسته های شوهرش اهمیتی نمیداد .** او توانایی شنیدن این حرفها را نداشت و منهم هیچ نگفتم .

گفت جز راست نبایدگفت

ولی هر راست نشاید گفت

******

شاید باورتان نشود ، اما بازدید از اماکن مذهبی متعلق به ادیان مختلف ، یکی از جالب ترین سیاحتها در سرزمین مقدس میباشد . درمیان انبوه اماکن مذهبی دراین منطقه از جهان ، از قدیمی ترین کنیسای یهودی نزدیک شهر فوق العاده زیبای طبریا(TIBERIAS) **ازمحل تولد حضرت عیسی در بیت اللحم ، از باغ دلپذیر بهائیان در حیفا ، و از مساجد معروف عمر و الاقصی** (البته ازدور) همه و همه دیدن کردیم . اما جالب ترین مکان ، کلیسای مسیحی بسیار عظیمی در یکی از شهرک های شمالی اسرائیل بود که بر روی دیوارهای درون آن نقاشان مسیحی ازسراسر جهان هریک تصویری بسیار بزرگ وبا شکوه از حضرت مریم و عیسای نوزاد درآغوش او کشیده بودند . جالب به این خاطر که نقاش سوئدی تصویر موبور وچشم آبی ، و نقاش ژاپنی تصویری با چشمان و موهای ژاپنی ، و نقاش افریقایی تصویری با رنگ و رو وموهای‌مجعد سیاهپوستی ازشکل و شمایل مریم و عیسی تحویل داده بودند !

به یاد دوبیتی اقبال لاهوری افتادم :

تراشیدم صنم برصورت خویش
به شکل خود خدا رانقش بستم
مرا ازخود برون رفتن محال است
به هر رنگی که هستم خود پرستم

******

امشب در تلویزیون اسرائیل شاهد گزارشی بودیم درمورد یکی ازرهبران اصلی حزب مذهبی اسرائیل که چندی است به اتهام دزدی و کش رفتن مقادیر زیادی‌ازبودجه‌ای که برای تعلیمات مذهبی که در اختیار او گذاشته شده بود ، مورد تعقیب قرار گرفته است . گویا رفیق ما ملانصرالدین هم روزی با چنین مشکلی روبرو شده و نمیدانست چه مقدار ازبودجه‌ای راکه برای امور عام المنفعه در اختیار او گذارده بودند ، برای خودش بردارد و چه مقدار از آنرا صرف امور خیریه نماید . دوستانش به او پیشنهاد کردند که دایره‌ای روی زمین بکشد و تمام پولهارا به هوا بیاندازد وهرچه داخل دایره افتاد برای خودش بردارد و هرچه بیرون دایره افتاد صرف امور خیریه کند . نصرالدین در حالیکه چشمانش برق میزد ازجا پرید و گفت : «من راه بهتری پیدا کردم ! تمام این پولهارا به هوا پرتاب میکنم ، هر مبلغی که خداوند برای امور خیریه درنظر دارد خودش آنرا در هوا می قاپد ، و هرچه روی زمین بیفتد برای خودم نگاه میدارم !» کسی‌چه میداند ؟ شاید این رهبر حزب مذهبی اسرائیل هم از نقشه ملانصرالدین استفاده کرده بود .

اما بقول سعدی جهان دیده :

عالم‌که کامرانی و تن پروری کند
خویشتن‌گم است که را رهبری کند ؟

*****

درجنوبی ترین نقطه اسرائیل ، بندر مدرن و بینهایت زیبایی بنا شده است بنام ایلات . با دوسه تن از یاران برای دوسه روز به ایلات رفته بودیم ، غروب روز دوم ترجیح دادم که به جای همراهی با گروه دوستان ، بتنهایی در یکی ازکافه های کنار ساحل بنشینم و قدری مطالعه کنم. عنوان کتابی که در دست مطالعه داشتم **«خزرها: سیزدهمین قبیله یهود» نوشته آرتور کستلر** بود. نویسنده این کتاب کلیه شواهد تاریخی مبنی بر **یهودی شدن داوطلبانه قوم خزر را** که در اواخر قرن هشتم میلادی روی داده بود ، گردآوری کرده و ادعا میکرد که علاوه بردوازده قبیله اصلی یهود که ازدوازده پسر یعقوب بوجود آمدند ، قوم خزر را نیز باید قبیله سیزدهم یهود حساب کرد . قوم خزر ملتی بسیار نیرومند و به احتمال قوی آریایی نژاد بودند که در اطراف دریای خزر و درمناطق اولگا و کریمه می زیستند و اگر پایداری و استقامت دلیرانه آنها نبود ، اعراب نصف بیشتر اروپا را نیز تحت سلطه خود درمی‌آوردند . نویسنده کتاب براین عقیده بود که اکثر یهودیان موبور و چشم آبی در روسیه و اروپا و امریکا از اعقاب این قبیله سیزدهم‌یهود یعنی «قوم خزر» میباشند .

چند لحظه‌ای به غروب آفتاب خیره شده بودم و به مطالب این کتاب فکر میکردم که یکباره صدایی مرا بخود آورد . «میتونم‌چند دقیقه‌ای سر میز تو بنشینم ؟» (در زبان عبری لفظ «شما» برای خطاب قرار دادن فرد واحد هرگز بکار نمیرود) . صاحب صدا یک‌سرباز جوان اسرائیلی بود که شکل و شمایل‌اش درست مانند اعقاب قوم خزر بود ... باوجود اینکه ته دلم هیچ مایل نبودم کسی خلوت

دلنشین آن ساعات را برهم بزند ، در چشمان این سربازجوان چنان غم مرموز و عمیقیی موج میزد که بلا درنگ به او اجازه نشستن دادم . خودش را «داوید» معرفی کرد و از من پرسید آیا ایرانی هستم ؟ برای اینکه از قصد او از این همنشینی کاملا مطمئن شوم ، از او پرسیدم : «داوید ، با این همه دخترهای جوان و زیبا که این دور وبر پرسه میزنن وآرزو دارند با جوون خوش چهره‌ای مثل تو آشنا بشن ، تو می تونی به من حالی کنی که چرا می خوای با کسی بنشینی که شاید میتونه جای مادر تو باشه ؟» پوزخندی زد و گفت : «اولا مادرمن شصت وپنج‌ساله و حالا خیلی مونده تو به سن او برسی ! اما من چه میدونم ؟ شاید هنوز میون یهودی های ایرونی رسمه که دختربچه ها رو در دوازده سیزده سالگی شوهر بدهند و بلافاصله بچه‌دار بشن ؟ درثانی ، چرا شما زنها همیشه فکر میکنید درپس یک دعوت ساده برای هم صحبتی و هم نشینی مسائل دیگه‌ای هم هست ؟»

سکوت کردم وچیزی در پاسخ نگفتم . داوید ادامه داد : «حقیقت جریان اینه که وقتی از اینجا رد میشدم ، در طرز «بودن» تو آنچنان سکون وآرامشی محسوس بود ، که انگار «میتوانستی هزارو یک طوفان مهیب رو با یک نظر خاموش کنی ...» حرفهای عجیب و غریبی میزد ، اما این امر قبلا هم سابقه داشت که افرادی کاملا بیگانه ، اعم از پیر یا جوان وزن یا مرد ، بدون هیچ مقدمه‌ای با من سر سخن گشوده و **اسرار نهان** برملا کرده بودند . شاید وقتی از **مسائل شخصی و دردهای خصوصی خودمان فراتر میرویم و به دردهای همگانی و عمیق بشری واصل میشویم** ، حالتی درما بوجود میاید که حتی غریبه ها هم مارا «دردآشنا» و قابل اطمینان می یابند .

کسی‌کو درد پنهانی ندارد
تنی دارد ، ولی جانی ندارد
اگرجانی هوس داری ، طلب‌کن
تب و تابی‌که پایانی ندارد

برایتان خلاصه بگویم ، پس از برافتادن پرده های شک و ابهام و عدم اطمینان ، من وداوید چنان صمیمانه به گفتگو نشستیم که گویی هزاران سال است همدیگر را میشناسیم . داوید نزدیک ترین دوست خودش را که از بچگی باهم بزرگ شده بودند ، هفته پیش در مرز لبنان از دست داده بود و این فقدان بزرگ در او تلاطم عجیبی به پاکرده بود . ازجنگ بیزار بود ، ولی به صلح امید چندانی نداشت . با هم از انسان وجنگ و تضاد درونی او سخن گفتیم ، از فلسفه و عرفان گفتیم، از شعر و لطیفه و تجربه های شخصی گفتیم . ساعاتی بعد ، وقتی سایر دوستانم برای بردن من به آن محل آمدند ، داوید به شوخی به آنها گفت که در غیابشان از من مراقبت می کرده است ، و سپس با چشمکی خطاب به من گفت :«بعضی وقتها معلوم نیست چه کسی ازچه کسی مراقبت می‌کند ...» سپس بوسه‌ای بر پیشانی من‌زد وخداحافظی نمود و براه خود رفت .

شب صحبت غنیمت دان ، که بعدازروزگارما
بسی‌گردش‌کندگردون ، بسی لیل ونهارآرد

*****

دو روز بعد ، در اورشلیم به پای دیوار ندبه رفتیم . قدمت چند هزار ساله این دیوار وحالات روحی انبوه ، بیشماری که به پای آن گرد آمده و نیایش و دعا و گریه و ندبه میکردند ، حتی یک خانم توریست مسیحی انگلیسی را نیز بشدت تحت تاثیر قرار داده بود ! دریک گوشه دیوار یک جوان «برمیتصوا» و درگوشه‌ای دیگر یک عروس و داماد که برای اجرای مراسم به آنجا آمده بودند به چشم‌میخوردند .

درحالیکه دستم را بر روی این دیوار تنومند وکهنسال ومقدس نهاده بودم ، برای داوید ، آن سربازجوان ودوست از دست رفته‌اش ، برای دوستانی‌که خود در جنگ از دست داده‌بودم ، **وبرای تمام اقوام بشرکه درگیر فلاکت جنگ هستند و همه انسان هایی که درآتش‌جنگ درونی خود میسوزند ، بی محاباگریستم. درکبالا (عرفان یهود) آمده است که خداوند اشکهای ما زنهارادانه دانه میشمارد و بسیارگرامی میدارد ...**

شایدچندان هم بی ربط نگفته باشند ! همانطور که اخیراً اعراب و اسرائیل شروع به گسستن زنجیرهای‌کینه‌و نفرت و نفاق کرده‌اند . بیایید همه در پای دیوار ندبه دلهایمان دعاکنیم که یکروز **هرچه زودتر این‌زنجیر نفاق از قلوب تمام ابناء بشرگشوده‌شود . آمین !**

نه بندیست نه زنجیر ، همه بسته چراییم؟
چه بندیست ، چه زنجیرکه برماست خدایا؟

شالم

امنون نتصر

هما سرشار



در کوچه پس کوچه های غربت، دو جلد، لس آنجلس: شرکت کتاب، ۱۹۹۳

سالهاست که نگارنده کتب و مقالات همکاران دانشگاهی را میخواند و در بارهٔ آنان، آنچه را در عرف دانشگاهی نقد میگویند، منتشر میسازد. نقد اصولاً به منظور دو هدف نوشته میشود: یکی در سوی اصلاح یا پیشنهاد اصلاح در جهت رسیدن به حقیقت؛ دوم بعلت معرفی کتاب. برای هر دو هدف ناقد باید در رشته مورد انتقاد تخصص کافی داشته باشد. من اعتراف میکنم که در مورد دو جلد کتاب **در کوچه پس کوچه های غربت** اثر هما سرشار تخصصی ندارم. ولی از صفحه اول تا صفحه آخر این دو جلد کتاب را خواندم و لذت بردم. به گمانم مقداری از این لذت مؤثر از آشنایی من با شخصیت نویسنده است. گفتم «لذت»، ولی این نوعی لذت غیر قابل توصیف است. از قرائت پاره ای نوشتار های ملودراماتیک هما احساس گرفتگی مطبوعی بمن دست داد - - درست مانند غروب پر از برف وباران زمستانهای رشت.

اقرار می کنم که نوشتن نقد بر این دو جلد کتاب برایم مشکل بود. این نوشتار گویا میبایست در چارچوب آنچه گروه ناقدین آثار ادبی آنرا ژانر autobiography می نامند جای بگیرد. ولی اتوبیوگرافی نیست. من که سالهاست با اشتیاق فراوان، وشاید خستگی ناپذیر، به دنبال آنچه ارتباط با یهودیان ایران دارد میگردم، چیز قابل توجهی در این مورد بخصوص در ۷۳۰ صفحه این دو کتاب نیافتم. ولی برای من جدا کردن این اثر از شخص نویسنده کار درستی نمی نمود. به نوار ضمیمه این دو جلد کتاب گوش دادم. نظرم را در این مورد صائب تر یافتم. شاید نویسنده از من خرده بگیرد، ولی آنچه من به چشم نخواندم اما فریاد گونه از لابلای صف کلمات به گوش شنیدم چنین است:

دختری یهودی با احساساتی که حدی برای آن نمیشود تصور کرد از شیراز و رشت به تهران میآید تا با در دست داشتن مدارک دانشگاهی در صف روشنفکران ایرانی برای وطنش ایران خدمت کند. برای او وطنی غیر از ایران وجود ندارد. برای او زندگی یعنی کوشش برای سرافرازی ایران. او بیش از هر چیز دیگر اول خود را ایرانی میداند که ریشه هایش در ایران است (ج ۲، ص ۱۷، ۳۲۳). درست همان روند فکری یهودیان روشنفکر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم آلمان. کوشش این زن روشنفکر و آزاد اندیش یهودی ایرانی در یک مرحله بس طولانی در زندگی بر این بود که کارت ورودی به جامعه ایرانی به عنوان یک ایرانی ناسیونالیست به دست بیاورد.

هما سرشار در آستانه چنین عضویتی بود. شاید هم خود را عضو قبول شده جامعه ایرانی میدانست. تا اینکه انقلاب شد. ایران در کنار پرتگاه یکی از بحرانی ترین حوادث تاریخ قرار گرفت. انقلاب او و همتایان او را غافلگیر کرد. هما بیش از همتایان مسلمان خود غافلگیر شد. میگویند مردم را میشود در سختی ها شناخت. من کاری به مردم بی سواد یاکم سواد شهرها و دهات ایران ندارم. من به همه آنها احترام میگذارم ولی روی سخنم با آنها نیست. حرفم با آنهاییست که نویسنده اند، شاعرند وبه خود برچسب «روشنفکر» زده اند - - یا لااقل دیگران آنها را روشنفکر میدانند. هما دریافت که بقول حافظ سعی او و سعی دلش باطل بود. جوّ بحرانی و تشنجات داخلی مملکت نقاب از چهره «دوستان صمیمی» دیروز به دور افکند. عقده های چند صد ساله ستیزگی با یهود و یهودیت بیرون ریخت. اخگرهای تعصب از زیر خاکستر چهره خصمانه خود را با

خشونت هر چه تمامتر نشان دادند. دوستان روشنفکر دیروز ناگهان بیاد یهودی بودن هما افتادند. درست مانند دهه سوم قرن ما در آلمان. هما و آزاد اندیشان آسیمیله شده یهودی نیمه سوخته از حریق تعصبات ملی و مذهبی انگشت حیرت به دهان گزیدند. نیمه سوخته وسیلی خورده در جستجوی هویت گمشده ایران را ترک کردند. هما را در کوچه پس کوچه های غربت در حال گریه یافتم. نواری که به دست ما داده است صدای گریه من و شماست. گریه ایست که سالها و قرنها دست از سر ما بر نمیدارد.

من میگویم ایران را، سرزمینی را که ما و اجداد ما در آن زاده شده و پرورش یافته ایم، باید دوست بداریم. ما یهودیان قبل از بسیاری از ایرانیان مسلمان که دور و بر ما دیده میشوند در ایران بوده ایم. اگر پژوهش ایرانشناسان معتبر را بپذیریم، ما حتی قبل از ظهور زرتشت در ایران خانه و کاشانه داشته ایم؛ شهرها و دهات این سرزمین را آباد کرده ایم؛ دوشادوش سربازان اشکانی و ساسانی با دشمنان مشترک جنگیده ایم؛ مرز های دور دست امپراطوری هخامنشیان را حفاظت کرده ایم. به عبث نیست که یهودی ایرانی هرکجا هست، بیش از آنچه میتوان تصور کرد، به زبان، ادبیات، موسیقی وسنن ایران عشق میورزد و برای سرافرازی ایران و ایرانی شنبه ها نیایش میکند. با وجود این نباید خود را گول بزنیم -- نسل امروز ایران، با در نظر گرفتن پاره ای استثنائات، برای پذیرفتن ما یهودیان بعنوان هموطن آمادگی ندارد. پس چه باید کرد؟ اگر دوستی ما نسبت به ایران و ایرانی حقیقی است، این وظیفه وجدانی ماست که دید نادرست ایرانیان را در قبال یهودیان تغییر بدهیم -- نه از راه خودخواری، زبونی، چاکری، ابطال شخصیت وتملق، بلکه از راه صحیح نشان دادن غرور و افتخار یهودی بودن خودمان توأم با انتقاد سازنده، هم از خودمان و هم از آنها. در ایران این کار باید از طریق تعلیم و تربیت انجام بپذیرد.

هما اگر مسلمان بود میتوانست وکیل مجلس بشود؛ میتوانست صاحب منصبی بالا در سطح کشوری بشود. ولی نشد. میدانید چرا؟ فقط برای اینکه یهودی است. در ایران بعلت یهودی بودن استعداد ها را خفه میکنند؛ شعله های نبوغ یهودی را، که امثال آنرا فراوان در اروپا و آمریکا می بینیم، در ایران خاموش میکنند. وقتی استعداد ها از همه جا دلسرد میشوند ناگزیر بسوی دالانی که درش هنوز باز است روی میآورند.

یهودی استعداد و عرضه خود را در دالان پر پیچ و خم اقتصاد نشان میدهد. در این رهگذر هم او را آرام نمیگذارند. عبارت «جهود پولدار . . .» بیانگر همان عقده های روانی است که حاسدان نژاد پرست بی عرضه را از خود بیخود میکند. مگر نه اینست که یهودی در سرزمینی که مورد آزار و نفرت است باید مقداری از همین «پول نجس» را برای خریدن جان خود دو دستی تقدیم اراذل و اوباش بکند؟ مگر این اقتصاد دانی و بنیه مالی یهودیان نیست که اقتصاد مملکت را میچرخاند، کار خانه میسازد، دانشگاه بر پا میکند، کار ایجاد میکند؟

سال ۱۹۸۳ بود. راب داوید شوفط مرا برای ایراد دو سخنرانی، که در هفتم و یازدهم آوریل انجام گرفت، به لس آنجلس دعوت کرد. در این فرصت بود که با هما سرشار سردبیر ماهنامه شوفار آشنا شدم. در این سخنرانی ها گویا او، شاید خانمی دیگر، از من سئوال کرد که رژیم جمهوری اسلامی چقدر دوام خواهد کرد. جواب دادم لااقل تا ده سال. در آن برهه از زمان، که مردم در میان بیم و امید بسر میبردند و تعداد کثیری روی چمدانهای خود نشسته خواب برگشت به ایران را در ظرف چند ماه آینده میدیدند، چنین جوابی هم تلخ وهم نا امید کننده بود. خارج از سالن عده ای مرا توبیخ کردند که چرا بذر یأس در دلها کاشتم. گمان کنم، اگر حافظه ام بمن خیانت نمیکند، این هما بود که حقیقت را آنطوریکه من درک میکردم دریافته بود. ولی باوجود این، درست همزمان با ایراد سخنرانیهای مذکور من در لس آنجلس، هما در سرمقاله هایش در شوفار هنوز در رؤیای «**خانه دلمان ... خانه امیدمان ایران عزیز**» بسر میبرد (**شوفار**، سال اول، مارچ و آوریل ۱۹۸۳). یک ماه بعد، در **شوفار** ماه مه، هما تحت عنوان «**به آنهایی که میگویند از ایران مگو**» سرمقاله ای سرشار از احساسات مینویسد و با مخالفین «سر جنگ» دارد:

«ما بشدت اعتقاد داریم که انسان بیوطن موجودی بی هویت و حقیر است. ما به این اصل ایمان داریم آن کسی که نام خاک میهنش را، یعنی خاکی که در آن پرورش یافته است و تک تک ذرات وجودش به آن تعلق دارد، فراموش کند یک خائن است و با این خیانت عظیم نمونه ای است بدآموز برای فرزندان خود و نسلی که می پروراند تا آنها را نیز چون خود نا سپاس، بدون اصالت، وبی فرهنگ و بی مایه بار آورد.»

هما ادامه میدهد: ما با صدایی رسا فریاد بر می آوریم **«شرم باد بر آن موجودی که خاک وطنش را، یعنی همان خاکی که پیکر بیجان نیاکان و اجدادش را در خود جا داده است، بدیده حقارت بنگرد و بگوید آنجا خاک من نیست.»** عشق به مذهب و عشق به وطن (یعنی ایران) برای هما سرشار **«با شیر اندرون شد و با جان بدر رود»** (این سرمقاله ها، با افتادگی هایی چند، تعمد در برگردان یکی دو کلمه از عربی به فارسی وفقدان مقاله «نوروزتان پیروز . . .»، در صفحات ۴ تا ۳۱ جلد اول مجدداً چاپ شده است. مجله شوفار شماره ۱۴ جمله «یک کلام بشنو از مادر عروس» را ندارد - - ج ۱، آخرین جمله ص ۲۸).

من، با تردیدی که نسبت به «عشق مذهبی» هما دارم - - گویا آنرا برای خوش آیند بعضی و ایجاد موازنه نوشته، این وطن پرستی رمانتیک هما را در برابر مقاله **«وطن پرستی»** استاد یارشاطر (ایرانشناسی، بهار ۱۹۷۳، ص ۱۴ - ۱۹)، و هر دو را در کنار **«ایران را چرا باید دوست داشت»** نوشته محمد علی فروغی قرار میدهم (منتخب نثر فارسی، جلد اول، تهران ۱۹۷۰، ص ۱۸۲ - ۱۸۸). دلم میخواهد خواننده علاقمند به مبحث پر درد سر و شر برانگیز وطن پرستی آنها را بخواند. وارد جزئیات این مقالات نمیشوم، چون نقد براین مقالات و بحث بر سر تز وطن پرستی، که یک پدیده اجتماعی نسبتاً تازه است، از حوصله این نوشتار خارج است.

هما سرشار برای شخص من و کارهای پژوهشی من خدمت و فداکاری میکند و از بذل مال و وقت و انرژی دریغ نمی ورزد. ولی نه من نویسنده خود فروخته ام و نه او فردی است که بخاطر منافع شخصی سر نزد کسی فرود بیاورد. من به موقع خود اینگونه مقالات هما را واکنشی غیر تحلیلی و عجولانه و تراوشی از احساسات ناپخته و دور از واقعیت دانستم. در نوشتاری بعبری از اینگونه برداشت ها انتقاد کردم. هنوز هم انتقاد خود را بجا میدانم. قرائت این مقالات مرا بیاد کلاس انشاء دبیرستانی که خودم در آن تحصیل میکردم انداخت. در دل به هما گفتم: انشاء بیست، ولی . . . !

هما قبل از اینکه در سلسله سمینارهای من در بهار ۱۹۹۰ در لس آنجلس شرکت بکند یقین نمیدانست که **چند هزار پیکر بیجان زن ومرد و کودک بدبخت وبی آزار یهودی، سر بریده و خون آلود و دست و پا شکسته از ضربات چماق و چاقو، در همان «خاک وطن» خوابیده اند. شما ممکن است این جنایت تاریخی را فراموش کنید. ولی من جنایتکارانی را که یک ملت هفتصد هزار نفری را با کشتار وحشیانه خود به زیر «خاک وطن» روانه میکنند و آنها را بزور مسلمان میکنند و تعدادشان را به کمتر از پنجاه هزار نفر میرسانند نه فراموش میکنم و نه میبخشم.**

صحبت از دو جلد کتاب هما و نوار ضمیمه آن بود. گرچه آشنایی و تماسهای من با هما، در مجموع، کمتر از بسیاری از دوستان لس آنجلسی است - - فکر میکنم هرگز هما را در بازار داغ دعوت ها و مهمانی های خسته کننده ندیده ام، مع هذا شخصیت او بعنوان یک زن روشنفکر و آزاد اندیش یهودی برای من، بیش از آنچه خودش تصور میکند، جالب است. برای من، که دنبال سوژه های یهودی میگردم، خواندن دید وبازدید ها با طبقه روشنفکر مسلمان ایرانی و رفت و آمدها در محافل فرهنگی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. میتوانستم مانند حسن شهباز قسمتهایی از دو جلد کتاب هما را در اینجا نقل قول کنم (**ره آورد**، شماره ۳۳، سال ۱۹۹۳، ص ۳۰۷ - ۳۱۲) و بدین سان دین خود را بعنوان ناقد یا منتقد اداء نمایم. ولی برای من مو شکافی حالت ها و نتایج نانوشته ملاقات ها و برخوردها در کنار دورنمای کارنامه و زندگینامه احساسی و فکری هما در درجه اول اهمیت قرار دارد. هما پنج سال پس از مهاجرت، که او و بسیاری از همتایان او آنرا اجباری و من آنرا اختیاری و انتخابی میدانم، هنوز بیاد ایران و برای تهران بی قراری میکند: ای دریغا اشک گرم روزگارم / بی قرارم، بی قرارم، بی قرارم (آواز گلپایگانی، ج ۱، ص ۵۷). صفحه خاکستری رنگ ۱۹۲ (ج۲) بیش از همه نشانگر این بی قراریست.

من از هما انتظار داشتم در باره بی سر وسامانی وبلاتکلیفی پدر همسرش، که وجه مشترکی با هزاران سالمند آواره ایرانی دارد، چیزی تحلیل گونه، لااقل در یک فصل مفصل، بنویسد. او به عکس برداری از یک حالت ندانم چکنم انسانی که بسن پیری رسیده و به ینگه دنیا آمده بسنده میکند (ج۱، ص ۵۱). همین نقص در مورد مسائل طلاق و ازدواج در جامعه ایرانی مقیم در آمریکا مشاهده میشود (ج ۲، ص ۲۵). در مورد فرق میان «ایرانیان یهودی» و «یهودیان ایرانی»، هما گزارشی مفصل وآموزنده، ودر عین حال استدلالی و جدال

گونه، دارد (ج۲، ص ۵۶ ـ ۲۲). من از آن میگذرم چون حرفم را در این مورد به اختصار در جایی دیگر زده ام (**چشم انداز**، شماره ۲۳، سال ۱۹۹۳، یادداشت شماره ۴).

ما آز ونیاز را از خانه برون برده و کشته ایم. از این رو میتوانیم راز دل را با دوست بی پروا بگوییم. بارها از دهان هما شنیده ام که «**انسان باید حرفش را بزند**». ولی من به هما میگویم: «**انسان باید حرفش را با کسی بزند که ارزش حرف زدن و وقت تلف کردن را دارد**». من حرفهایم را با هر کس و ناکسی نمی زنم و امیدوارم دوستان این شیوه elitist مرا خواهند بخشید. من نه تاریخ نگار رسمی و درباری ام و نه مفسر یا روزنامه نگاری که به نرخ روز نان میخورد. میدانم در صد بالایی از ایرانیان از انتقاد بدشان میآید. با وجود این، از هر فرد و هر سازمان، خصوصاً از دوستان نزدیک، به علت تنفر از بی تفاوتی، انتقاد میکنم. به نظر من روش هما و همتایان روشنفکر و تحصیل کرده یهودی او در فاصله گرفتن از یهودیت و فرهنگ یهود، و همه چیز را فدای ایران وایرانی کردن، یک روش نادرست و بی حاصلی از آب در آمده است. از صدها سازمان، نویسنده، نوازنده و هنرمند، که در ۷۳۰ اوراق این دو کتاب نام برده میشود، به ندرت نامی از همقطاران یهودی به چشم میخورد. چرا؟ ما چنین نهاد ها و افراد را نداریم، یا اینکه هما از آنها بی اطلاع بود؟ یا اینکه تقصیر این پدیده اجتماعی را باید به گردن آنهایی گذاشت که خود را متصدی امور جامعه یهودیان ایران می پنداشتند و با همه امکانات مالی کاری بنیادی در گسترش تاریخ و فرهنگ افتخار آمیز یهود انجام ندادند؟

خوشحال شدم از اینکه هما از بزرگان یهود لااقل اسمی از هیلل آورده است. ولی وقتی به نام این عالم روحانی معروف (بسیار معروف) دو هزار سال پیش ملت یهود در فهرست اعلام جلد اول برخوردم، در مورد احاطه هما به فرهنگ غنی چهار هزار ساله یهود، که کم و کیف آن بیش از فرهنگ ایرانی است، سخت به اندیشه افتادم ـ ـ «هیلل اومر» یعنی هیلل میگوید.

آری، از نینا استوار هم نامی برده شده است. هما دلش خوش است از اینکه بچه های نینا استوار، یک بانوی روشنفکر یهودی دیگر، که در کوچه پس کوچه های غربت ایتالیا بسر میبرد، هنوز سرود «ای ایران، ای مرز پر گهر» را در شهر بولونیا میخوانند (ج۲، ص ۲۲۸).

هما امروز در به انجام رسانیدن دو پروژه فرهنگی فعالیت میکند. یکی برای **دانشنامه ایرانیکا** بسرپرستی استاد یارشاطر، ودیگری برای به ثمر رسانیدن پروژه های فرهنگی نویسنده این سطور. این همیاری هما در دو جهت فرهنگی (ایرانی و یهودی) تصادفی نیست و با آنچه در درون وی میگذرد ارتباط دارد. او ساخته و پرداخته این دو فرهنگ است. درست مانند آرم شوفار لس آنجلس، بطوریکه خودش توجیه میکند: نیمیش از ایران باستان و نیمیش از یهودای باستان است. **او از یکی بیش از حد هویت دارد، ولی دیگران آنرا بعنوان هموطن قبول ندارند، و از نیمی دیگر کمتر از آنچه تصور میرود هویت دارد، ولی همکیشانش او را با آغوش باز می پذیرند**. من به عنوان یک شاهد عینی اعتراف میکنم که اگر پا در میانی او (و راب داوید شوفط) در جلسه ۲۷ اوت ۱۹۹۲ در منزل آقای مسعود هارونیان در کار نبود، سرگردانی نه ـ ده ساله من در میان فرهنگی نماهای جامعه هیچگاه به ثمر نمیرسید. قصه پر غصه فعالیت من برای دریافت کمکهای فرهنگی از سران و متمکنین جامعه در سالهای قبل از ۱۹۹۲ سری دراز دارد و انشاءالله به موقع و در جای مناسب تاریخچه آن بعنوان فصلی از تاریخ معاصر یهود منتشر خواهد شد.

از اصل موضوع دور شدیم. محوری که احساسات هما به دورش میچرخد وطن پرستی است. یارشاطر و من چهل و چند سال است خارج از ایران زندگی میکنیم ولی هر دویمان شب و روز در اعتلای نام و فرهنگ ایران و شناساندن این فرهنگ غنی به جهانیان تلاش میکنیم. خدمات محمد علی فروغی را در راه گسترش فرهنگ ایران نمی توان نادیده گرفت. هر سه ما به نحوی از انحاء از جامعه ایرانی ضربت خورده ایم. ضربتی که به یک شاخه از خانواده من وارد آمد متعلق به دوره قاجار است؛ یار شاطر، این انسان والا که تمام زندگی اش را وقف خدمت به فرهنگ ایران کرده است، از جمهوری اسلامی ضربتی نابخشودنی چشید؛ من با ادامه به خدمت به فرهنگ ایران هویت و وطن خود را در کشور اسرائیل یافتم و به وجود آن افتخار میکنم. احسان، دانشمند انساندوستی که متعلق به قرن آینده است، دنیا را خانه و وطن خود میداند و وطن پرستی بسیاری از «وطن پرستان» را کاذب میخواند. او معتقد است که انسان باید در آبادی و بهروزی همه انسانهای دنیا تلاش بکند. محمد علی فروغی، که اجدادش یهودی بودند، میگوید: «اگر

مهر من نسبت بمیهن تنها از آن سبب باشد که خود از آن مرز و بوم هستم و بخواهم این عنوان را وسیله مغایرت خویش وبیگانه قرار داده و از اختلافات و نفاق بین مردم برای خود استفاده کنم، این وطن پرستی نیست خود پرستی است و مانند تعصب دینی آنجماعت از ارباب (و؟) ادیان که اختلاف دین و مذهب و نفاق بین مردم را وسیلهٔ منافع و اعتبارات شخصی و فرقه ای قرار میدادند مذموم و باید مردود باشد.» فروغی وطن پرستی که با حب نوع بشر سازگار نیست نکوهش میکند.

فروغی در بحرانی ترین برهه تاریخی ایران را از پرتگاه نیستی نجات بخشید (۱۹۴۱) و اندکی بعد در گذشت و به گورستان مسلمانان برده شد تا ملک الشعرای بهار، گل سر سبد شعرای معاصر، در باره اش بگوید:

شاها کنم از خبث فروغی خبرت

خون میکند این جهود ناکس جگرت

خطبه شهی و عزل تو را خواهد خواند

زانگونه که خواند از برای پدرت (دیوان ملک الشعرای بهار، جلد دوم، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۲۹۸)

حال که من، میان رُمانتیسم هما سرشار و ایدآلیسم یارشاطر، رآلیسم اسرائیل را انتخاب کرده ام، میخواهم به همه یهودیان ایرانی، که برای گردش و تفریح به اسرائیل میآیند، پیشنهاد کنم، قبل از هر دید و بازدید و خوشگذرانی، سری به مؤسسه «یاد و شم» بزنند. من نمیتوانم خودم را گول بزنم. فردا اگر فاجعه نازیها تکرار بشود، از من سرباز اسرائیلی دفاع میکند. از شما چه کسی دفاع خواهد کرد؟ سرباز ایرانی؟ سرباز آمریکایی؟ سرباز فرانسوی؟ نفوذ خزنده نازی پرستان سرتراشیده آمریکایی و دستجات حزب الهی را که در کنار منزلتان لانه کرده اند چه جواب میدهید؟ المنة لله نمردیم و دیدیم چگونه در اغتشاشات بهار ۱۹۹۲ پلیس لس آنجلس از جان و مال مردم دفاع میکند!

یادداشتهای هما سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ را در بر میگیرد. او وطنش، ایران را، در ششم دسامبر ۱۹۷۸، پنج هفته قبل از شاه، ترک میگوید. ولی در بهار ۱۹۹۳ (زمان چاپ دو جلد کتاب) هما چنین میاندیشد:

«هر چند غربت امروز با غربت ده سال پیش از زمین تا آسمان فرق کرده است، هر چند غربت امروز آنقدر پریده رنگ به نظر نمی آید که ـ شاید به زودی ـ با سازش و حل شدن اشتباه شود، هر چند که من غریبه ـ پس از یک سفر چند روزه ـ در نهایت شگفتی حس میکنم دلم برای خانه ام در لوس آنجلس تنگ شده است نه برای خانه ام در تهران، ولی باز با سماجت یقهٔ غربت را رها نمی کنم. انگار می ترسم خود را گم کنم، می ترسم بخشی از وجودم را از دست بدهم، می ترسم بی هویت شوم. به همین دلیل، در حالی که امروز با تمام کوچه پس کوچه های شهر لوس آنجلس آشنا هستم و در مقابل نام کوچهٔ دوران کودکی یا نوجوانی خود را به سختی به یاد می آورم، باز هم اینجا را غربت و آنجا را خانه می نامم و دل را به این باور می سپارم که از خانه دورم . . .» (نقل از پشت جلد هر دو کتاب).

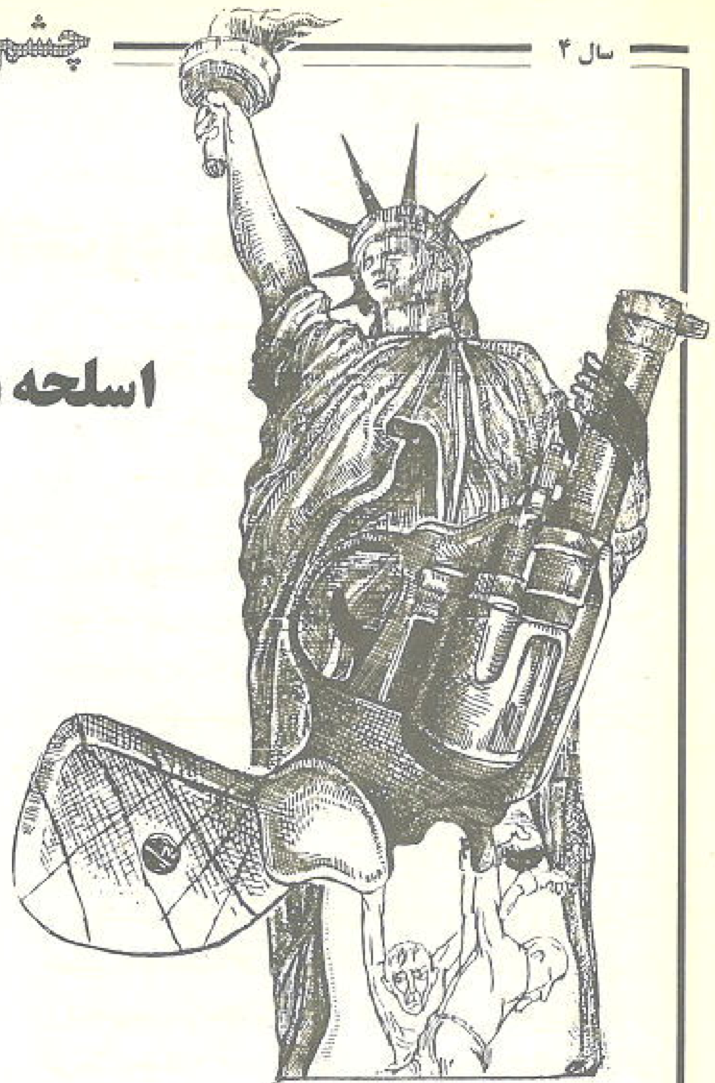
میگویند هما سرشار در یک گرد همآیی روتاری (مه ۱۹۹۲) سخت به نوشتار ضد یهودی سعیدی سیرجانی در «وقایع اتفاقیه» تاخته است. بخودم میگویم حیف که آنجا نبودم تا برای شهامت این زن یهودی کرنش کنم.

هما اگر هم بخواهد لجوجانه انکار کند باو باید گفت که در برابر جبر زمان و واقعیت های زندگی تغییر کرده است. او میتواند ایران را خانه خود بداند ـ من در این مورد حرفی ندارم، ولی: **آن هویت گمشده ای که او از آن می ترسد هویت ایرانی نیست. او به اندازه کافی هویت ایرانی دارد. آن هویت گمشده هویت یهودی بمعنای گسترده آنست که او متأسفانه از فقدان آن آگاه نیست.**

هما را آنطوریکه شاینده است جامعه ایرانی (چه یهودی و چه مسلمان) هنوز نشناخته است. او سمبل یک زن assertive ، نه چندان فمینیست، ولی آزاد اندیش و در عین حال سنتی با حجب یک شهرستانی است. در شهامت و رک گویی زنی است که همتای او را در این دو خصلت میتوان فقط در کیبوتص های اسرائیل پیدا کرد. من راستی و عزت نفس هما را در آشکار گویی ستایش میکنم. دیگران وقتی خاطرات مینویسند خود میستایند و راست و دروغ را قاطی میکنند. در انتظار جلد سوم کوچه پس کوچه های غربت روز شماری میکنم و میدانم آنچه را در دو جلد کتاب نامبرده نیافتم در سومی خواهم یافت. تا آنموقع، قرائت این دو جلد کتاب را به همه یهودیان و مسلمانان فارسی زبان، که میتوانند فکر بکنند و نمی ترسند فکر بکنند، توصیه میکنم.

نوشته : ان لاندرز
از : لوس آنجلس تایمز
برگردان : مینو ذهابیان (کوتال)

اسلحه در آمریکا ریشه خشونت



آمار اسلحه درآمریکا یک‌زنگ خطر است . بیشترین تعداد اسلحه در دنیا متعلق به ایالات متحده آمریکا میباشد .

آمریکا با ۲۵۵ میلیون نفر جمعیت ، ۲۰۰ میلیون هفت تیر ، ۷۲ میلیون تفلنگ ، ٦٦ میلیون تفنگ دستی و ٦٢ میلیون تفنگ شکاری دارد .

در سال ۱۹۹۰ ، ۲۸۷۴ پسر و دختر زیر ۱۹ سال با اسلحه کشته و ۱۴۷۴ نفر با تفنگ خودکشی کرده‌اند . طبق آمار لوهریس ، ۴ نفر از هر ده نفر تین ایجر گفته‌اند که هرکدام کسی را می شناسند که تیر خورده است .

کسانی که اسلحه درخانه دارند ریسک خودکشی‌شان خیلی بیشتر ازکسانی است که اسلحه ندارند .

تقریباً نصف کسانی که تفنگ دستی دارند همیشه تفنگ شان پر است . هروقت شما میخواهید که یک بچه ۵ یا ٦ ساله خودش یا دوستش را تیر زده ، متاسفانه متوجه میشوید که این بچه به نحوی به اسلحه پر دسترسی داشته است .

علیرغم تمام این اتفاقاتی که تفنگ در زندگی ما بوجود آورده هنوز کنگره لایحه‌ی Brady را تصویب ننموده است . این لایحه خریداران اسلحه را موظف میکند که مدت زمان ۵ روزکاری صبر کنند تا پیشینه آنان بررسی شود . به زنهای آمریکایی یاد داده شده است که ازجنایت های وحشیانه توسط اشخاص غریبه بترسند . صنایع اسلحه سازی از این ترس برای فروش اسلحه به زنان استفاده میکند ، باین بهانه که اسلحه ازآنها حفاظت میکند . این یک دروغ محض است . براساس مجله طبی نیو انگلند یک اسلحه درخانه ۴۳ بار بیشتر احتمال دارد که برای کشتن صاحبش یا اعضای خانواده یا دوستی استفاده بشود تا کشتن شخص متجاوز .

بیش از ۲۴۰۰۰ نفر آمریکایی با خشونت تفنگ دستی هرسال کشته میشوند . در طی‌دوسال ، تفنگ دستی ، تقریباً همان تعداد آمریکایی را میکشد که در جنگ ویتنام کشته شده‌اند .

انجمن ملی اسلحه NRA پر قدرت ترین گروه متنفذ در مملکت است . افراطیونی که NRA را کنترل میکنند بیش از ۱۰۰ میلیون دلار درسال خرج میکنند که هر قانون ضد اسلحه‌ای را خنثی کنند .

گروهی افراطی در NRA با بی شرمی تمام مخالف جلوگیری از فروش مسلسل ، تفنگ پلاستیکی و فشنگهای پلیس‌کش (که طوری طرح ریزی شده‌اند که جلیقه ضد اسلحه را هم سوراخ میکنند) به مردم عادی هستند .

آمریکا خشن ترین و بی رحم ترین مملکت دنیا است .

برای اطلاع شما ازمیزان این خشونت ها ، چند مقایسه را نشانتان میدهم . درسال ۱۹۹۰ ، ۱۰ نفر در استرالیا ، ۲۳ نفر در بریتانیا و ٦۸ نفر در کاناداو ۱۰۵٦۷ نفر در ایالات متحده با تفنگ دستی کشته شده‌اند .

از : دکتر نیسان بامداد
سردبیر بخش پزشکی

تازه های بهداشت ودرمان

آلرژی

گردوخاک درخانه بزرگترین عامل آلرژی

درفصل پاییز علائم آلرژی بیشتر ازسایر فصول سال ظاهر میشود و یکی از راههای پیش گیری ماندن درخانه است . اما مشکل بزرگ این است که گردوخاک خانه میتواند یک عامل بزرگ آلرژی باشد . درگردوخاک خانه بزرگترین عامل آلرژی موجودی است بنام (DUST MITE) که با چشم دیده نمیشود و بایستی آنرا زیر ذره‌بین مشاهده کرد . این موجود ذره‌بینی در گرما بهتر میتواند زنده بماند . بعقیده MICHAEL KALINER رئیس سابق بخش بیماریهای آلرژی در انستیتوی ملی‌آلرژی DUST MITE شاید بزرگترین عامل آلرژی زا در دنیا باشد .

این‌موجود موذی میتواند در لابلای فرش ، قالیچه ، تشک ، لحاف ، ملافه ، بالش ، پتو ، پرده ، مبل و سایر اشیاء زندگی‌کند و بخصوص در اطاق خواب که ۸ ساعت از وقت ما در شبانه روز در آنجا میگذرد مشکل بزرگی را ایجاد میکند .

متخصصین برای کاهش دادن خطرات آلرژی زای این موجود پیشنهادهای زیر را عرضه میکنند :

- بهتراست اطاق خواب فرش نداشته باشد .
- ماده‌ای بنام ACARICIDES میتواند DUST MITES را نابود کند و میتوان آنرا بصورت SPRAY روی فرش و تشک و غیره بکار برد .
- تاحد امکان تشک و بالش را با یک‌کیسه نایلون بپوشانید .
- ملافه ها و سایر پوشش ها زود بزود شسته شود و برای شستشوی آنها آب داغ ۱۵۰ تا ۱۶۰ درجه فارنهایت بکار ببرید . درآب سرد این موجود کشته نمیشود .
- ماشین هایی وجود داردکه میتوان بوسیله آن هوایی که وارد اطاق میشود قبلا تصفیه کرد.

دستورهای فوق برای اشخاصی داده شده است که نسبت به گردوخاک خانه حساسیت دارند .

واکسیناسیون

واکسیناسیون برای کودک‌و بالغ ممکن است یک درد در بازو ایجادکند ولی در بسیاری از موارد اگر این امر بموقع انجام نشود نتیجه موضوع مرگ وزندگی خواهد بود .

برنامه واکسیناسیون در مراکز پزشکی جورج واشنگتن به شرح زیر توصیه شده است :

- واکسن ضد هپاتاتیس B در موقع تولد نوزاد و سپس در دوماهگی تزریق دیگر .

هپاتیت ب یک بیماری عفونی کبد است . انتقال بیماری به شخص سالم معمولا از راه آلودگی با خون بیمار و یا بعضی از ترشحات بدن اوانجام پذیراست . طبق برآورد آکادمی کودکان امریکا درحدود ۳۰۰۰۰۰ کودک و بالغ در سال در امریکا به این عفونت مبتلا میشوند .

اگر بیماری درمان نشود بطور مزمن بیمار ناقل بیماری خواهد بود و دچار بیماریهای کبد از قبیل سیرز و سرطان خواهد شد . بیش از ۹۵ درصد از کودکان که این واکسن را دریافت کرده‌اند در دوران زندگی خود هرگز مبتلا به این بیماری نشده‌اند .

- واکسن های بعدی که باید به کودک تزریق شود عبارتست از (HIB) و (DTP) وپولیو .

HIB عبارتست از HEMOPHILUS INFLUENZAE نوع B که برعلیه انفلوآنزا داده میشود که باعث مننژیت میشود .

DTP عبارت از واکسن ضد دیفتیری ، تتانوز و سیاه سرفه است

پولیو واکسن ضد فلج کودکان است .

HIB و DTP باتفاق داده میشود و تزریق دوم در ۶ ماهگی انجام میشود .

تتانوس بیماری است که در اثر آلودگی زخم های بدن به کثافت

حادث میشود و در کهن سالگی اثر واکسن زایل شده و این افراد را برای ابتلاء به بیماری مستعد میسازد . آب دهان و مدفوع بیمار مبتلا نیز باعث انتقال دیفتیری به فرد سالم میشود .

- MMR واکسن ضد سرخک (MEASLES) ، MUMPS (اوریون) و RUBELLA در ۱۵ ماهگی داده میشود .

طبق توصیه دکتر SUSANNE BATHGATE معاون پروفسور زایمان و ژینکولوژی بیمارستان جورج واشنگتن به زنانی که میخواهند باردار شوند بایستی سه ماه قبل از باردارشدن واکسن RUBELLA زده شود . اگر در دوران بارداری زن به این بیماری مبتلا شود نوزادش در خطر ابتلاء به کاتاراکت (آب مروارید چشم) ، عقب افتادن رشد بدن ، کوری ، کری و یا بیماریهای مادرزادی قلب قرار دارد .

افزایش جمعیت دنیا وکمبود مواد غذایی

طبق گزارش سازمان غذا وکشاورزی (FAO) وابسته به سازمان ملل متحد ، اگر بخواهیم حتی گرسنگی را در سطح کنونی ثابت نگهداریم بطور قطع بایستی تولید مواد غذایی را در دنیا تا سال ۲۰۲۵ به مقدار ۷۰ درصد افزایش دهیم . این در حالی است که اکثر موادی که غذای اصلی دنیای گرسنه را تشکیل میدادند محکوم به نابودی کامل شده است . از ۴۰۰۰ نوع گیاهان قابل خوردن که روزی شکم گرسنه ملل فقیر را پر میکرده است فقط ۱۵۰ نوع آن در حال حاضر کشت میشود و از این عده فقط سه نوع آن ۶۰ درصد غذای دنیا را تشکیل میدهد .

بمنظور فائق آمدن براین مشکل بزرگ شعبه سازمان ملل در رم اعلام‌کرد که درنظر دارد کشاورزان و دام داران را تشویق نماید که انواع گیاهان وحیوانات که در قدیم برای غذا بکار برده میشدند تدریجاً ازنظر غذایی وکشاورزی مورد مطالعه قرار داده و شروع به کشت آن گیاهان و افزایش نسل آن حیواناتی که مقرون به صرفه میباشند بنمایند .

آیا ثروت خوشبختی میاورد ؟

سازمان آماری گالوپ (GALLUP) از تاریخ ۱۷ تا ۲۰ ماه می ۱۹۹۰ با تلفن از ۱۲۵۵ نفر پرسشهای زیر را بعمل آورد . پاسخ به پرسشها جالب توجه است .

س - آیا فکر میکنید که اشخاص ثروتمند در امریکا درحال حاضر از شما خوشحال ترند یا به اندازه شما خوشحالند و یاکمتر از شما خوشحال هستند ؟

ج - ۱۱ درصد پاسخ دادند بله خوشحال ترند . ۳۶ درصد پاسخ دادند کمتر خوشحالند . ۵۰ درصدپاسخ دادند به اندازه من . و ۳ درصد پاسخ دادند که نمی‌دانند .

س - آیا آرزو میکنید ثروتمند باشید ؟

ج - ۱۷ درصد جواب دادند بلی میل دارند ثروتمند باشند . ۸۲ درصد جواب دادند آرزو نمی‌کنند مثل ثروتمندان باشند . یک درصد پاسخ دادند نمی دانند .

س - آیا امریکا ازاینکه یک گروه ثروتمند دارا است استفاده می برد ؟

ج - جواب مثبت ۶۲ درصد . جواب منفی ۳۲ درصد و بالاخره ۶ درصد پاسخ دادند نمی دانند .

عقیده شما چیست آیا ثروت باعث خوشبختی می شود ؟

بیماری کروپ درکودکان

بیماری کروپ یکی از ناراحتی های بسیار نگران کننده کودکان کمتر از دو سال میباشد . این بیماری در اثر یک نوع ویروس ایجاد میشود که باعث عفونت و تنگی مجرای تنفسی شده وکودک دچار سرفه های شدید خشن میشود و خواب از چشم‌کودک و والدین زدوده میشود . درمان مخصوصی ندارد . آنتی بیوتیکها بی اثرند . پرکردن محیط اطاق از بخار آب شدت سرفه هارا کم میکند . و تنفس را آسان تر میکند . بیماری پس از چند روز بهبودی می یابد و گاهی عوارضی را باعث میشود .

خوبست بدانید

مقدار مجاز کلسترول در روز در حدود ۳۰۰ میلی گرم است .

موادی که کلسترول خون را بالا میبرد : سیگار ، قهوه ، قند ، چربی حیوانی ، قرص های ضد بارداری ، فشار روحی .

موادی که کلسترول خون راکاهش میدهد : بادمجان ، پیاز ، سیر ، ماست ، سیب ، سویا ، هویج خام ، حبوبات ، میوجات و سبزیجات

اخیراً پژوهشگران ثابت کرده‌اند که مصرف اسید فولیک توسط زنهای باردار اثر زیادی در رشد ونمو جنین دارد.

مصرف عدس و لوبیا و سایر غلات و حبوبات، سبزیجات، آرتیشو، (کلم وبراکلی و شلغم و لبو) و میوجات توصیه میشود.

آب میوجات و سبزی ها

آب سیب (بدون قند) ۸ اونس دارای ۱۱۷ کالری، آهن وپتاسیم.

آب هویج ٦ اونس ۷۴ کالری و ویتامین A , C , B6، پتاسیم، آهن، منیزیوم، تیامین، کلسیم و ریبو فلاوین.

کرانبری ۸ اونس COCKTAIL دارای ۱۴۴ کالری ویتامین C

آب انگور (بدون اضافه کردن قند) ۸ اونس دارای ۱۵۴ کالری، پتاسیم، ویتامین B6، منیزیوم، آهن و ریبو فلاوین.

آب گریپ فروت ۸ اونس دارای ۹۴ کالری، ویتامین C، FOLATE، پتاسیم، منیزیوم، تیامین و بتاکاروتن.

آب پرتقال ۸ اونس دارای ۱۱۲ کالری، ویتامین C، FOLATE، تیامین، پتاسیم، منیزیوم و نیاسین.

آب آناناس ۸ اونس خالص بدون قند دارای ۱۴۰ کالری، ویتامین C، B6، FOLATE، منیزیوم، پتاسیم، تیامین، آهن، کلسیم.

آب آلو ۸ اونس دارای ۱۸۲ کالری، آهن، ویتامین B6 و C، پتاسیم، نیاسین، ریبو فلاوین، منیزیوم، فیبر.

آیا میدانید؟

کشیدن یک سیگار میتواند تا یکصد میلی گرم ویتامین C را در بدن خراب کند.

غبار و دود در شهرهای بزرگ اشعه ماوراء بنفش آفتاب را جذب میکند ومانع رسیدن آن به زمین میشود. بهمین جهت اشخاصی که در این گونه مناطق زندگی میکنند ویتامین D کافی در بدنشان ایجاد نمیشود. زیرا اشعه ماوراء بنفش نقش بسیار اساسی در ساختن ویتامین D دارد الکل باعث از بین رفتن ویتامین B1، B6 و اسید فولیک میشود.

۸۰ درصد زنهای امریکا دارای کمبودکلسیم هستند.

کودکان یک برابر ونیم تا دو برابر بیشتر به پروتئین نسبت به وزن بدن خود احتیاج دارند تا اشخاص بالغ و در کودکان شیرخوار این نسبت سه برابر میباشد.

در پیاز، سیر، ترب و تره فرنگی یک نوع آنتی بیوتیک طبیعی وجود دارد.

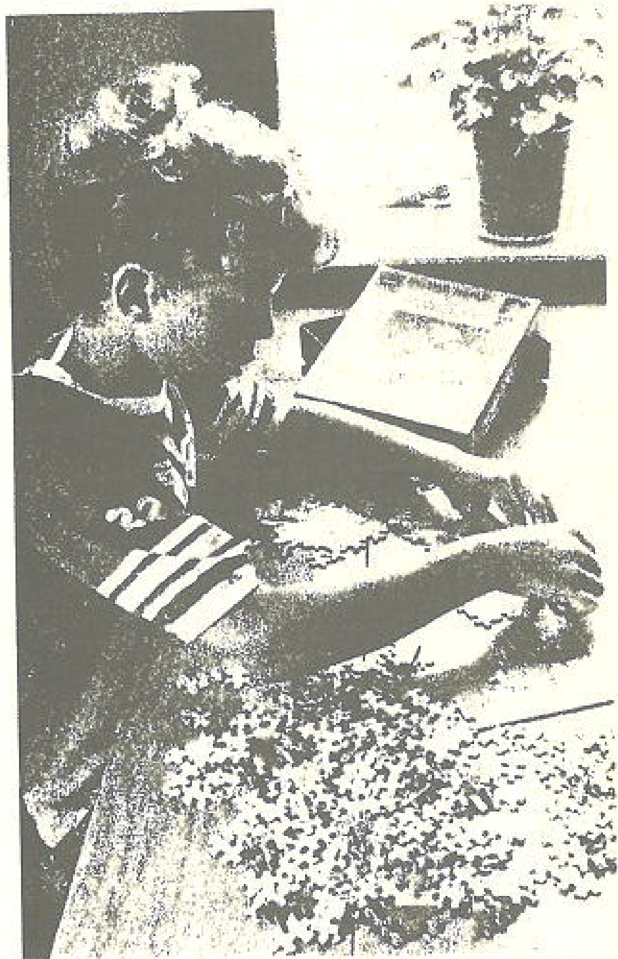
آسپیرین باعث میشودکه ویتامین C زودتر از طریق ادرار از بدن خارج شود.

وآیا میدانید که تمام سلولهای بدن انسان برای ساختمان خود نیاز به کلسترول دارند ولی نظر باینکه کبد میتواند تمام‌کلسترول لازم را ازچربی ها بسازد نیازی نیست که کلسترول از راه غذا وارد بدن شود.

آیا تعهدات کیپور خود را پرداخته اید؟

«تدی»

برگردان : رویا فاخری



نامه **تدی** امروزآمد . بعد از اینکه خواندمش در کشویی که اشیاء بـا ارزش زنـدگیم را جـا مـیدهم گـذاشـتم کـه مبـادا روزی گمش‌کنم . وقتی نامه را لغت به لغت خواندم ، غروری تمام وجودم را فراگرفت که فکر میکنم شاید استحقاقش را نداشتم .

اوائل دوران تدریسم ، حدود ۱۵ سال پیش ، معلم‌کلاس پنج تدی بودم . بعنوان یک معلم به ما یاد داده‌اند که تمام‌شاگردان کلاس را به یک‌چشم نگاه کنیم . ولی بهرحال معلم هم انسان است . کدام انسانی میتواند بین یک‌شاگرد با استعداد و زرنگ ، تمیز وحـرف گوش کن و یک‌شاگرد خنگ و تنبل ، بی استعداد و کثیف فـرق نگذارد . و این درست زمانی است که تدی شاگردم بود .

من قبل از اینکه **تدی** وارد کلاسم شود ، همیشه فکر میکردم براحتی میتوانم احساسات خودم را کنترل کنم . درآن سال ، شاگرد محبوبی نداشتم و همه تقریباً برایم یکسان بودند ، ولی بـه جـرات میتوانم بگویم که یک نفر را دوست نداشتم . **تدی** را .

تدی ، پسری بود کثیف . وقتی میگویم کـثیف مـقصودم ایـن نیست که گاه گاهی - همیشه کثیف بود موهایش بـلند بـود و روی گوشهایش را میپوشاند بطوریکه هـروقت میخواست بـخوانـد یـا بنویسد مجبور بود موهـایش را بـا دستهایش عـقب بگـیرید . ایـن موضوع خیلی پیش تراز زمانی بود که پسرها موهای خـود را بـلند کنند . بوی‌آزاردهنده‌ای از او میامد کـه نـمی تـوانستم بـفهمم از چیست . از لحاظ فکری عقب مانده وکند بود . از همان آخر هفته اول از عوض کردن تدی قطع امیدکردم . همانطورکه میدانید برای هر معلمی ، کار کردن با شاگرد زرنگ لذت بخش تراز کارکردن با بچه تنبل وکند است . ولی اصولاً معلم واقعی کسی است که وقت و سعی بیشتری را برای بچه کند بگذارد و این کاری نبود که مـن آن سال کردم . تمام وقت و انرژی‌ام را روی بچه های زرنگ و خوب و دیگران را به حال خودشان گذاشتم .

هیچ چیزی برایم لذت بخش تر از این نبود که بالای سر **تدی** بروم و نگاهی به مشق هایش بیندازم و خط قرمز پـر رنگـی روی اشتباهاتش بکشم . هرچه اشتباهاتش بیشتر بود ، لذت من هم بیشتر میشد . بطوری که این حالت من نسبت به **تـدی** را هـمه احسـاس میکردند هم بچه ها هم اومیدانستند که دوستش ندارم . ولی نه من ، نه او میدانستیم بـرای چـه ؟ فـقط مـیدانسـتم‌که بـچه‌ای است کـه درزندگی خیلی توجه ندیده .

پاییزآمده و روز شکرگزاری THANKS GIVING تمام شد و به کریسمس نزدیک می شدیم . من مطمئن بودم‌که **تدی** امسال رد خواهد شد ، برای اینکه با مقایسه با اول سال هیچ پیشرفتی نکرده بود . برای اینکه خودم را راضی کنم رفتم سر پرونده‌اش . کلاس اول را قبول شده بود ولی تکالیف شبـانه‌اش ضـعیف بـود . سـال دوم در پرونده‌اش نوشته‌بود : میتواند بهتر کارکند ولی هیچ کمکی درخانه ندارد و مادرش سخت مریض است . کلاس سوم : تدی پسر خوبی است و میل کمک به دیگران دارد پسر بسیار جـدی است ـ آخـر سال مادرش از بین رفت . حتی پس از خواندن پرونده‌اش ، هـنوز تصمیمم این بود که باید کلاس پنجم را رد شود .

یکروز قبل از کریسمس ، جشنی درمدرسه برگزار شد و در کلاس من درخت کریسمس را روی میزگذاشتیم و تزئین دادیم . بچه ها همه برایم هدیه‌ای آورده بودند و بنظر میامد که هدیه ها بهتر و بیشتر از سالهای پیش بوده که همه راگذاشتند زیر درخت کریسمس . وقتی دست وپایکوبی تمام شد ، نوبت من بود که هدیه هارا بازکنم . بعد ازبازکردن چند هدیه ، هدیه **تدی** را دیدم که در کاغذ پاکتی قهوه‌ای فروشگاه های مواد غذایی پیچیده و روی آن را با یک درخت کریسمس و توپهای قرمز تزئین داده بود و در پایین آن نوشته بود :

برای خانم تامسون از طرف تدی

همین که هدیه **تدی** راگرفتم و شروع به بازکردن آن نمودم‌همه نگاه ها بطرف من برگشت و سکوت عجیبی سر کلاس را فراگرفت . درآن لحظه احساس بدی همراه با شرمندگی سراسر وجودم رافراگرفته بود . شروع کردم‌چسبهارا ازروی کاغذ جدا کردن . آخرین چسب راکه کندم هدیه هاروی میز افتادند .دستبندی بود که با سنگهای مختلفی روی‌آن کار شده و چند سنگ آن افتاده بود و یک شیشه عطر که نصفش خالی بود .

بچه ها شروع کردند به پچ پچ و زمزمه . خیلی برایم سخت بودکه به **تدی** نگاه کنم . بزحمت سرم را بالا کردم و به **تدی** گفتم : هدیه های بسیار دوست داشتنی هستند . میتوانی دست بند را بدستم ببندی . با خوشحالی و خجالت آمد جلو ، مچ مرا گرفت وکمک‌کرد تا دستبند را ببندم . بعد مقداری از عطر شیشه عطر را بخودم‌زدم . بوی دلنشین و خوبی فضای اطاق را پرکرد که شاگردان کلاس خیلی خوششان آمد و دخترها صف بستند که مقداری عطر بخودشان بزنند . بعدازآن تمام هدیه هارا بازکردم وزنگ خورد و چون روز آخر مدرسه بود همه باهم خداحافظی کردند و رفتند ولی **تدی** بغل صندلیش ایستاده و منتظر بودکه همه بروند . نگاهی به من انداخت و درحالیکه کتابهایش را در بغل گرفته بود و به آنها فشار میداد ، قدمی جلو گذاشت و گفت :

خانم معلم شما بوی مادرم را میدهید - دست بندهایش روی دست شما بسیار زیباست - خوشحالم که هدیه‌ام را دوست دارید و با عجله ازکلاس بیرون رفت .

درکلاس را قفل کردم تا کسی سیل اشکی راکه ازچشمانم جاری بود نبیند . مدتی مدید روی صندلی نشستم و به فکر رفتم که چکار میتوانم بکنم تا جبران بی توجهی های گذشته راکرده باشم . آری ، توجه و محبت - چیزی که تشنه‌اش بود .

از روز اول بعد از پایان کریسمس تا روز آخر مدرسه ، هر روز بعد از پایان کلاسها ، با**تدی** در مدرسه کار کردم - گاهی اوقات وقتی من به کارهای تصحیح ورقه‌ها یا مشغول نوشتن برنامه کلاسها بودم ، او درسهایش را درجوار من تمرین میکرد و اگر با اشکالی روبرو میشد با همکاری من تصحیحش میکرد . آنقدر در درسهایش پیشرفت کرد تا توانست ازلحاظ درسی همطراز بچه های باهوش کلاس بشود . پیشرفتش باورنکردنی بود ، من میدانستم‌که **تدی** در پایان‌کلاس پنجم به شهر دیگری نقل مکان خواهد نمود .
ازاین موضوع نگران بودم ولی از طرفی دیگر میدانستم که پایه درسی او بحدی قوی شده و مزه خوب یاد گرفتن را چشیده که بتنهایی میتواند از عهده درسهایش بربیاید و موفق شود .

دیگر خبری از او نداشتم تا ۷ سال بعد که نامه‌اش را در صندوق پستی دیدم :

خانم تامسون عزیز:

دوست دارم شما اولین نفری باشید که به او بگویم که کلاس دوازدهم را با مقام شاگرد دومی به پایان رساندم .

کارت تبریکی با هدیه‌ای کوچک (یک مداد و خودکار) برایش پست کردم و باخود فکرکردم که بعد از دیپلم‌چکار خواهد کرد ؟

چهار سال بعد نامه دوم **تدی** بدستم رسید :

خانم تامسون عزیز :

دلم‌میخواست اولین نفری باشید که بدانید ، لیسانسم را با درجه شاگرد اولی دریافت‌کردم - دانشگاه خیلی مشکل بود ولی لذت بخش هم بود .

ارادتمند شما - تدی

وقتی نامه را خواندم از خوشحالی در پوستم نمی گنجیدم . درجواب یک دکمه سردست نقره که حرف اول اسمش روی‌آن حک شده بود را با یک‌کارت تبریک برایش فرستادم .

وحالا ..... نامه سوم **تدی**

خانم تامسون عزیز :

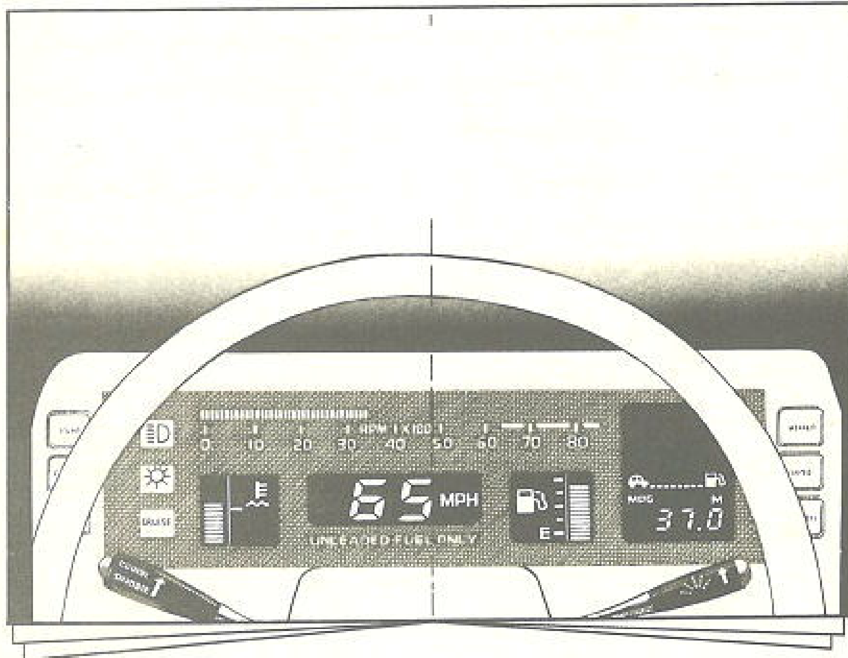
دلم‌میخواهد به اولین‌کسی که خبر میدهم شما باشید . از امروز به بعد من دکتر تئودور . جی . استیلارد هستم .

میخواهم باتمام وجودم از شما برای ازدواجم ، روز

بقیه در صفحه 50

پرداخت بیمه کمتر برای ماشین های نو

هیجان خرید ماشین نو رو بافزایش است چون سازندگان به عرضه کردن ماشین های جدیدشان به بازار مشغولند. اگر شما قصد خرید ماشین‌نو را دارید به یک بیمه جدید نیز احتیاج خواهید داشت گرچه بنظر عجیب خواهد رسید ولی شما همانقدر برای بیمه‌تان درچند سال آینده پول خواهید پرداخت که برای خرید یک ماشین نو .



یک‌راننده جوان لوس‌آنجلس را درنظر بگیرید ، یک ماشین فورد موستانگ نو دارد . ماشین جدید او ۲۰۰۰۰ دلار میارزد و یا کمتر از ۵۰۰۰ دلار در سال . اگر فرض‌کنیم که برای ۵ سال قسط بندی شده است ، بیمه ماشین او چقدر خواهد بود ؟ بیمه‌سالیانه او ۵۳۹۰ دلار خواهد بود اگر او راننده نسبتاً خوبی باشد . طبق گفته FARMERS INSURANCE GROUP هیچ امتیازی برای تخفیف باو تعلق نخواهد گرفت .

کسانی که برای خرید ماشین و خرید بیمه خیلی این در وآن در میزنند ، احتمال دارد که بتوانند سالیانه با تخفیف بخصوصی که بیمه های ماشین عرضه میکنند حتی هزاران دلار صرفه جویی کنند . بطور مثال همین راننده جوان میتواند سالیانه ۲۰۰۰ دلار کمتر بپردازد مشروط بر اینکه راننده خوبی باشد و ترمزهای ضد قفل و کیسه هوا برای تصادف وکمربندهای اتوماتیک داشته باشد و DEDUCTIBLE بالاتری را هم قبول‌کند . البته تمام کارهایی که شما بایدبکنید که صرفه جویی کنید ممکن است مطابق سلیقه شخصی تان نباشد . مثلا اگر میخواهید خیلی صرفه جویی‌کنید بجای ماشین CORVETTE باید یک ماشین STATION WAGON بخرید و یا بجای BMW یک FORD TAURUS .

اگر همین راننده موستانگ جوان ما یک ماشین معمولی دیگری را انتخاب کرده بود مثلا HONDA ACCORD ، برای نرخ های اصلی پایین تری واجد شرایط بود . بعلاوه یک تخفیف اضافی دیگر که حدود ۱۰۰۰ دلار درسال میشد . همچنین پرداخت سالیانه او تا حد ۱۲۵۸ دلار نیز پایین میرفت .

اما تخفیف بیمه ماشین گمراه کننده نیز میتواند باشد . نه فقط کمپانی ها با هم تفاوت دارند بلکه ایالت ها هم نیز با هم تفاوت دارند . دلیل این همه تفاوت ناشی از رقابت ، تجربه و قوانین ایالتی است .

درجائیکه یک بیمه گر خوب باید تخفیف را بطور اتوماتیک درنظر بگیرد ولی خیلی ها این کار را نمی‌کنند . اغلب اوقات مشتریها باید درخواست تخفیف را برای بیمه شان بکنند . در نتیجه مهم است که بدانیم‌چه نوع تخفیفی معمول است . شما وقتی دنبال بیمه ماشین هستید ، باید بپرسید که‌آیا کمپانی شما تخفیف های دیگری هم میدهد .

چه نوع تخفیف هایی معمول است ؟

تخفیف برای راننده خوب

اکثر بیمه گران بین ۲۰٪ تا ۴۰٪ برای رکورد خوب رانندگی در کالیفرنیا بشما تخفیف میدهند . در کالیفرنیا ۲۰٪ تخفیف برای راننده خوب بودن اجباری است .

محصل خوب

داشتن معدل B یا بهتر احتمالا ۱۰٪ تا

۲۰٪ دیگرنیز تخفیف دارد . یک مرد اهل شیکاگو که دارای یک FORD MUSTANG است بطور مثال باید ۲۹۳۹ دلار برای خود و پسر ۱۶ ساله‌اش به بیمه بپردازد . ولی اگر پسرش شرایط یک محصل خوب را داشته باشد بیمه سالیانه او به ۲۲۵۸ دلار تنزل میکند

ترمزهای ضد قفل شدن

این یک مسئله مهم ، امنیت درنظر گرفته نشده است . ترمزهای ضد قفل شدن میتواند حق بیمه سالیانه شمارا بین ۵٪ تا ۱۰٪ پایین بیاورد .

مـــوارد اطمینـــان PASSIBLE RESTRAINT

کیسه هوا و کمربند اتوماتیکی نیز میتواند حق بیمه سالیانه شمارا پایین بیاورد . اگرچه مبلغ آن زیاد نخواهد بود .

بطورکلی بیمه گران حق بیمه سلامتی را بین ۱۰٪ تا ۴۰٪ کم میکنند ولی بدلیل اینکه یک قسمت خیلی کمی ازحق بیمه سالیانه ماشین را دربر میگیرد حق بیمه شما معمولا فقط چند درصدی کم میشود .

تخفیف برای داشتن چند ماشین

اگرشما چند ماشین را با یک کمپانی بیمه کنید معمولا تخفیف عمده‌ای میگیرید . این تخفیف ها قابل توجه است . بین ۵٪ تا ۲۰٪ از صورتحساب سالیانه شمارا کم میکند . بعضی از کمپانیها اگرشما خانه‌تان را هم با آنها بیمه کنید یک تخفیف دیگرهم میدهند .

تخفیف وفاداری

اگرشما سالهای متمادی بایک کمپانی بیمه کار کرده باشید معمولا بیش از سه سال - و رکورد رانندگی‌تان خوب باشد شما تا ۲۰٪ میتوانید تخفیف بگیرید .

تـــخفیف رانـــندگی محتـــاطانه (DEFENSIVE)

اگر شما سنتان از ۵۵ سال بیشتر باشد اکثر بیمه گران نرخ شمارا ۵٪ الی ۱۰٪ کم میکنند بشرط اینکه یک دوره رانندگی محتاطانه ببینید . در خیلی از ایالات بیمه گران ملزم به دادن این تخفیف هستند **وسایل ضد دزدی**

اگرشما وسایل ضد دزدی مثل بوق خطر (ALARM) ماشین استفاده کنید بیمه سالیانه COMPRHENSIVE AND COLLISION شما میتواند کمتر بشود این تخفیف ها بسته به محل زندگی شما وماشین شما و وسایل ضد دزدی آن میتواند خیلی متنوع باشد .

بـاب سـاسر سـخنگوی STATE FARM INSURANCE میگوید وسایل اتوماتیک معمولا تخفیف بیشتری را دربر دارند .

باین دلیل که بیمه گران میدانند ، گاهی اوقات مردم فراموش میکنند که بوق خطر ماشین شان را روشن کنند .

تخفیف برای کم رانندگی کردن

اگرشما هر روز برای رفتن به سر کارتان ۵ مایل یا کمتر رانندگی می کنید یک تخفیف کم دیگری هم شامل شما میشود .

تخفیف غیر سیگاری ها

این تخفیف معمولا نادر است . ولی اگر آنرا ارائه دهند میتواند اساسی باشد . باستثناء این تخفیف ها شما میتوانید بیمه سالیانه ماشین تـان را بـا بـالابردن کسـری شـخصی (DEDUCTIBLE) کم‌بکنید و همچنین برای مـاشین هـای قـدیمی تـان فـقط از بـیمه COMPREHENSIVE AND COLLISION استفاده کنید . و همچنین وقتی فرزندتان که رانندگی میکند به کالج رفت به بیمه گرتان اطلاع دهید .

تدی

۲۷ جولای دعوت‌کنم .

درضمن میخواستم از شما خواهش‌کنم‌که شما جای مادرم بنشینید ، روی صندلی که اگر زنده بود می نشست .

آخر میدانید من هیچ فامیلی دیگر در این دنیا ندارم .پدرم هم سال پیش مزد .

ارادتمند شما ـ تدی استلارد

نمیدانم چه هدیه‌ای ، کسی میتواند برای دکتری که دانشکده پزشکی را تمام کرده و پایان نامه‌اش را اخذ کرده ، بفرستد . شاید باید فقط صبر کنم و یک هدیه عروسی برایش بگیرم . ولی اصلا نمیتوانم خودم را نگهدارم و این یادداشت را نفرستم :

تد عزیز :

تبریک . آخرش موفق شـدی ، و تـمامش هـمت خودت بود ، علیرغم‌کسانی مثل من و نه بخاطر من ، تو این روز را دیدی .

خدا نگهدارت باد . حتماًدر عروسی تو خواهم بود .

براساس داستانی واقعی از یک معلم واقعی در آمریکا

«حرفی ز دلتنگی ها»

دکتر فرح پزشکی



خوانندگان عزیزی که مایل به مطرح کردن مشکلات خود هستند میتوانند نامه های خود را به آدرس مجله ارسال دارند. پاسخ به سئوالات فقط بصورت کتبی در مجله درج خواهد شد. برای محفوظ بودن اسامی لطفاً روی پاکت قید بفرمائید (مربوط به صفحه حرفی ز دلتنگی ها). هرگونه تشابه اسمی و یا اتفاقات مندرجه دراین مقالات صرفاً تصادفی میباشند.

سئوال ۱

مردی هستم ۳۰ ساله ، مدت سه ماه است که با دخترخانم ۲۳ ساله‌ای که از طریق یکی از خاله هایم با ایشان آشنا شده‌ام معاشرت میکنم . درعرض سه ماه گذشته در حدود ده دفعه همدیگر را دیده‌ایم و هر بار مدت ۴ تا ۶ ساعت را با هم گذرانده‌ایم . درعرض این مدت سه ماه متوجه شده‌ام که این دختر خانم سعی عجیبی دارند که وقت خود را بامن درمکان هایی بگذرانند که موقعیت برای صحبت کردن وجود نداشته باشد . برای مثال همیشه رستوران هایی را انتخاب میکنند که درآنها برنامه موسیقی اجراء میشود . یکی دو بار هم با هم به سینما ویا کنسرت رفته‌ایم .من احساس میکنم‌که چون این دختر خانم درمورد خود صحبت نمیکند این وظیفه من است که با سئوالهای خود شناخت بیشتری از اخلاق وروحیات ایشان بدست بیاورم ولی متاسفانه نمیدانم که چه سئوالهای دقیقی باید از ایشان بپرسم که نه وقت خودم را تلف کرده باشم و نه وقت این دخترخانم را .

لطفاً مرا راهنمایی کنید .

جواب ۱

آقای عزیز

بنظر میاید که شما با دختر خانمی معاشرت می کنید که حقایق زندگی خود را از شما پنهان میکند . علل مختلفی برای این عمل ایشان ممکن است وجود داشته باشد . بعنوان مثال یکی ازشایع ترین اعمالی‌که من در بین جوانانی که به قصد ازدواج معاشرت میکنند و ازمن راهنمایی خواسته‌اند می بینم این است که حقیقتاً از عملی شدن ازدواج خود با طرف مقابل مطمئن نیستند و همین عدم اطمینان و ترس از عملی نشدن ازدواج آنهارا وادار میکند که تا آخرین حد امکان سعی در بیان نکردن کلیه خصوصیات اخلاقی ووضع خانوادگی خودداشته باشند . غافل ازآنکه هرچیزی که الان در خفا نگهداشته شود بالاخره در دوران قبل ویا حتی بعد از ازدواج فاش خواهد شد و آنوقت ضررهایی ببار میاورد که قابل‌جبران نیست .

بمراتب همسرانی برای حل مسایل زناشویی به من مراجعه کرده‌اند که شکایت داشته‌اند از اینکه همسرشان قبل از ازدواج حقایقی‌را از ایشان پنهان نگهداشته‌اند ویا حتی مهم ترازآن حقیقت را بطورکامل بیان نکرده‌اند . این اعمال اعتماد را در زندگی زناشویی در بین طرفین از بین میبرد و باعث میشود که آنها قادر به حل مشکلاتی که در هر ازدواجی وجود دارد نباشند .

بسیاری مواقع این ترس فقط بخاطر عدم ثبات روحی و رشد فکری شخص و خانواده اوست که از نشان دادن خصوصیات خانواده خود واهمه دارند و درواقع چیزی برای پنهان کردن وجود ندارد . در بعضی دیگر از موارد خانواده ها حقایقی‌چون نامزدی قبلی و بیماریهای جسمی وروحی راکه عواملی هستند که فرهنگ و جامعه ما به آسانی آماده پذیرایی آنها نیست را پنهان میدارند . البته رابطه شما با این دختر خانم هنگامی باید به ازدواج به پیوندد که شما مطمئن شده باشید که ایشان قسمتهایی از شخصیت وزندگی خود و خانواده خود را از شما پنهان نکرده‌اند . بعلاوه ایشان نباید برای رضایت خاطر خود فقط چیزهایی راکه شما علاقه و یا آمادگی قبولشان را دارید با شما مطرح کنند بلکه باید در مورد خودشان با شما با آزادی صحبت کنند بدون آنکه شما مجبور به سئوال کردن از ایشان بشوید . شناخت لازم از اخلاق وروحیات طرفین وقتی حاصل

میشود که دختر و پسر با آزادی و بدون ترس با هم راجع به گذشته خود صحبت کنند . با این وجود احساس خود را در مورد اینکه متوجه شده‌اید که ایشان با آزادی درمورد خودشان با شما صحبت نمیکنند را مطرح کنید و بپرسیدکه آیا بنظر ایشان دختر و پسر قبل ازازدواج باید با آزادی راجع به تمام مسائل صحبت کنند و یا موارد و مسائلی وجوددارند که باید ناگفته بمانند . اگر جواب ایشان به سئوال دوم مثبت بودسئوال کنید که مطرح کردن چه نوع مسائلی ضروری نیست . از ایشان بپرسید که آیا میتوانند که اگر چیزهایی را در شما می بینند که آمادگی پذیرششرا ندارند آنهارا با شما درمیان بگذارند . سئوال کنیدکه چه اعمالی درنظر ایشان کاملا غیر اخلاقی و غلط هستند . آیا ایشان بیشتر افکار و احساسات خود را با افراد خانواده خود مطرح میکنند ؟ اگر بله چرا و اگر نه چرا ؟

رویهمرفته بنظر میاید که اگرشما سه ماه وقت صرف این رابطه کرده‌اید به این دختر خانم علاقه دارید ولی بهتراست که با چشم باز وبا آگاهی وارد یک رابطه طولانی‌بشوید . هرچیزی که امروز راجع به این دخترخانم نمیدانید در آینده کشف خواهید کرد . بهتراست که دانسته و آگاه زندگی زناشویی را آغازکنید .

سئوال ۲

مدت ۷ ماه است که با پسر ۲۸ ساله‌ای نامزد شده‌ام (منهم بیست وهشت سال دارم) و خیلی از او خوشم میاید . ترس واقعی من ازاین است که اگر به این شخص علاقه پیدا کنم و دل ببندم این رابطه نیزمانند نامزدی قبلیم که بعد از سه ماه بهم خورد از هم بپاشد . من ونامزد سابقم برسر مسائل مختلف دائم جر و بحث داشتیم تا وقتی که به پیشنهاد نامزدم که بیشتر عمرش را در امریکا گذرانده است به یک‌روانشناس مراجعه‌کردیم وپس از چند جلسه مشورت متوجه شدیم که باوجودی که درعرض چند ماهی که همدیگر را شناخته‌ایم بهم‌کاملا دلبسته‌ایم بهتراست که حالا ازهم جدا شویم تا بعداز ازدواج و بدنیا آوردن چند بچه . مسئله اصلی که باعث جدایی من از نامزد سابقم شد و من فکر میکنم که مرا از ازدواج با نامزد کنونیم میترساند عدم توانایی من است از اینکه بدانم چه تصمیم هایی را در زندگی من باید بگیرم وچه تصمیم هایی را به نامزد و یا همسرم واگذار کنم . من و نامزدم هردوآدم های خوش قلبی هستیم ولی از همین حالا راجع به خیلی از مسائل زندگی مشترکمان در آینده با هم اختلاف نظر داریم . میخواهم بدانم که درچه مواردی تصمیم گیری درمورد مسائل مختلف زندگی باید بامن باشد و درچه مواردی با همسرآینده‌ام .

جواب ۲

خانم عزیز

درجایی‌شنیدم ازآلبرت انشتین در بیستمین سالگرد ازدواجش پرسیدند که در زندگی زناشویی شما چه کسی تصمیم هارا میگیرد ؟ انشتین جواب داد که من و همسرم ۲۰ سال پیش تصمیم گرفتیم که تمام تصمیم های کوچک‌زندگی را او خواهد گرفت و تصمیم های بزرگ بر عهده من خواهند بود . ولی درعرض بیست سال گذشته هنوزما با تصمیم بزرگی برخوردنکرده‌ایم .

درحقیقت شما ازموضوع قدرت یابی در رابطه زناشویی صحبت میکنید . من خیلی خوشحالم که می بینم که این موضوع برای شما به حالت یک سئوال که قصد جواب پیدا کردن برای آن را دارید درآمده تا یک موضوعی که برآن سرپوش بگذارید و درآینده باعث مسائل بغرنج و غیر قابل‌حل در زندگی زناشویی‌تان بشود . بیشتر زن وشوهرهای جوانی که برسراین موضوع بحث و مشاجره دارند یا ازموضوع بعد ازکمی گفتگو چشم میپوشند و یا برای در

دست گرفتن قدرت غیر عادلانه پافشاری میکنند . بعد از مدتی که این مشاجرات ادامه پیداکرد متاسفانه دیگر نمیدانند که برای چه می‌جنگند . هدف پیروز شدن در مشاجره میشود و نه حل مسائل .

در سابقه کاری که من با زن وشوهرها دارم خیلی مواقع دیده‌ام که این قدرت یابی یک خصوصیت اخلاقی در یکی از طرفین است یعنی در خیلی از ازدواج ها یک نفر رل شخص قوی را به عهده میگیرد و دیگری رل شخص‌ضعیف را . در بعضی دیگر مواقع کسی که با پول بیشتر وارد ازدواج شده است قدرت را دردست میگیرد .

درمواقع دیگر قدرت خانمها معمولا در موارد نگهداری از منزل ، تربیت بچه ها ، پیگیری از مسائل مذهبی و امور خصوصی خانواده است درحالی که قدرت مرد درخانواده در تامین مخارج خانواده و آموزش فرزندان مذکر و تصمیم گیری در مورد مسائل اجتماعی خانواده است . تحقیق نشان داده است که ازدواج هایی موفقند که زن و شوهر هردو در تصمیم گیری های کوچک و بزرگ به یک اندازه دخیلند بعبارت دیگر گاه زن‌تصمیم کوچک را میگیرد و مرد تصمیم های بزرگ زندگی را و گاه برعکس .

و متقابلا ازدواج هایی ناموفقند که زن و شوهر نمیتوانند عادلانه برسر مسائل باهم موافقت کنند .

برای اینکه بفهمید این‌موضوع در رابطه کنونی شما چه نقشی دارد شما باید با چگونگی رابطه تان با نامزدتان نگاه کنید . توجه کنیدکه هرکدام ازشما چگونه به مسئله قدرت طلبی در رابطه می اندیشید و برای بدست آوردن آن ازچه طریقی عمل میکنید . آیا ازطریق مستقیم یعنی با بحث و مذاکره و استدلال و از طریق داد وستد با مسائل روبرو میشوید و یا ازطریق غیر مستقیم و نا سالم مثل تظاهر به ناتوانی و تهدید و مسخره و زور و غیره .

درحقیقت جواب دادن به سئوالهای زیر میتواند شما ونامزدتان را در راه شناخت به این مسئله یاری دهد :

- آیا شما خودرا در رابطه با بقیه مردم و تاثیر گذاشتن بر عقاید آنها و امور مختلف موفق می بینید ویا این شما هستیدکه همیشه عقاید بقیه را بی‌چون وچرا می پذیرید ؟

- برای شما قدرت داشتن چه معنا ومفهومی دارد ؟ آیا قدرت داشتن به شما اعتماد بنفس میدهد که میتوانید بر دیگری چیره شوید و آنوقت تمام‌احتیاجاتتان در زندگی برآورده میشود ؟

- اساس توانایی خود را درچه می بینید ؟ آیا شما باهوش تر ، زیرک تر ، پولدارتر و یا موفق تر از نامزدتان هستید ؟و یا قدرت را دراین می بینیدکه بتوانید با همسرتان مثل افراد یک تیم که با همکاری باهم به هدفشان میرسند اساس زندگی مشترکتان را برقرار کنید ؟

- آیا قدرت شما بستگی به‌موقعیت موجود دارد (گهی زین به پشت و گهی پشت به زین) و برحسب اینکه‌شما و یا همسر آینده‌تان درهرلحظه چه‌احساسی داشته باشید عوض میشود .

- وقتی‌که گذشت میکنید وکنترل موضوعی را به همسر آینده‌تان واگذار میکنید آیا به او اطمینان میکنید و احساس آرامش بهتان دست میدهد ویا بیشتر نگران میشوید که او ممکن است ازحقوقتان سوء استفاده کند ؟

- آیا شما و نامزدتان هردو همدیگر را به یک اندازه دوست دارید ویا یکی از دیگری مشتاق تراست که این ازدواج‌صورت بگیرد ؟

- آیا راجع به مسائل زندگی آینده و اینکه چه کاری برعهده چه کسی خواهد بود صحبت کرده‌اید ؟ آیا میدانید که درآینده چه کسی مسئول رسیدگی به امورمالی از قبیل پرداخت وجه آب و برق و تلفن و غیره خواهد بود . این مسائل الان ممکن است خیلی ساده وبی اهمیت جلوه کنند ولی باعث مشاجره بسیاری از زن وشوهرها هستند .

اقتباس و نوشته : سونیا فریور



یک روز شلوغ مادران و کلاسهای تقویتی بچه ها

ساعت ۳۰ / ۷ پنجشنبه شب ، بعد از یک‌روزکامل در مدرسه دو امتحان ، شرکت در مسابقه ژیمناستیک مدرسه وکلاس عبری بالاخره با دخترم نازنین به منزل رسیدیم . او شامش‌را با عجله خورد و راهی اطاقش برای انجام تکالیف مدرسه شد . نیمساعت بعد تصمیم گرفتم میوه‌ای پوست کنده و به اطاق او ببرم . باکمال تعجب نازنین را دیدم که سرش را روی‌دفتر وکتابش گذاشته و بخواب رفته است . با برنامه سنگینی‌که او دارد در واقع ساعت ۳۰ / ۷ شب خوابیدن باعث تعجب‌نیست . نازنین ازنظر جسمی‌وروحی تا سن ۱۰ سالگی خسته است !! برنامه های هفته وآخر هفته او شامل پیانو ژیمناستیک پیشاهنگی وکلاس عبری میباشد .

باخودم می اندیشیدم منهم بعنوان یک مادر خسته‌ام زیراکه بجز کار خارج ازمنزل ، در واقع کار اصلی من رانندگی بچه هاست . بعضی وقتها فکر میکنم آیا معنی زندگی همین است ؟

آیا فرزندان ما واقعاً از این برنامه شلوغ چیزی دستگیرشان میشود ؟ کودکانی‌که این چنین برنامه فشرده‌ای دارند معمولا وقتی برای پرورش فکری برایشان باقی‌نمی ماند . این مسئله مرا یاد حرف دخترم می اندازدکه یک روزبرای تعطیلات زمستانی مدرسه بسیار خوشحال بود و از او پرسیدم دوست داری برای تعطیلات چکار کنی وجوابش به من این بود «هیچی دوست دارم خونه باشم و **فکرکنم** » آیا در حقیقت ما با برنامه های سنگین فرصت «فکر کردن» را از بچه هایمان گرفته‌ایم ؟

این برنامه های متفرقه بچه ها در زندگی یک‌به‌یک افراد خانواده اثر میگذارد .

رویهمرفته فرصتی برای دور هم بودن و بطور ساده حرف و تبادل نظر اعضاء خانواده باقی نمی ماند .

مادری که مستقیماً از سرکار به مدرسه فرزندش میرود و او را به کلاس میرساند و فوری به منزل برمیگردد تا شامی با سرعت تهیه کند و دوباره برگردد و دخترش را از کلاس بردارد دارای فشار

روحی وجسمانی است و این خستگی اعصاب روی افراد فامیل اثر منفی خواهد گذاشت **چطور میتوان پی برد که برنامه فرزند شما بیش ازحد سنگین است ؟**

علاقه ، استعداد و قدرت جسمانی . در مرحله اول باید دید آیا بیشتر از مواقع عادی احساس خستگی میکند ؟

آیا مرتباً در مورد رفتن به کلاس مورد علاقه‌اش بگو مگو میکند و بهانه میاورد ؟

دربعضی ازکودکان دیده میشود که در واقع مخالفت خود را غیر مستقیم از طریق بداخلاقی مستمر نشان میدهند . شاید یک‌دلیل‌مخالفت با کلاس‌رفتن این باشد که فرزند شما نیاز بیشتری به توجه شما دارد و احتیاج دارد وقت بیشتری را باشما سرکند .

بسیار مهم است که دلیل خودمان را هم در عین حال برای فرستادن بچه ها به اینگونه برنامه ها درک‌کنیم . بعنوان یک‌مادر شاغل آیا این کلاسها اشکال BABY SITTER را حل میکند ؟ یا شاید خدای نکرده نمیخواهیم بچه ما از بچه دوستان عقب بیفتد ؟ویا خودمان پیش دوستان احساس حقارت می کنیم ؟

نسل امروزی واهمه زیادی ازاین دارد که موقعیتی را از دست بدهد . شاید مقداری هم اطلاعات گوناگون در مورد پرورش کودکان باعث سردرگمی والدین شده است .

هدف اصلی والدین از کلاسهای خارج از برنامه معمولا بشرح زیراست .

- لذت بردن ازکلاس مربوطه
- فراگیری هنرهایی از قبیل انضباط ، حس مشارکت (SHARING) و همکاری گروهی(TEAM PLAYING) .

اما اگر فرزند شما شروع به مخالفت کرد میتوان گفت که تحت فشار است و برنامه ها زیاد از حد سنگین است .

برای جلوگیری از این مسئله کودکان مختلف را جداگانه باید بررسی‌کرد . فرزند خود را هیچگاه با فرزندان دوستان وهمسایه وحتی با خواهر وبرادر خودش نباید مقایسه کرد رشد فکری و بدنی افراد با همدیگر بکلی متفاوت است .

باید دید فرزند شما تمرکز فکری‌کافی را دارد که در پیانو موفق شود یا اینکه کلاس پیانو باعث نا امیدی او شده و احساس میکند که به هرکاری دست بزند ناموفق است .

با فرزندخود در مورد کلاسها تبادل نظرکنید . حق انتخاب را به او واگذار کنید که برنامه زندگی بقیه افراد خانواده را هم در نظر داشته باشید و تصمیم بگیرید چه برنامه‌ای ازنظر خانواده شما ارجحیت دارد . اگر فرضاً برای خانواده نگه داشتن شبات مهم است ورزش را برای فرزند خود انتخاب کنید که شنبه ها مسابقه ندارد و یا اگر او شرکت نکند مسئله‌ای نباشد .

اگر بعد از ثبت نام و شرکت در کلاس بخصوصی به این نتیجه رسیدید که که فرزند شما یا علاقه ندارد و یا بهر دلیل‌دیگری برنامه باعث دردسر برای خانواده است ، بعنوان والدین از ول کردن کلاس ناراحت نشوید و سعی کنید باعث ناراحتی وجدان برای فرزند خود هم نشوید . زیرا که او درآینده اگر استعداد و علاقه‌ای هم داشته باشد از ترس اینکه‌شاید نتواند بنحو احسن آن را انجام دهد از ابتدا عقب نشینی میکند و حاضر به ریسک‌کردن نمیشود .

اگر از نظر مالی کلاس رفتن مهم است شاید بهتر باشد پیش از ثبت نام یکی دوجلسه بطورآزمایشی فرزند خود را به کلاس برده و اگر علاقه نشان داد ثبت نامل کامل ، بعداًانجام شود .

بازور فرزند خود را به‌کلاس فرستادن خرج روانی‌سنگینی در بر دارد که بمراتب از خرج کلاس بیشتر خواهد بود !

بطور خلاصه حتی المقدور باید سعی برآن باشد که در انتخاب کلاس تعمق کامل بکار برده شود . برنامه زندگی افراد را استعدادها و علاقه و وضع جسمانی وروحی کودک تعیین میکند ، از فشار آوردن برای شرکت او درکلاس باید خودداری شود .

سعی‌کنید فعالیتهایی را انتخاب کنید که خودتان هم تا حدی بتوانید درآن شرکت کنید .

فرصت کافی برای دورهم بودن و تبادل نظر برای افراد خانواده باقی بگذارید .

سعی‌کنید تاحدی قابل انعطاف باشید و اگر برنامه فوق العاده باعث فشار روحی برای هریک از اعضاء خانواده شد با سربلندی‌کلاس راکنار بگذارید .



آیا فکر می کنید سازمانها و افرادی که برای جشنهای یهودی که به منظور آشنایی جوانان یهود با یکدیگر برگزار میشود ، بایستی در رسانه و مطبوعات همگانی ایرانی تبلیغ کنند ؟

گزارشگر : فریده لاله زاری

«گزارش»



آرایشگاه مهری

گزارش این بار چشم انداز ، مصاحبه‌ای است با یک خانم موفق ایرانی مقیم لس‌آنجلس . خانم **مهری بهکار**

کوچ اجباری ایرانیان و یهودیان ایرانی به این دیار پس از موج انقلابی که ایران را فراگرفت ، بسیاری از زندگی ها و هدفها وآرمانهارا دگرگون نمود . برخی با این دگرگونی‌چنگ درانداختند برخی بی دفاع خودشان را باختند و برخی بر موجهای‌آن به این طرف و آن طرف و بی اختیار جابجا شدند .

مهری بهکار ، از افرادی است که با همتی بلند ، نشانه‌ای از سلحشوری یک زن اساطیری یهودی را دارا است . او با داشتن شوهر و دو بچه و علیرغم ندانستن زبان وآشنا نبودن به قوانین و سنت و فرهنگ این کشور ، توانست با پایمردی و همراهی شوهرش موسسه‌ای در خور ستایش همگان برپا کند .

آرایشگاه مهری ، چون صاحب آن مشخصات منحصر بفردی دارد که طرفداران آن دهها مایل راه را می پیمایند وساعتها به انتظار می نشینند تا از خدمات افراد آن برخوردار شوند . در قلب انسینوی لس آنجلس با مهری به صحبت می نشینیم .

۱ - میپرسم‌که چند سال است‌که به امریکا آمده و چند سال است‌که شروع بکارکرده‌اید ؟

- ۱۳ سال است که به امریکا آمده‌ام و ۱۱ سال است که شروع بکار کرده‌ام .

۲ - آیا درایران هم به این‌کار مشغول بوده‌اید ؟

- من در ایران کار نمیکردم ولی دوره آرایش را در ایران دیدم در ایران بخاطر تعصب شوهرم و اینکه زیاد معمول نبود که خانمها در ایران به‌کار خارج از منزل مشغول باشند منهم کار نمیکردم و وقتی که به امریکا آمدیم و بخاطر ندانستن زبان و ندانستن قوانین

امریکا متاسفانه تمام سرمایه خود را از دست دادیم. آن زمان من ازشوهرم خواستم که بمن اجازه بدهد حالا که من به فن آرایش آشنا هستم به این کار مشغول شوم که کمکی هم بتو بشود اول با مخالفت او روبرو شدم وبعد که موفق شدم موافقت اورا جلب‌کنم دوره آرایشگاه را در امریکا گذراندم. کارم با با اطاق‌کوچکی در آپارتمان منزلمان شروع کردم و با سخت کوشی، روز به روز به تعداد مشتریانم اضافه شد. بعدازمدتی توانستم سالن مجهزی در ولی باز کنم و بعد ازآن به مکان بهتر و بزرگتری نقل مکان کردم ناگفته نماند که درتمام این مدت شوهرم چه درامور شغلی و چه در امور کار منزل با من همکاری و همیاری داشته است و منهم به عشق شوهر و بچه ها سعی کرده‌ام که مسائل کار ومنزل را از هم جدا نگهدارم و با برنامه ریزی و با استفاده از تمام دقایق به تمام امور زندگی برسم که هم من خوشحال باشم و هم شوهر و بچه هایم.

۳ - میدانم‌که دو بچه دارید یک پسر ویک دختر اگر ممکن است از آنها بگوئید؟

پسرم به دانشگاه میرود و امسال دوره اول‌دانشگاه را بپایان میرساند که بعد میخواهدبه دانشکده پزشکی‌برود.

و دخترم سال اول کالج است که او هم علاقمند است پزشکی بخواند امیدوارم نتیجه زحماتم منجربه سرانجام رسیدن و موفقیت بچه هایم باشد که خوشبختی من و شوهرم خوشبختی آنها است.

۴ - راز موفقیت خودرا درچه میدانید؟

رازموفقیت من در صداقت، مردم داری، سخت کوشی و رضایت مردم بوده است من همه مشتریان خود را دوست دارم، آنها هم مرا دوست دارند و سالها است که مشتری من هستند بعضی از آنها از راههای خیلی دور پیش من میایند بخاطر محیط دوستانه‌ای که اینجا احساس میکنند. من با مشتریانم مثل یک‌دوست هستیم خوشحالی آنها خوشحالی من و غم آنها غم من میباشد. آنها مرا به عروسیها و جشنهای خود دعوت میکنند و از محیط شاد و فعال اینجا راضی هستند. بارها شنیده‌ام که میگویند محیط اینجا مارا بیاد ایران وحال و هوای ایران می اندازد.

از خانم مهری بهکار خداحافظی میکنم و موفقیت بیشتری را برایش آرزو دارم.

رویدادهای سازمان سیامک

پنج شنبه شب ۲۱ اکتبر **کمیته شاغلان تحصیلکرده سازمان سیامک** اقدام به برگزاری شب شعر نمود.

دراین برنامه دو شاعر گرامی یهودی ایرانی خانم **مهین عمید** و **آقای یحیی مسجدی** شرکت داشتند که پاره‌ای ازسروده های خود را برای حاضرین جوان خواندند. دراین برنامه، موسیقی سنتی ایرانی با تار گوش نواز بود و ازشرکت کنندگان پذیرایی بعمل آمد. تنی چند ازجوانان با ذوق اشعار خود را به حضار عرضه کردند.

شرکت کنندگان جوان، این برنامه را بسیار پسندیده و درخواست تقاضای مجدد این برنامه را داشتند.

*****

ازطرف کمیته امور اجتماعی و خیریه سازمان سیامک مبلغ ۲۰۰۰ دلار به **مرکزدرمانی** CITY OF HOPE اهداء شد.

این مرکز درمانی بخاطر پژوهشهای درمانی برای سرطان شهرت بین المللی دارد، ازهسته های یهودی، چون بیمارستان **سیدرساینای** و دانشگاه پزشکی **آلبرت انشتین** و غیره میباشد که باعث افتخار یهودیان دنیاست. پژوهشها و فعالیتهای این مرکز به تمام انسانهای دردمند تعلق داشته وصدها بیمار ایرانی تا بحال ازکمکهای این موسسه برخوردار شده‌اند. از تمام خوانندگان خود خواهشمندیم که مارا در راه کمک به این موسسات همراهی نمایند.

*****

ازطرف **کمیته فرهنگی سازمان سیامک** مبلغ ۲۰۰۰ دلار بورس برای پژوهشهای شخصیت بین المللی **پروفسور امنون نتصر**، رئیس بخش ایران شناسی دانشگاه عبری اورشلیم به ایشان اهداء شد.

پروفسور نتصر، یکی از معدود ستارگان تابناک جامعه یهودی ایرانی و ایرانی تبار دنیاست که سالها در راه تحقیق زوایای تاریک و ناشناخته تاریخ یهودیان ایران با دقت، موشکافی و بیطرفانه روزگار گذرانده است. با آرزوی موفقیت بیشتر شان که سربلندی همه ماست

*****

ازسلسله سمینارهای فرهنگی و اجتماعی مشترک **هیلل جوانان یو سی ال ا** و **سازمان سیامک** برنامه دیگری روز یکشنبه ۱۴ نوامبر درمحل کنیسای یونیورسیتی در برنت وود برای جوانان برگزار شد.

دراین برنامه دکتر ژوزف حکیمی - دکتر نهضت فرنودی - آقای‌رامین آرین - وآقای داریوش فاخری با شرکت کنندگان در مورد احترام متقابل و ارتباط دو طرفه بین والدین و فرزندان به بحث نشستند.

*****

کمیته امور اجتماعی و خیریه درماه گذشته اقدام به غذا رسانی به خانواده های نیازمند را نمود. این برنامه جدید سازمان سیامک احتیاج به راهنمایی شما در مورد پیدا کردن افراد نیازمند و همچنین کمک هایتان دارد.

تلفن ۱۲۷۰ - ۵۰۳ (۸۱۸)

*****

روز ۱۴ نوامبر آقای سعید کهن درویش ازطرف سازمان سیامک درجلسه‌ای که باحضور نمایندگان یهودی عراقی - روسی - اسرائیلی و امریکایی در کنیسای استیفن وایز تشکیل شد شرکت نمود و در مورد همکاری این گروهها و آینده جوانان یهودی به بحث و تبادل نظر پرداخت.

رویدادهای جامعه یهودیان ایران

جامعه روشنفکران کلیمی ایران با انتشار اطلاعیه‌ای در مطبوعات ایران، توطئه های غرب وجنجال های حقوق‌بشر درمورد ایران خصوصاً یهودیان ایران را محکوم نمود.

این گروه جریان سرقت چند سفر تورا را برای استفاده تبلیغاتی ضد رژیم ایران، توسط چند نفر یهودی در لس‌آنجلس که خود را قیم و متولی جامعه کلیمیان ایران میدانند، دانسته وتاکید نموده است که جامعه کلیمی ایران، بخش‌جدایی ناپذیر از پیکر ملت بزرگوار ایران است و در شرایط کنونی‌بعنوان اقلیت دینی دارای‌حقوق قانونی است.

*****

جامعه یهودیان ایران بنا به اعتبار گفته رئیس **انجمن کلیمیان تهران** حدود ۳۰ هزار نفرند که دارای ۲۳ کنیسا و ۵ مدرسه میباشد.

به نقل اخبار مربوط به جامعه یهودیان ایران اززبان **بولتن خبری انجمن کلیمیان تهران** می پردازیم:

ב"ה

هر انجمنی که محضالله تشکیل شود، پایدار و نیک فرجام خواهد بود

כָּל כְּנֵסִיָּה שֶׁהִיא לְשֵׁם שָׁמַיִם סוֹפָהּ לְהִתְקַיֵּם

بولتن خبری انجمن کلیمیان تهران

مهر ماه ۱۳۷۲

سال نو عبری روش‌هشانا ۵۷۵۴ در جراید وصدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران

بمناسبت روش هشانا وآغازسال عبری ۵۷۵۴ اعلامیه‌ای تبریکی خطاب به جامعه کلیمیان ایران و یهودیان شرافتمند در سراسر جهان ازطرف انجمن کلیمیان تهران منتشر شد که بطور وسیع در صدا و سیمای‌جمهوری اسلامی ایران و جراید کشور منتشر شده است.

دراین پیام برای‌مقام معظم رهبری و ریاست جمهور محبوب و مسئولین نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگوار ایران و همکیشان عزیز و همه مردم خوب جهان آرزوی برکت ـصلح و سلامتی وموفقیت شده است.

ماه مهرماه مدارس ماه جوانان

امسال نیزتب و تاب نام نویسی نونهالان درمدارس چون هرسال درخانواده های یهودی نیز وجود داشت. موانع نام نویسی در مدارس مخصوص اقلیت کلیمی ازسالهای گذشته کمتر بود و بجز در مدارس اتحاد (دوره راهنمایی پسران) مشکلی پیش نیامد.

درمورد مدارس اتحاد انتقال دوره راهنمایی پسران از مدرسه اتحاد به مدرسه روحی شاد باوجودیکه شرایط آن فراهم نبود از طرف منطقه ۱۲ آموزش و پرورش انجام گرفت و انجمن کلیمیان دلایل خود را عنوان نمود ولی متاسفانه توجه نشد.

وجودکنیسا در مدرسه اتحاد وسابقه طولانی این مدرسه بعنوان مدرسه کلیمیان ایران وآمادگی انجمن کلیمیان برای پرداخت بعضی هزینه های آموزشی از دلایل انجمن بود.

دبیرستان پسرانه اتحاد مخصوص اقلیت کلیمی همچنان درمحل مدرسه اتحاد دایراست .و از لحاظ سطح قبولی یکی از بهترین مدارس تهران میباشد، امیدواریم در سالهای آینده تعداد دانش آموزان مدارس اتحاد افزایش یابد و مدارس اتحاد ارزش و اهمیت گذشته خود را بدست آورد کارساختمانی و رنگ آمیزی مدارس دخترانه اتفاق بوسیله انجمن کلیمیان تهران کامل شده و متجاوز از ده میلیون ریال از صندوق انجمن کلیمیان تهران هزینه شده است.

درسایر مدارس از جمله راه دانش پسران - فخر دانش دختران و سایر مدارس مجموعاً پانزده میلیون ریال برای امور ساختمانی ورنگ آمیزی هزینه شده است.

توزیع جوایز بین دانش آموزان ممتاز همکیش

روزیکشنبه ۱۴ / ۶ / ۷۲ تالار محبان مملو ازشورو شعف محصلین کلیمی ممتاز و خانواده های آنها بود. بابتکار کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران متجاوز از سیصد دانش آموز ممتاز همکیش جوایز و تشویق نامه های خود را که از طرف هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران تدارک شده بود از دست رئیس انجمن کلیمیان تهران دریافت نمودند.

به ابتکار کمیته جوانان گروه هنرمندان یهودی تاتر وموسیقی سنتی بعد از توزیع جوایز اجراء نمودند.

لازم به یادآوری میدانیم که در سال گذشته سه گروه تاتری از بین جوانان تشکیل شده و برنامه های‌جالبی را در تالار محبان اجراء نموده‌اند. گروه تاتر شماره ۱ به سرپرستی آقای منوچهر آذری هنرمند محبوب وباسابقه یهودی.

گروه تاتری شماره ۲ به سرپرستی‌آقای مهران دانیالی در چهارچوب خانه جوانان یهود.

گروه تاتری شماره ۳ به سرپرستی آقای بهنام ریحانیان جوانان یهودی در اجرای برنامه های تاتر ازخود استعداد فراوان نشان داده‌اند .

مهدکودک های کلیمیان

اسم نویسی سال نو - مهدکودک های انجمن بانوان یهود ایران وابسته به انجمن کلیمیان تهران آغاز شده است .

مهدکودک یلدا یک (۱)

ومهدکودک یلدا دو (۲)

لازم به‌یادآوری است که مهدکودک‌یلدا یک بعنوان مهد کودک نمونه از طرف وزارت بهداری شناخته شده است .

پایان موفقیت آمیز کلاسهای تابستانی

امسال کلاسهای آموزش فرایض دینی‌با حضور حدود یکهزار نفر ازدانش‌آموزان مقاطع دبستان وراهنمایی در مناطق مختلف یهودی نشین تهران تشکیل گردید .

علاوه بر آموزش فرایض وزبان عبری دانش‌آموزان از برنامه های تفریحی تابستانی استفاده نموده‌اند .

نام نویسی دانش آموزان در کلاسهای تابستانی مجانی بوده است آقای مهندس منصور شبانی مسئول کمیته فرهنگی میباشد .

کتابخانه مرکزی کلیمیان ایران

احداث کتابخانه مرکزی کلیمیان ایران یکی ازآرزوهای جامعه کلیمیان بوده است از یک سال قبل هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران اقدام به آماده سازی قسمت ساختمان غربی مجتمع فرهنگی کلیمیان ایران (کورش) برای کتابخانه نمود .

اما تدارک کتاب بخش دیگر کار است دراین زمینه کتابهای موجود طبقه‌بندی‌شده و مقدار زیادی‌کتاب از بودجه انجمن کلیمیان تهران خریداری شده است .

آقای منوچهر کوهن عضو هیئت مدیره مسئولیت امورکتابخانه را بعهده دارند .

فعالیت ورزشی جوانان کلیمی در باشگاه گیبور

امسال جوانان کلیمی در تیم های مختلف برای خردسالان - نوجوانان و جوانان در مسابقات بین اقلیتهای دینی شرکت نمودند وموفقیتهای قابل تحسین بدست آوردند . واقعیت این است که محل باشگاه گیبور مناسب برای فعالیتهای ورزشی نیست وجوابگوی نیازهای جوانان ما نمیباشد . انجمن کلیمیان تهران سعی‌کرده است با اختصاص بودجه از محل های‌دیگر برای فعالیت ورزشی جوانان استفاده نماید .

رسیدگی به امور املاک و دارایی های غیر منقول جامعه کلیمیان

جامعه کلیمیان ایران تقریباً درتمام شهرهای ایران دارای املاکی است که تقویم وسرپرستی و در بعضی‌موارد تملیک قطعی آنها نیاز به سرمایه گذاری قابل توجه وپیگیری مستمر و گذشتن از مراحل مختلف و صبر و شکیبایی فراوان دارد . در طی سالهای اخیر رسیدگی به امور مستغلات ودریافت اجاره برای تامین هزینه های‌جاری انجمن از همین طریق تامین میگردد .

درمورد بعضی املاک که مورد تعرض قرار گرفته بود اقدامات قانونی بعمل‌آمده و در بسیاری ازموارد رفع تعرض شده و بعضی موارد دیگر در جریان رسیدگی است . لازم به یادآوری میدانیم طی سالهای اخیر هیچیک از املاک انجمن کلیمیان فروش قطعی نشده است .

آقای مهندس موریس معتمد مسئول کمیته املاک وآقای صیون اوریل (کرامت) عضوکمیته وکارشناس املاک انجمن‌کلیمیان تهران میباشند .

کشتارکاشر و بهداشتی ومشکل کشتارگاه دامی‌انجمن‌کلیمیان تهران

متجاوز از ۵ سال است‌کار ساختمان کشتارگاه کاشر ازطرف انجمن کلیمیان تهران شروع شده و نزدیک یک‌سال است تعهدات انجمن کامل شده از لحاظ ساختمانی کشتارگاه آماده بهره برداری است . فاز دوم‌کار تامین آب وبرق و فاضلاب کشتارگاه‌کاشر بوده است‌که در تعهد سازمان گوشت کشور بوده است که بدلیل تغییرات فراوان در نظام سازمان گوشت این تعهد تاکنون انجام نگرفته است . هفته گذشته با ابتکار سازمان دامپزشکی و وزارت جهاد سازندگی جلسه‌ای در سازمان دامپزشکی با حضور نمایندگان انجمن کلیمیان تهران تشکیل شد نتیجه اینکه اولا قرار شد از همین هفته کشتار کاشر زیر نظارت دامپزشکان سازمان قرار گیرد و در محلی که سازمان گوشت کشور و سازمان دامپزشکی معرفی مینمایند کشتار کاشر انجام‌شود تا خانواده ها نگرانی گوشت غیر بهداشتی را نداشته و ضمناً اصول کشروت نیزرعایت گردد . در زمینه تکمیل پرونده کشتارگاه نمایندگان سازمان در صورت جلسه تنظیمی قبول نمودند


بعضی از سنتها دیرتر ازبین میروند
...خداراشکر
کمک به نیازمندان یک سنت زیبای یهودیست.
غرور یک خانواده نبایستی بخاطر احتیاج به غذا نابود شود.
ما کمک های غذایی و یا اعانه مالی‌تان رابصورت غذا به خانواده های نیازمند میرسانیم.
اگر خانواده نیازمندی را می شناسید به ما معرفی کنید تا به صورت بسیار محرمانه به آنان رسیدگی شود.
سازمان سیامک
(۸۱۸)۵۰۳ - ۱۲۷۰

که تعهدات سازمان گوشت را انجام داده و طی ماههای آینده کشتارگاه مورد بهره برداری قرار گیرد که امیدواریم این بار وعده ها عمل گردد.

آقای دکتر جهانگیر جواهری مسئولیت امور گوشت وکشتارگاه را بعهده گرفته‌اند.

کمیته تعاون و اموراجتماعی در خدمت همکیشان

روزهای‌چهارشنبه ازساعت ۵ بعدازظهر جلسه کمیته تعاون و امور اجتماعی در محل انجمن کلیمیان تهران تشکیل میشود و به نیازهای مراجعین رسیدگی نموده و اتخاذ تصمیم و کمک مینماید.

درزمینه اختلافات خانوادگی کمیته بصورت مشاور و ریش سفید توصیه میکند و سعی دارد حتی الامکان بعضی اختلافات را در همین مرحله حل و فصل نماید و ازهم پاشیدگی خانواده ها جلوگیری‌کند.

کمیته هزینه های افراد بی سرپرست و درمانده را تاآنجاکه امکانات اجازه میدهد رفع نموده و به افراد وخانواده ها کمک های مالی مستمر مینماید. درزمینه اسکان دادن افراد بی بضاعت و درمانده کمیته تعاون محلی را راساً اداره مینماید و تعدادی از همکیشان ما دراین محل سکونت دارند. مسئول کمیته تعاون آقای یعقوب برخوردار میباشند.

دیوارکشی بهشتیه و مشکلات موجود

یکی ازموفقیت های دوره کنونی انجمن کلیمیان تهران دیوارکشی بهشتیه میباشد.

لازم به یادآوری میدانیم اگر توافق درمورد دیوارکشی بهشتیه و ادامه کار دراین محل حاصل نمیشد، محل پیشنهادی برای بهشتیه کیلومتر ۱۴ جاده قم - تهران بود که دردسر بزرگی برای جامعه کلیمیان تهران بوجود میاورد که بحمدالله این مشکل حل شد.

ولی خدمات بهشتیه همچنان مشکل بزرگ است و غسال مرد وزن نداریم. مسئول کمیته بهشتیه جناب آقای آقاجان شادی هستند

صدای اسرائیل

با فرا رسیدن پاییز، ازپنجم سپتامبر در اسرائیل وقت زمستانی بر قرار میگردد و موعد پخش برنامه فارسی رادیو اسرائیل بوقت گرینویچ ساعت ۳ بعدازظهر خواهد بود. درکشورهایی که درآنجا نیز ساعت زمستانی برقرار میشود، ساعت پخش برنامه ما تغییری نخواهد کرد (اروپای غربی: ۴ بعدازظهر، بریتانیا: ۳ بعدازظهر، شرق آمریکای شمالی: ۱۰ بامداد، غرب آمریکای شمالی: ۷ بامداد).

ازپنج سپتامبر تا ششم ماه مارس ۱۹۹۴ طول موج فرستنده های ما از این قرار خواهد بود:

غرب اروپا و شمال امریکا ۲۶ متر برابر ۱۱۵۸۷ کیلو هرتس

برای تماس با رادیو علاوه بر ارسال نامه میتوانید از این شماره های تلفن و فکس نیز استفاده کنید:

شماره تلفن (فقط در سه ساعت پیش از پخش برنامه) ۳۰۲۴۲۰ - ۲ - ۹۷۲

شماره فکس (درتمام ساعات) ۲۵۳۲۸۲ - ۹۷۲۲

رویدادهای سازمانهای دیگر

روز ۴ دسامبر، JEWISH NATIONAL FUND قسمت ولی در شام سالیانه حنوکای خود به بزرگداشت **مجتمع فرهنگی ارتص** (کنیسای ویلبر) می نشیند. جایزه مکابی این موسسه به خاطر حمایت بی دریغ مجتمع فرهنگی ارتص ازکشور اسرائیل به اعضای آن اعطاء خواهد شد.

سازمان سیامک این انتخاب شایسته را به هیئت مدیره مجتمع فرهنگی ارتص تبریک میگوید.

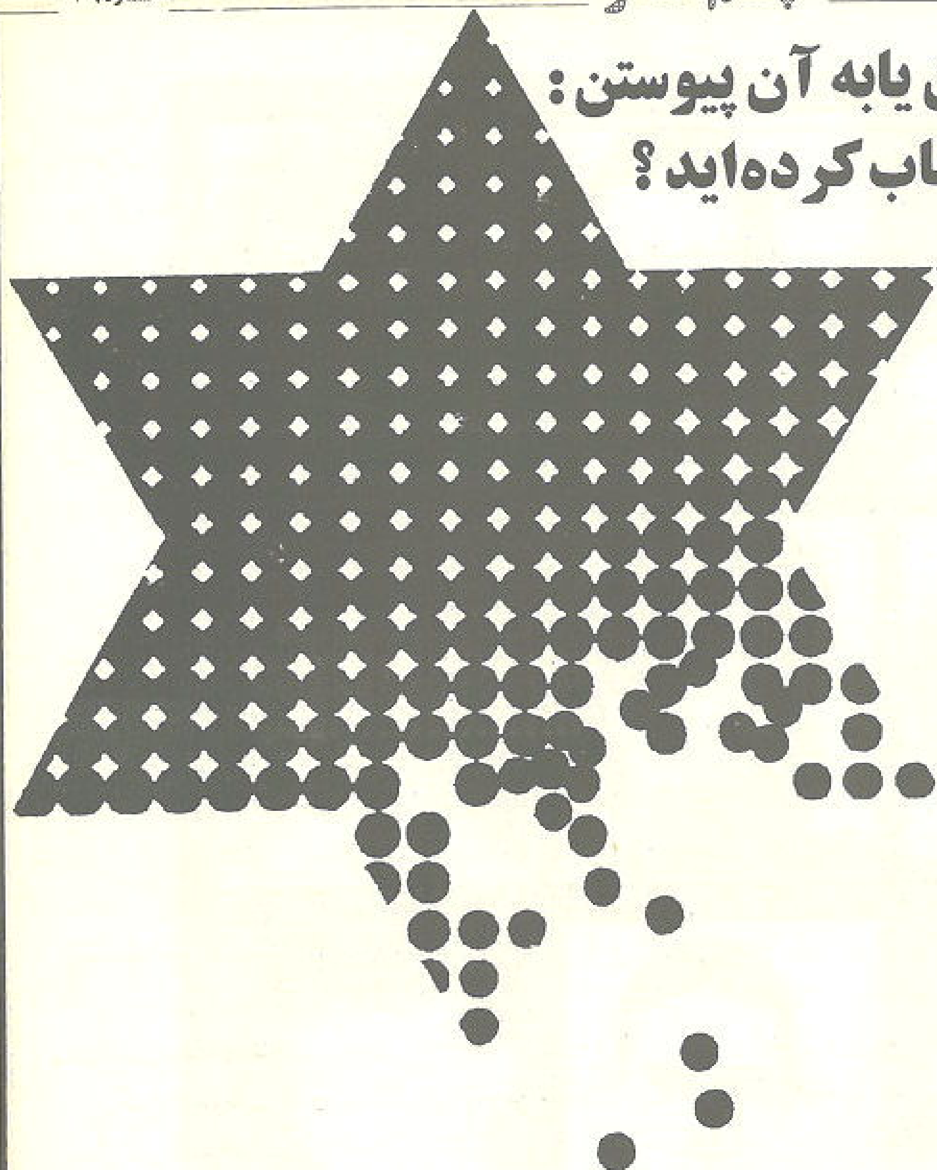
*****

آکادمی عبری تورت حنیم که به سرپرستی **ربای داوید زرگری** و افراد فداکار دیگری در راه دانش یهودی و آینده فرزندان یهودی دل می سوزانند، روز یکشنبه ۵ دسامبر اقدام به برگزاری یک TELETHON تلویزیونی برای جمع آوری پول برای خرید ساختمان همجوار مدرسه و افزایش مساحت فعلی خود کرده است. ربای داوید زرگری از فرزندان بسیار شایسته جامعه یهودی ایرانی است که خدمات آموزشی و فرهنگی بی شائبه، مقدس و خالصانه‌اش زبانزد جامعه میباشد.

اعضاء سازمان سیامک دراین راه مقدس با پرداخت ۳۰۰۰

بقیه در صفحه 84

یهودیت را رها کردن یا به آن پیوستن:
شما کدام را انتخاب کرده‌اید؟



گریز یا بی تفاوتی بامیزان وحشتناکی جامعه ما راچون موریانه از درون میخورد.
نسل جوان و نوجوانان ما یهودی بار نمی‌آیند. نسلی دارد درمقابل چشمان ما ناپدید می شود.

راه حل چیست؟

امروز بیش از همیشه ازشما میخواهیم یهودیت را جستجو کنید. به سازمانهای دلخواه خود بپیوندید. از هالاکاستی دیگر جلوگیری کنید.

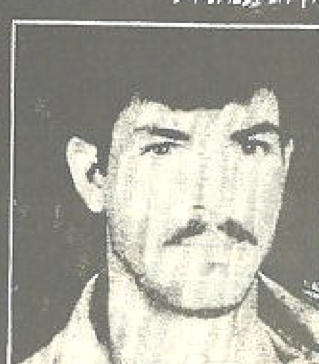
سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا
«سیامک»

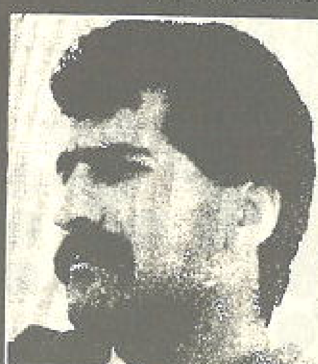
הקורבנות


סרן חגי עמית ז"ל


סמ"ר אודי זמיר ז"ל


רס"ל שלום צברי ז"ל


סמ"ר איברהים אל שאבל


סמל ווּפא אסעד


סמל מֹאפק אבו שייח


סמל אריק ארפי ז"ל


סמל יוסי שבתאי ז"ל


שמואל גרש ז"ל

ביצע את הפיגועים ממארב

המבוקש עימאד עקאל, שחוסל אתמול, עמד מאחרי רצח 11 חיילים של צה"ל בשנתיים האחרונות. בכל הפיגועים שבהם מדובר הופתעו החיילים, ונורו למוות מטווח קצר.

הוא נחשד, שביצע את הפיגועים בשיטת המארבים, בעיקר נגד ג'יפ־סיור של צה"ל. כן נחשד ברצח אזרח ישראלי באיזור חברון, וברצח ארבעה פלשתינים שנחשדו בשיתוף־פעולה.

• ב־17 בדצמבר 92', בשעה 05.30, התחזה עקאל כפועל, ויחד עם מבוקשים נוספים נסע במכונית פז'ו, בכביש עוקף עזה. סמוך לשכונת סג'עייה, הם עקפו ג'יפ של צה"ל ופתחו באש מנשק אוטומטי לעבר החיילים שנסעו בו. מהירי נהרגו שלושה חיילי צה"ל: סרן חגי עמית, סמ"ר אודי זמיר ורס"ל שלום צברי ז"ל.

• ב־30 בינואר 93', ירה עקאל בג'יפ צבאי ליד הישוב גני טל והרג את סמל אריק ארפי משדרות ואת הגשש הבדואי, מוחמד עטאללה.

• במארס 93' ארב עם מחבלים נוספים לכוח צה"ל שנע במחנה־הפליטים ג'יבלייה. כשעבר הכוח בסמוך להם, הם ירו לעברו מטווח קרוב והרגו את סמל יוסי שבתאי מאשדוד.

• ב־12 בספטמבר 93' הציב מארב בפאתי שכונת זיתון בעזה, ותקף ג'יפ של צה"ל והרג את סמ"ר איברהים אל שאבל, סמל ווּפא אסעד וסמל מואפק אבו שיית.

• היה מעורב ברצח שני חיילי צה"ל באיזור חברון.

• הוא נחשד ברצח שמואל גרש ז"ל, באיזור חברון.

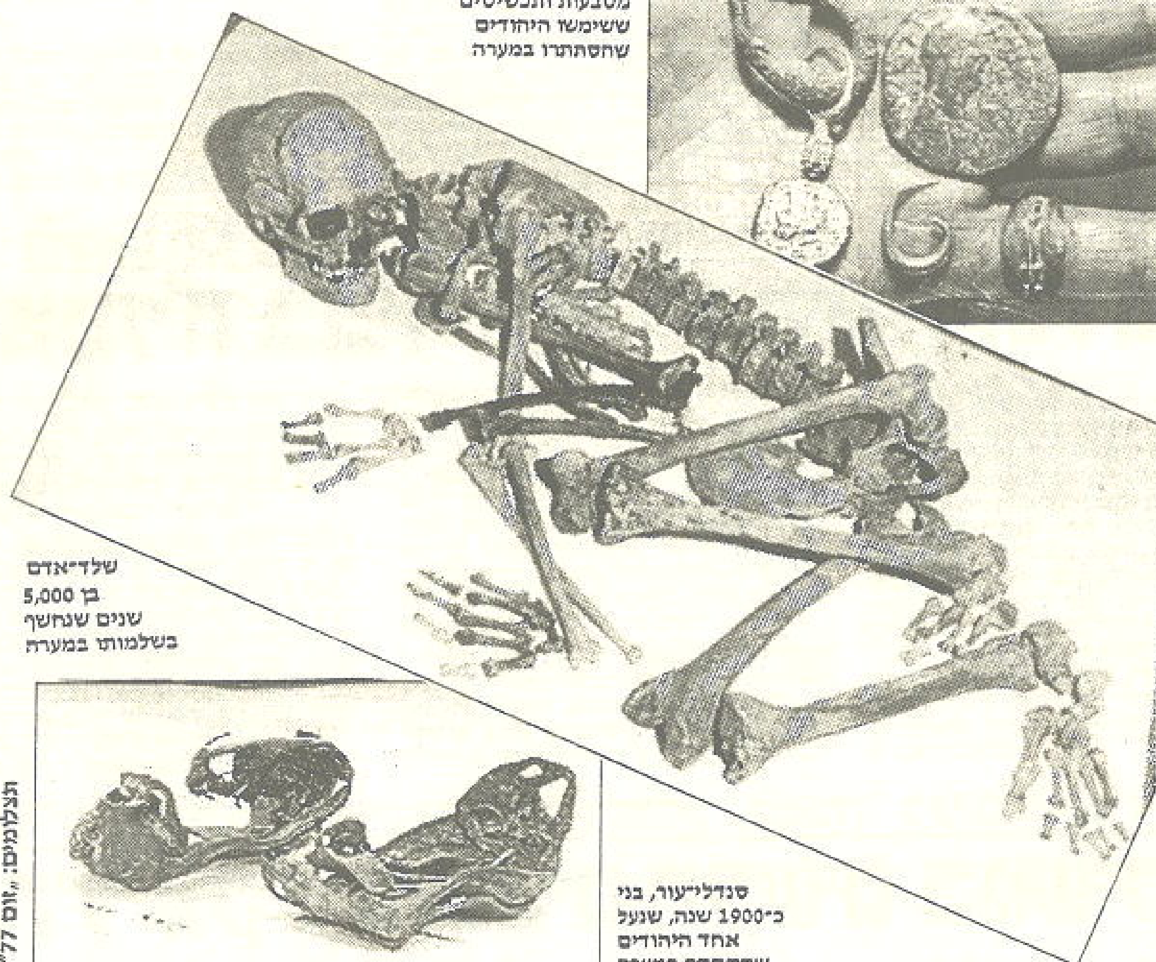
• הוא נחשד ברצח ארבעה פלשתינים שנחשדו בסיוע בישראל.

השעות האחרונות של יהודי יריחו בשנת 68 לספירה

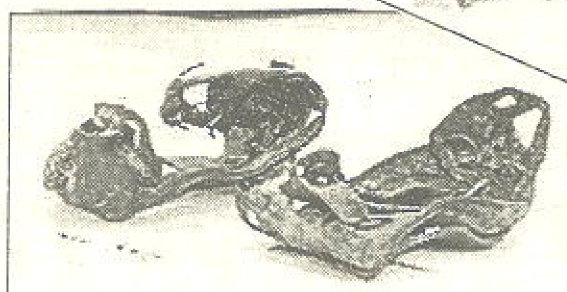
במערה ליד יריחו נחשפו מימצאים ארכיאולוגיים מדהימים, השופכים אור על חיי אותם יהודים שברחו מירושלים בתקופת המרד הגדול, ונהרגו בכידוני החיילים הרומיים



מטבעות ותכשיטים ששימשו היהודים שהסתתרו במערה



שלד־אדם בן 5,000 שנים שנחשף בשלמותו במערה



סנדלי־עור, בני כ־1900 שנה, שנעל אחד היהודים שהסתתר במערה

צלומים: „זום 77"

מימצאים ארכיאולוגיים מדהימים, שנחשפו במערה מעל יריחו, מספקים עדויות מרגשות על רגעיהם האחרו־נים של יהודי יריחו, שנמלטו מהצבא הרומי שנשלח בש־נת 68 לספירה לדכא את המרד הגדול שפרץ בירושלים.

המימצאים תואמים את דברי יוסף בן־מתתיהו, שתי־אר בספרו „מלחמות היהודים" את בריחתם של יהודי יריחו למערות, ואת רגעיהם האחרונים.

המערה נחפרה במסגרת מבצע „מגילה" של רשות הע־תיקות, לגילוי עתיקות במדבר יהודה לפני שהשטח עובר לרשות האוטונומית. היא כוללת חדר מרכזי, שממנו מס־תעפים 6 חדרים חצובים בסלע, ומרפסת על שפת הצוק המשקיף ליריחו.

במקום נתגלה שריד של טלית, בגודל 10 על 15 ס"מ, וצבועה ארגמן כמקובל באותה תקופה; מטבע מהשנה השנייה למרד הגדול; שברי־חרסים כתובים עברית; כלי־איפור וכחל לאיפור, המעידים על כך שבמערה שהו גם נשים; ומסרק מעץ שבין שיניו ביצי־כינים.

על מותם של בני־המשפחה שהתחבאו במערה, אפשר ללמוד מקשקשי־מתכת שהתגלה במקום - שריד לשריון־הקשקשים של החיילים הרומיים שהגיעו למערה והרגו את יושביה. במערה גם נתגלה אחד מראשי־החץ שהרו־מים ירו לתוך המערה. במערות סמוכות נמצאו אוצרות־מטבעות מימי בית ראשון, וכן שלד שלם של לוחם בן 5,000 שנה, ולידו קשת וחיצים.

יצחק בר־יוסף

אין התקדמות בשיחות קהיר • ראש הממשלה לא אופטימי:

„ה־13 בדצמבר – לא תאריך קדוש"

– מאת נחמה דואק ואריה קיזל, כתבי „ידיעות אחרונות" –

„ה־13 בדצמבר איננו תאריך קדוש" – כך אמר אתמול ראש הממשלה, יצחק רבין, בהתייחסו לתאריך היעד ליישום הסכם האוטונומיה.

בדיון בוועדה המדינית של מפלגת העבודה אמר רבין, כי יתכן שהמו"מ עם הפלשתינים יתארך קצת מעבר לתאריך זה, וכי חשוב שנגיע להבהרה מוחלטת בנושאים הקשורים בביטחון ובהתיישבות.

באשר למו"מ עם סוריה אמר ראש הממשלה: „גם היום סוריה רוצה שלום מלא, מבלי לפרט מהו, תמורת המחיר שמצרים קיבלה. מי שיגיד לכם שסוריה דורשת היום פחות מאשר דרשה בעבר, אני מציע לא להאמין לו". עוד אמר, כי הוא מקווה שבעתיד, אם כי לא בקרוב, ייחתם הסכם עם ירדן, „ואני מדבר על חוזה שלום".

שיחות קהיר חל אתמול משבר: משלחות ישראל ואש"ף לא הגיעו להסכמה בנוגע למספר נקודות מרכזיות, ובהן השליטה על המעברים ברפיח, התנועה של צה"ל על צירי תנועה וכן שאלת שיחרור העצירים והאסירים הפלשתינים. כמו כן, קיימת מחלוקת לגבי גודל השטח שיינתן לפלשתינים באיזור יריחו.

ראש המשלחת הפלשתינית, ד"ר נביל שעת', עזב אתמול את השיחות בקהיר והצטרף אל יאסר ערפאת, העושה עתה באירופה. קודם צאתו לאירופה, אמר שעת' לעיתונאים: „אם לא יסוכמו הנקודות הללו – לא נוכל לחתום על הסכם הגניסה עד ה־13 בדצמבר. אנו מצפים להגמשה ישראלית כדי שנוכל להתקדם".

גורמים ישראליים המקורבים למו"מ אמרו אתמול, כי חשו שאנשי אש"ף היו בלחץ בשבוע האחרון. אחד הגורמים ללחץ היה ההפסד של התומכי השלום בבחירות לאגודת הסטודנטים באוניברסיטת ביר־זית.

החמאס חגג את ניצחונו בשריפת מכוניתו של נשיא האוניברסיטה

המפלה בביר־זית הדהימה את טונים

– מאת רוני שקד, כתב „ידיעות אחרונות" –

אכזבה בקרב פעילי הפת"ח בשטחים ובטונים מהמפלה הקשה אותה ספגו בבחירות לאוניברסיטת ביר־זית ומניצחונה המוחץ של קואליציית מתנגדי השלום.

ראשי הפת"ח בשטחים קראו אתמול לעריכת חשבון־נפש. בביר־זית כילו חברי הפת"ח את זעמם בנסיון לשרוף את מכוניתו של נשיא האוניברסיטה ובגרימת נזק לריהוט חדר מועצת התלמידים. הנהלת האוניברסיטה שקלה אתמול בבוקר שלא לחדש את הלימודים בשל המתח שהשתרר בעקבות הבחירות, אבל בסופו של דבר, לאחר הודעת גינוי של חברי הפת"ח לשריפת המכונית, הוחלט לחדש את הלימודים.

ראשי אירגון הפת"ח בטונים ובשטחים קיימו אתמול דיונים והערכות על השפעת תוצאות הבחירות בביר־זית. ההערכה היא, כי לטווח הארוך לא תהיינה לבחירות השפעה על תהליך השלום.

תוצאות הבחירות דווחו שלשום למפקדת אש"ף בטונים, דקות ספורות לאחר שהתקבלו. עוזרו של ערפאת לענייני השטחים, ג'בריל ארג'וב, שקיבל את שיחת הטלפון מביר־זית, התקשה לדבר. בטונים, כמו בשטחים, היתה אכזבה מהכישלון הפוליטי הצורב וחשש מהשפעת הבחירות על הלך הרוח בשטחים.

בקמפוס של ביר־זית – האוניברסיטה החשובה בשטחים – ליקקו אתמול אנשי הפת"ח את הפצעים. הם האשימו את הנהלת האוניברסיטה ובמיוחד את נשיא האונברסיטה על שלא התיר ל־43 תלמידים, שחלקם תלמידים מחו"ל וחלקם תלמידי מכינה, להשתתף בבחירות.

לעומתם, אנשי החמאס צהלו ושמחו. הצלחתם של מתנגדי השלום בבחירות היתה מוחצת: רשימת „ירושלים תחילה" – קואליציה של אירגוני השמאל והאירגונים האיסלאמיים הקיצוניים – זכתה בכל תשעת מושבי מועצת התלמידים, שמאז שנת 1981 היתה מעוז של הפת"ח.

נשיא אוניברסיטת ביר זית, ד"ר חנא נאצר, בעצמו פעיל פת"ח, שגורש בתחילת שנות השבעים והוחזר לשטחים לפני כמה חודשים, הזדרז להכריז, כי „הבחירות הן הוכחה לדמוקרטיה".

סגן יו"ר המשלחת הפלשתינית, דר' סאיב עריקאת, אמר כי „התוצאות התקבלו בדרך דמוקרטית ויש לכבד אותם". להערכתו, ההשפעה של תוצאות הבחירות לא יגלשו אל מעבר לתחומי האוניברסיטה.

בצה"ל מנסים למצוא ייעוד חדש ליחידת „שמשון" בעקבות הפינוי מעזה

צה"ל מקים מאחזים חדשים בגוש־קטיף

– מאת אריה קיזל, כתבנו הצבאי, ודוד רגב, כתב „ידיעות אחרונות" –

צה"ל החל השבוע בבנייתם של מאחזים חדשים ברצועת עזה. הקמתם של שני מאחזים החלה השבוע בגוש־קטיף.

איתן הדרי, רכז הביטחון של גני־טל, אמר אתמול: „השבוע עסקנו עם מפקד בכיר בשטח בסימון המקומות שבהם יוצבו המוצבים והתצפיות בין האזיינונס לגוש קטיף. חלק מהמוצבים – בגני־טל ובנצר־חזני – כבר החלו להיבנות".

צוותים של צה"ל החלו באחרונה בגיבוש דרכי פעולה חדשות ליחידת המסתערבים „שמשון", הפועלת ברצועת עזה. הצוותים מנסים למצוא ייעודים חדשים ליחידה, לאחר הפינוי.

נודע, כי אחת היחידות הראשונות שתפונה מרצועת עזה תהיה יחידת הפרקליטות הצבאית ובית־הדין הצבאי של עזה. היחידה תפוזר בין יחידות הפרקליטות האחרות בארץ וביהודה ושומרון.

שר המשטרה, משה שחל, אמר אתמול, כי המשטרה תעביר באופן מסודר לידי הפלשתינים את בית הכלא המרכזי של עזה, ובתוכו 300 אסירים פליליים. בניין הכלא, הנמצא בלב העיר, יפונה החל מסוף החודש הבא.

גורם בשירות בתי־הסוהר מסר, כי מן הבניין יפורקו כל הדברים הניתנים לפירוק. הסוהרים הישראלים ישובצו לעבודה בבתי הכלא ברחבי הארץ, אך ממשכורתם תנוכה תוספת השדה, שניתנה לסוהרים העובדים ברצועה.

הגורם העריך, כי לא ישתנה אופיו של בניין הכלא המרכזי, בו כלואים כיום מאות אסירים. הוא ישמש ככלא המרכזי של הפלשתינים ברצועת עזה.

הגורם העריך, כי גם בניינים סמוכים, בהם בנייני המנהל האזרחי ומפקדת כוחות צה"ל ברצועה, יועברו לידי הפלשתינים לאחר שיילקחו מהם פריטים שונים.

The busy synagogue is now serving the Persian-Jewish community of Beverly-Fairfax with a daily Minyan, Shabbat and on holidays, including many celebrations of Simchot. Under the presidency of Rachamin Alyishmerni. This house of worship is maintaining a steady growth and providing vital services to the vibrant Persian-Jewish community. A large sign in Farsi announces its presence to one and all.

His wife Miriam who also graduated UCLA and USC recently, acquired her doctorate in Clinical Psychology. She has taught Psychology at Fairfax Adult School for 20 years.

The Huttler children followed in the footsteps of their parents by acquiring intense and comprehensive Jewish religious educations. Shlomo, their oldest son, graduated from and was ordained at Yeshiva University. He later graduated Columbia University Law School in New York. He is presently practicing at the law firm of Shearman Sterling in New York City. Joseph, their second son also studied for the Rabbinate at Y.U. and is presently an assistant district attorney in Brooklyn, New York. The Huttler's daughter, Michal, a graduate of Bais Yaakov Religious High School of Denver, Colorado and Touro College of New York City, is married to Mr. David Silver of Denver, Colorado.

About 5 years ago, Rabbi Huttler became aware that emigre children from Iran, Russia, Israel and Morocco, etc. could not pay the tuition required to attend Jewish religious day schools. Neither, for that matter, could poor Americans. He, therefore, assumed the tremendously difficult challenge of establishing and maintaining a religious Jewish school catering to these children.

Though he feels tremendously rewarded for seeing the great success he has had in educating these children, in his personal life the Rabbi feels a great strain. He works day and night and has difficulty sleeping because of his worry of keeping this Yeshiva alive.

Last year he had to undergo cancer surgery and would not be operated on until the payroll for the school was met. Although he does the major fundraising himself, he does not draw any salary from the school. All he desires is for the school to survive and that the children in his school continue to have the opportunity to stay and receive the finest Jewish religious and secular education. He keeps praying to GOD that people in the Jewish community would realize how important this school is, and help support this institution. Otherwise most of the students would end up not having a Jewish education. The Rabbi's greatest fear is that these children could lose their Jewish identity and would GOD forbid totally assimilate.

Therefore, a gala tribute dinner in his honor in order to raise much needed funds in order to keep the Yeshiva open. The dinner is being held on January 9, 1994 at the Sheraton Grande Hotel, Los Angeles.

Judaizing Church And State

The modern Jewish propensity towards voluntaryism, pluralism, nondogmatic rituals/celebrations, and especially, orientation to ethics and ideals and universalizing them — my affidavit in behalf of Chabad, for example — makes them appear "American." This gives the impression, knowingly or unknowingly , that Jewishness and Americanism are compatible if not, for some, synonymous.

We have thus come full circle around the wall of separation. Where Jews stand, inside or outside, closing or widening the aperture, reflects how we individually perceive the Americanization of Jewish values — for some, an enlightenment and for others, an endarkenment.

Saving An Institution To Save Souls:

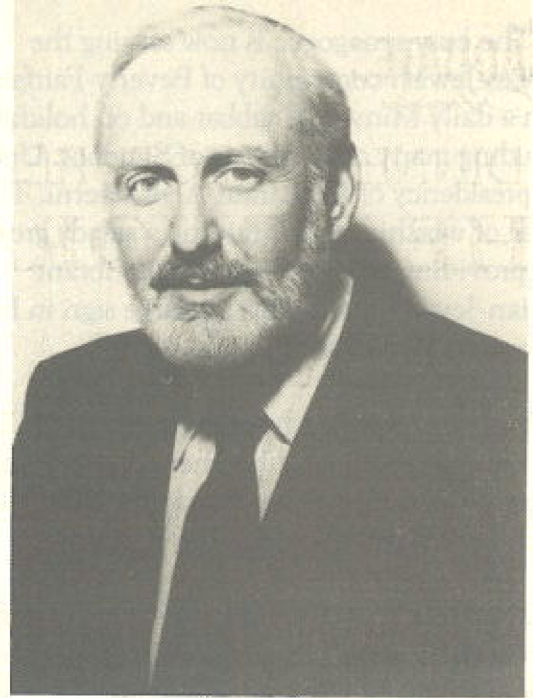
The Story of Rabbi Huttler and his Help to the Persian Community

We are presently pleased to see many of our young Jews return to observing Judaism, and we hope that this trend continues to grow. Since the Jewish religion can only survive when the younger generations follow the ways of their religious ancestors, we are excited by this development.

Several decades ago, in the 40's and 50's when Rabbi Rubin Huttler was growing up in Brooklyn, New York, he saw many of his peers abandon the Orthodox Jewish lifestyle of their parents and grandparents. But the Rabbi was different. He loved to learn and observe Jewish ritual. Later on, he decided to influence people around him to return to their religion. He has spent much of his life educating Jewish children and adults and now as Rabbi of Etz Jacob Congregation in Los Angeles, and Dean of Etz Jacob Hebrew Academy, he is dedicating his life to the survival of Judaism through Jewish education.

He attended the famous Jewish academies of Yeshiva Torah V'Daat in Brooklyn and Yeshiva University in New York City. He was an outstanding Talmudic student and received numerous awards. He studied for the Rabbinate and was later ordained in Israel by the Chief Rabbi, Rabbi Ovadiah Yosef.

Rabbi Huttler also became aware, that to succeed in the world, a quality secular education was important. First he acquired a B.A., from Yeshiva. Next, he attended Columbia University Graduate School and later attained a



Masters degree from UCLA. He later taught there and received a special certificate for teaching English as a second language from UCLA. The Rabbi continued his studies at USC, (University of Southern California) where he acquired his Ph.D. in 1978.

Even though being a Rabbi and Jewish educator was his primary focus, he nevertheless managed to teach at various colleges and universities in Los Angeles and Israel. Dr. Huttler taught English at UCLA and at Bar Ilan University in Ramat Gan in Israel. He was also chairman of the Hebrew Department at Los Angeles City College and taught English at Santa Monica City College and Santa Ana City College. Presently he teaches at East Los Angeles City College.

About 6 years ago, Rabbi Huttler was approached to provide a facility for a Persian Minyan, in the Etz Jacob Congregation Building. Overcoming resistance from various quarters of his own constituency, he was instrumental in establishing the beautiful house of worship now in existance on the second floor.

cultural Zionist ideologue, Ahad Ha'am (1865-1927), among others, to assimilate alien elements which threaten Jewish group existence and to utilize them for the enrichment of Jewish culture, continues well in this country now that the fourth generation is at the realm. Still, it is questionable whether models of Jewish commitment can secure Jewish identity for assimilated Jews (a substantial majority) who lack both Jewish faith and memory. Will American Jewish staying power last in the 21st century in light of the alarming statistics of fall-away Jews and below Zero Population Growth (ZPG) figures?

Ironically, deep-seated Jewish insecurity about the gentile environment comes to the surface whenever Jews voluntarily choose exogamy — i.e., marriage outside of the same kinship group as required by custom, law or lore. At Christmas time, the Jewish partner will say, "Have I gone over to the majority culture by permitting my non-Jewish spouse's Christian Tree in our abode?" He or she will then proceed to light Chanukah lights, which he or she hasn't done for years — or intentionally conduct a seder (Passover meal) during the Easter season.

Assimilated Jews of mixed marriages may adopt the philosophy, what is good for the goose is good for gander — "if we are going to have Christmas, we are going to have Chanukah." They may well start to light candles for their young children, and decorate their house in blue and white, in order to counter the influence of the Christmas Tree in the living room and Christmas decorations outside the house.

Cont. page 67

natural manner; but no dogmas, no saving truths, no general self-evident propositions. Those, the Lord always reveals to us, the same as to the rest of mankind, by nature and by events; but never in spoken or written words (of revelation).

(*Jerusalem*, trans. M.Smuels (London, 1838), Vol. I, P. 89)

In the 18th century, Mendelssohn perceptively saw the gate of emancipation open slightly and his philosophical apology for Judaism contributed to the civil emancipation of the Jews in Germany and elsewhere.

Enlightenment and Emancipation brought a radical departure from traditional thought patterns and aspirations. Emancipation destroyed the authority of the Jewish community, and Enlightenment offered ideological justification of surrendering the authority of Jewish tradition.

The organic relationship of God-Torah-Israel (religion, culture, peoplehood) was now challenged by reason and equalitarianism. Count Clermont Tonnere's declaration to the French National Assembly in 1791: "To the Jew as an individual — everything; to the Jew as a nation — nothing," and the positions adopted by the French Great Sanhedrin in February 1807, though bestowing equal civil rights upon Jews, began the process of redefining Jewish doctrines and values.

Unlike the national-religious identifying Jews in the Arab world and in Eastern Europe, Jews of the West now saw themselves as nationals of their countries of citizenship and worshippers in the "Mosaic Faith." However, what Jews as individuals may have gained by Emancipation, Jews as a group lost. By leaving the ghetto and attaining the status of citizens, the Western Jews loosened the bounds of Jewish group identity which in many cases led to assimilation.

All modern varieties of Judaism react to a greater or lesser degree to Emancipation. The influence is greater in America where, unlike Western Europe, little pre-Emancipation Jewish bias had to be overcome. The triumph of American constitutionalism and its emphasis on pluralism and moralism welcomed Jews as full participants into a society of secularism and freedom of religious interpretation.

This may well explain the tradition of Jewish liberalism in America, which is said to be rooted in the unique historical conditions of Jews in Europe after the French revolution and Emancipation. According to sociologist Chaim I. Waxman's *American Jews in Transition* (Temple University Press, 1983), the French Revolution brought about a division in European politics, Left and Right. The Left argued for citizenship based solely upon commitment to state and nation, regardless of religious affiliation. the Right insisted on nationality and religion, which registers in practical terms, citizenship and state must be Christian.

It stands to reason why Jews were attracted to the Left, but as Waxman correctly observes, only the moderate left, because the "radical left, which clung to its revolutionary ideology and demanded total commitment to it," is as threatening to Jewish self-definition as are the parties to the Right.

Indeed, the voting habits of American Jews reflect support of moderate left, liberal causes and candidates (e.g., FDR, HST, LBJ and JFK) and an equally high rejection of extreme left ideologues and positions (e.g., Jesse Jackson's Rainbow Coalition).

The Jewish ability noted by he well-known

Israel.

The Menorah began as a pagan symbol of light in this season of darkness approaching the winter solstice. Only much later in the history of the Jewish people did the Menorah take on any sort of religious significance. Today, the Menorah functions as both a religious and a national symbol, as well as a symbol of the December holiday season.

This evolution of the Menorah as symbol is identical to process undergone by the Christmas tree, which began as a pagan symbol, took on religious significance as pagan groups were Christianized, and has become a symbol of the festiveness of this holiday season as celebrated in the United States and around the world.

I concluded, the dominant characteristic of the Menorah is its use as a national symbol and as a symbol of the celebration of the holiday of Chanukah. The religious significance of the Menorah is secondary.

The court agreed: public (governmental) Christmas Trees and not creche, Menorahs and not candle lighting are permissible in the American Civil Religion.

Two hundred plus years ago, Moses Mendelssohn (1729-1786), the central personality of the German Jewish Enlightenment, published his two volume collection, *Jerusalem* (Berlin, 1783). The work presents the first attempt at a philosophy of Judaism in the modern period. Additionally, this volume stands as a classical statement from a Jewish perspective on the separation of Church and State, and the advocacy that neither Religion nor Republic is authorized to coerce the consciousness of man which is rooted in universal natural law.

Mendelssohn observed: "True divine religion arrogates to itself no power over opinions and judgments ... it knows only the power to win over by arguments, to persuade and create felicity by persuasion. True divine religion need employ neither arms nor fingers by which to take hold of believers. It is all mind and heart."

Similarly, he spoke out against ecclesiastical excommunication (herem, in Hebrew), which not be barred from participation in religious devotions, he opined, "Reason's house of worship has no need of locked doors. It does not have to guard anything inside nor does it have to prevent any one from entering."

Mendelssohn's position that true, divine religion is not in conflict with pure reason helped transformed the conception of Judaism held by many gentiles in the Age of Enlightenment as a religion of ecclesiastical power, salvation, mysticism, and theology to one of reason, synonymous with natural religion.

Further, he posited three articles of faith (God, immortality, providence) proven by reason in the same way postulates of mathematics can be shown and he insisted that the voice at Sinai uttered divine deeds and not creeds, and such legislation having as its purpose the preservation of the Jewish ethnic group, so that it might fulfill its priestly mission (cf., for example, Genesis 17 and Exodus 19 and 20) to the nations of the world.

I believe that Judaism knows nothing of a revealed religion, in the sense in which it is taken by Christians. The Israelites have a divine legislation: laws, commandments, statutes, rules of life, instruction in the will of God, and lessons how to conduct themselves in order to attain temporal and spiritual happiness: those laws, commandments, etc., were revealed to them by Moses, in a miraculous and super-

Judaizing Church And State

By Zev Garber



The wall of separation between Church and State was seriously breached at the Republican National Convention held in August 1992 at Houston. Conservative evangelicals, who numbered more than 40% of the convention delegates, managed to play hard ball at the Astrodome. By doing so, ol' King George was nailed to the wall by the king's men Buchanan, Falwell and Robertson, and a clarion call went out to all: "Save the soul of America." When the dust settled, exclusionary politics emerged: family and religious values and opposition to gay rights and pro-choice rights. Clearly a victory for the Christian Right.

America's commitment to democracy, constitutional law, and natural rights has developed in the shadow of the Church and State doctrine: freedom of religion and freedom from religion. But the divide between the Republic and the Ecclesia is not constitutionally clear-cut (allegiance to the flag "under God"; Holy Scriptures and clerical invocations at executive, legislative and judiciary proceedings of both federal and state governments; "in God we trust" on our currency, and other examples) nor, for many religious folk, desirable.

Several years ago, I presented a declaration before the superior Court of the State of California for the county of Los Angeles in behalf of the attorneys for Friends of Lubavitch, Inc., in which I expressed my opposition to a restraining order from the American Civil Liberties Union (ACLU) prohibiting a public Menorah display.

I said that neither the Menorah, nor the holiday of Chanukah which the Menorah symbolizes, are primarily or originally religious in nature. Historically, Chanukah is a holiday of the national liberation of the Jewish people, commemorating a successful revolution against oppression. As a result of this liberation, led by Judah Maccabee, Jewish sovereignty was restored over the land of Israel.

The holiday of Chanukah, then, and the Menorah which it symbolizes, have among their origins the action of an ethnic community to assert its group identification. The importance of Chanukah for the Jews has always been in large part its emphasis on the triumph of the few against the many, the individual against the stronger majority, light against darkness.



Chanukah is a holiday celebrating not only the freedom of religious expression, but the universal and inalienable human right of expressing one's individual and national identification. For this reason, the Menorah has been adopted as the national symbol of the State of

become host to a new prestigious music competition in memory of the late composer-conductor Leonard Bernstein.

The competition will change its theme on a tri-annual basis, alternating between composers, conductors and singers.

■ SURPRISE GUESTS

Four unarmed Iraqis, who surrendered to an Israeli patrol near the border with Jordan, have asked for political asylum in Israel.

They said that they had decided to flee Jordan because their work visas had expired and they did not want to return to Iraq.

■ SEEDS OF HOPE

Since the signing of the Israel-P.L.O. accord, Israeli seed exporting company Hazera has been receiving several telephone calls per day from the Gulf States, Saudi Arabia, Jordan and Syria asking for vegetable seeds and catalogs.

The seeds, on whose packaging the name "Israel" appears, still reach the Arab countries via third parties.

■ SAFETY FIRST

The Israeli pavilion has won first place at the Safety Products Exposition, held at the beginning of September in India.

Among the equipment exhibited by Israel were bomb finders, explosives security fences, military and police products, customs detectors and industrial safety products.

■ SPECIAL TREATMENT

The Herzliya Medical Center is negotiating with health service providers in Persian Gulf states to send approximately 100 patients per month for surgery and treatment in its facilities in Israel.

At present, about 100 patients per year arrive at Israel's hospitals from Arab countries.

■ GREEN ACRES

An illustrated gardening and landscaping manual for use in arid climates has been published by the Institute of Applied Agriculture and Biology of the Ben Gurion University of the Negev.

The authors have researched a series of drought resistant trees, shrubs and climbing foliage.

AROUND & ABOUT

■ WHAT NEXT?

German Jews are protesting the implications of a poster being used in a massive governmental campaign against xenophobia.

Officials had placed some 15,000 posters throughout the country, proclaiming "Your car - a Japanese; your pizza - Italian; your Christ - a Jew."

■ HIGHER AUTHORITIES

An outdoor commuter escalator billed as the world's longest, linking Hong Kong's central business district with a steep hillside residential area, has opened, providing an unexpected bonus for Orthodox Jews.

The escalator is permissible for use on the Sabbath under a rabbinical ruling which says that use of the escalator does not violate the religious ban of labor on Saturday.

■ KOSHER CUT

The European Community does not plan any decision against religious slaughter (*shechita*). It is indeed planned, in the current guidelines for animal slaughter, to recommend stunning the animals in order to spare them stress, but the twelve EC member countries are empowered to enact exceptions. The latest decision stipulates that principles of religion are to have priority in such rulings.

■ KOSHER MALL

Jerusalem's new Kaniyon shopping mall is unique in several aspects.

The mall is closed on the Sabbath and on Jewish holidays. Every store has a mezuzah affixed to its door post, and the mall's huge food court, under kosher supervision, has clearly defined separate areas for meat and dairy.

■ POPLAR PLANTING

Researchers from the agricultural faculty of the Hebrew University are participating in a joint project with China and Germany to develop forests of poplar trees in China.

China urgently needs to expand its forest areas to improve the country's environment and because of a wood shortage. Poplars adapt well to harsh climatic conditions and are of good quality for industrial use.

CHASHM ANDAAZ
Published by:
International Judea Foundation
(Non-Profit Organization)
An affiliated Organization of
Jewish Federation Council
of Greater Los Angeles
P.O.Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel. (818) 503-1270
Fax (818) 503-9707
Editor
Dariush Fakheri
Associate Editors
Asher Aramnia
George Haroonian
Shahram Siman
Hebrew Section Editor
David Fakheri
Articles published are not necessarily the views of International Judea Foundations. CHASHM ANDAAZ does not endorse the goods and services advertised in its pages, and makes no representation as to the *kashrut* of food products and services.

to receive formal rabbinic training at New York's Yeshiva University.

Levy, believed to be the first Jew allowed by the Castro regime to study at a university in the U.S., will become the first full-time native-born rabbi in Cuba's modern history. There are about 1,300 Jews in Cuba.

■ POPULATION LOSS

Montreal is losing ground as one of the largest Jewish communities in North America, but the rate of decline has levelled off, according to a recent study based on Canadian census data.

Montreal now has the 11th largest Jewish community on the continent, as compared with 1971 statistics which placed it seventh and a 1981 study placing it as the ninth largest.

■ REMEMBRANCE

In an effort to reach out to recent Russian Jewish immigrants, the Jewish community of Kansas City has dedicated monuments to the memory of deceased relatives buried in the former Soviet Union at each of the area's Jewish cemeteries.

A book listing the names of the deceased will also be kept by the Jewish community.

■ UNEARTHED

According to a newly declassified C.I.A. report, Swedish diplomat Raoul Wallenberg was working for a semi-clandestine U.S. agency during World War II, possibly arousing Soviet suspicions and leading to his arrest in 1945 and subsequent disappearance.

Wallenberg is credited with saving the lives of more than 20,000 Hungarian Jews during the Holocaust while posted in Budapest.

■ RACIST TV

A neo-Nazi cable television program entitled "Race and Reason," sponsored by the United States of America Nationalist Party has premiered in Bucks County, Pennsylvania.

The cable system, Lower Bucks Cable, serves 40,000 customers in four communities.

EASTERN EUROPE

■ DOCUMENTARY EVIDENCE

A document said to contain indisputable proof of the existence of the Nazi gas chambers has been found in Moscow's Central Archive among secret files on Auschwitz; it speaks of the "Morgue No. 1 at crematorium II" and refers to "the gassing cave."

The documents were recently published by a French non-Jew who was a former supporter of French Holocaust revisionist Robert Faurisson.

■ TRUTH BE TOLD

Marking the 50th anniversary of a prisoner revolt, survivors of the Nazi death camp in Sobibor, in eastern Poland, have dedicated plaques honoring the estimated 250,000 Jews murdered in its gas chambers.

Previous plaques erected by the former Communist government listed Soviet army prisoners of war as the camp's main victims.

■ UNUSUAL

The Jewish Cultural House in Sofia, Bulgaria, has been defaced with anti-Semitic graffiti.

Anti-Semitic acts are relatively rare in Bulgaria, which saved most of its Jewish population during World War II.

ISRAEL

■ GOOD FIGURES

Unemployment in Israel went down by 5% in the second quarter of 1993, according to the country's Central Bureau of Statistics.

The number of unemployed Israelis now stands at 186,000 - less than 10% of the work force.

■ RE-VOLTING

Israel has an electric outage rate some 150% higher than that of the average industrialized European country, according to a recent study.

The 622 minutes per year lost to stoppages in the local electricity supply compares with about 300 minutes per year in France, Norway and Italy, about 54 minutes per year in Germany and about 30 minutes per year in Holland.

■ FAST POLL

Seventy percent of Jewish Israelis over the age of 18 fasted on Yom Kippur, according to a recent poll.

A total of 56% of those polled said they went to synagogue on Yom Kippur or Rosh Hashanah, and about 40% of the adults polled said they had built a "sukkah."

■ HISTORY SHOW

The city of Acre, a Crusader stronghold in the 12th century, is planning to increase its tourism by installing a Crusader multimedia re-creation.

Audio-visual devices will be used to give visitors the feeling of being in the Middle Ages, and medieval food and drink will be served at the area's restaurants.

■ MUSICAL MEMORIAL

Jerusalem's Mayor Teddy Kollek has announced that the city will

was purchased by the hospital management.

DATELINE WORLD JEWRY

CORRECTION

A Berlin memorial planned for unnamed victims of war and tyranny will include references to Jews and other groups persecuted in Germany.

The government had refused to include references to any single group, but critics said that the monument should specifically mention the Jews, Gypsies and other groups persecuted during Adolf Hitler's Third Reich.

SCAM

Angry non-Jewish residents of North London have jammed the switchboard of a local synagogue after receiving the latest in a series of sophisticated anti-Semitic hoax letters with the synagogue's return address sent to their homes.

In the letters, a fictitious "Society for the Promulgation of the Talmud to the Gentiles" is described as a Jewish evangelical movement with a mission to convert gentiles and "place our people (Jews)" in positions of power.

HITLER COMIC

A foundation that produced a critical comic book about Hitler to teach German schoolchildren about the Third Reich, has protested an official decision not to distribute the publication.

Officials had wanted to use the comic book to counter a surge of neo-Nazi violence after a study showed that schoolchildren were more likely to understand the horrors of Nazism after reading the pamphlet.

MEMORIAL

German Defense Minister Volker Ruehe has laid a wreath at the Weissensee cemetery in Berlin, Europe's largest Jewish cemetery, to remember Jews who fell in battle while fighting for Germany during World War I.

About 12,000 of the 100,000 German Jews who fought in World War I died in battle.

NO VICTIMS

Members of the Veterans Association of the Bavarian township of Ichenhausen have been angered by a newly completed World War II monument built at their request.

The veterans are protesting the inclusion on the monument of the names of Jewish Holocaust victims, and have offered to pay for the cost of their removal.

QUESTIONS

Germany's Federal Audit Office has marked its 75th anniversary despite criticism that its history includes harassment of Jews and church groups during the Nazi years.

Audit Office President Franz Klein told journalists that his office does not want to suppress the past.

CHAPEL

Prayer services have been initiated at a newly established Jewish chapel at Vienna's General Hospital, one of the largest medical centers in the world.

The chapel is stocked with prayerbooks, prayer shawls and yarmulkas, and has a Torah which

NORTH AMERICA

PHOTOGRAPHIC EVIDENCE

Photo-interpretation techniques developed by U.S. intelligence after World War II have shed new light on the Auschwitz-Birkenau Nazi extermination camp in Poland, allowing detection of vents for introducing deadly Zyklon-B gas, the C.I.A. has disclosed.

In using advanced photo enlargements and other high-technology equipment, C.I.A. analysts were able to identify the camp's gas chambers and crematoria sections.

TRANSFER

The United States has formally signed over to Germany the world's largest collection of Nazi documents collected since World War II and stored in its Berlin Document Center.

The center has more than 25 million records, including files on almost the entire Nazi Party membership. The archives have played an important role in the prosecution of Nazi war criminals.

EYE SPY

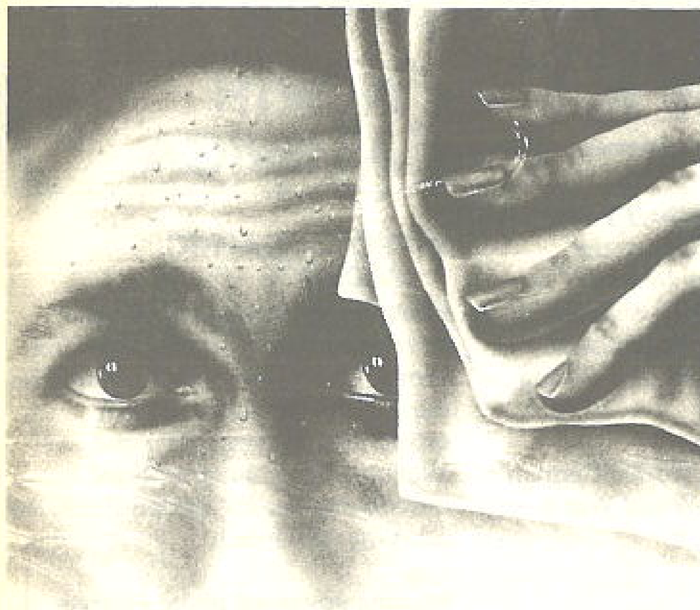
The U. S. Air Force has developed a new microscope without lenses based on Israeli inventions.

The microscope uses an advanced electronic system which requires less electricity and is more efficient than existing instruments.

CASTRO CONVERTIBLE

Cuba's government has given permission to one of the country's Jewish citizens, David Said Levy,

چگونه وکجا جشن بگیریم



برای کسانیکه اولین بار درنظر دارند هرگونه جشنی برپا کنند خیلی مشکل است که بتوانند به زیر وبم وچم وخم هایی که سر راه آنهاست وارد شده و باتوجه به نوشته ها و زیر نویسهای قراردادها بتوانند بهترین و کم خرج ترین را انتخاب نمایند . بدین منظور وبرای راهنمایی هرچه بیشتر شما اطلاعات زیر را دراختیار شما میگذاریم :

اصولا برای برگزاری جشن پنج مورد زیر را باید درنظر گرفت :

۱ - قیمت

توجه داشته باشید در صورتی به محلی رجوع میکنید و قیمتی بشما میدهند مثلا ۲۷ دلار یا ۳۰ دلار برای هر نفر این رقم ممکن است درخاتمه جشن به دو برابر یا سه برابر مبلغ ارائه شده برسد زیرا قیمت داده شده قیمت پایه واساس است و مواردیکه به آن اضافه میشود از جمله ۲۵ / ۸ درصد مالیات - ۱۸ درصد سرویس چارج - نفری ۳ تا ۵ دلار اضافه سرویس‌برای انجام مراسم - سرویس‌برای بریدن کیک - سرویس‌برای بازکردن بطریهای مشروب - سرویس برای اضافه کردن محل رقص - نور اضافی و ساعت اضافی و چندین مورد دیگر - بنابراین بهتر است با هر محلی که قرار داد امضاء میکنید مطمئن شوید قیمتی که بایستی در آخر برنامه پرداخت میکنید چه رقمی‌خواهد بود تا درموقع پرداخت صورتحساب مواجه با اشکالاتی نشوید .

۲ - غذا

نوع غذایی که معمولا دراینگونه اماکن ارائه میشود شامل کاشر - گلت کاشر و کاشر استایل است . توجه داشته باشید غذای‌کاشر استایل به غذایی میگویند که درآن گوشت خوک سرو نمیشود ولی دلیل بر کاشر بودن غذا نیست اضافه برآن باید توجه داشته باشید چنانچه عکسی ازپیشوایان مذهبی بشما نشان میدهند که دراین محل برنامه داشته‌اند و غذای کاشر خورده‌اند باز دلیل کاشر بون نخواهد بود زیرا آن عکس وبرنامه در شرایط بخصوصی انجام شده که ممکن است همین شرایط را نتواند برای‌جشن شما به اجراء درآورند

۳ - ساعت برگزاری‌جشن

برای شما برگزارکننده جشن مهم است بدانید با این همه خرجی‌که متحمل شده‌اید تاچه ساعتی میتوانید درآن محل برنامه داشته باشید و خدای نکرده ساعت ۱۲ یا ساعت ۱ نیمه شب درست در گرماگرم جشن وپایکوبی شمارا مجبور به ترک سالن بنمایند ، شاید دلیل‌آنها مزاحمت صدا برای مسافرین هتل یا تعهد شهرداری محل باشد . ولی برای شما که ساعت ۱۰ وارد سالن شده‌اید و ساعت ۱۲ شام داده‌اید خاتمه برنامه در ساعت ۱ نیمه شب نه تنها باعث دلخوری است بلکه با آن همه خرج کردنها فقط یکی دوساعت از مهمانان خود پذیرایی کرده‌اید .

۴ - پارکینگ

شاید اطلاع نداشته باشید و یا دلتان نخواهد قیافه میهمانهایتان را در موقع پرداخت حق پارکینگ ۱۶ یا ۲۰ دلاری به بینید و بدو بیراه هایی‌که به صاحب‌جشن میدهند گوش کنید - پرداخت این مبلغ باتوجه به تعداد ماشین هایی که دراین برنامه جشن شرکت میکنند کلا مبلغی حدود ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ دلار خواهدبود . ممکن است برگزارکننده جشن مبلغی بابت تخفیف درحق پارکینگ به صاحب محل داده باشد (VALIDATE) ولی صد درصد میهمانان از این موضوع اطلاعی ندارند وکسی هم آن حدود نیست که با بلندگو

باطلاع میهمانان برساند و نهایتاً پرداخت ۱۶ یا ۲۰ دلار حق پارکینگ همان و تو لب رفتن و غرولند کردن میهمانان همان .

۵ - تبصره های پنهانی

بارها اتفاق افتاده است که درموقع شام صاحب محل به پدر عروس یا پدر داماد یا برگزارکننده جشن مراجعه کرده و یواشکی در گوش آنها میگوید بابت ۱۵ نفرکه زیادتر از تعداد معمول آمده‌اند یکهزار دلارپرداخت شود در غیر این صورت چراغ سالن را خاموش خواهد کرد .

حالا بفرمائید کدام پدر عروس یا پدر داماد است که وسط شام خوردن شروع به شمارش میهمانان بکند یا اینکه چنانچه جشن به درازا بکشد و از ساعت ۱ یا ۲ بگذرد بابت هر ساعت اضافی مبلغی بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار ازشما مطالبه خواهند کرد .

باتوجه به مراتب بالا بهتر است بهرکجا مراجعه میکنید خوبی ها و نقطه ضعف های هرکدام را سبک و سنگین کرده و تمام نکات را موبمو دقیقاً رعایت کنید .

خوشبختانه در جامعه یهودی ایرانی مراکز زیبایی نظیر مجتمع فرهنگی ارتص و مجتمع فرهنگی نصح و کیترینگ های معتبری وجود دارند که صادقانه برای برگزاری جشن های شما خدمت میکنند .

خانم دکتری ۳۵ ساله ساکن لس آنجلس ، زیبا خوش برخورد ، با اصالت ، ازخانواده‌ای محترم و معتقد و پای بند اصول اخلاقی‌و انسانی - مایل به آشنایی با آقایی با حقیقت و با اصالت به منظور ازدواج و تشکیل خانواده می باشم .

کد ۸۰۴

آقایی ۴۲ ساله دارای فوق لیسانس مدیریت ساکن لاهویا باکارشخصی و درآمد ۴۵۰۰۰ دلار درسال تحصیلکرده ، باگذشت ، وفادار ، خانواده دوست و بدون تعصب مایل به آشنایی با خانمی زیر ۳۰ سال ، تحصیلکرده دانشگاه ، مجرد یا قبلا متاهل ، جذاب ، باگذشت ، مهربان که دنبال مادیات نباشد میباشم . درآمد ایشان مهم نیست .

کد ٦٦١



صفحه ازدواج

نشریه چشم انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم را کاملا" پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید.

روی پاکت مرقوم فرمایید **مربوط به صفحه ازدواج** در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند. به هر فرد یک شماره کد داده می شود.

نام و نشان افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهنده باشند، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند. **سازمان سیامک**، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی ها جواب می دهند، نخواهد داشت. درج آگهی ها رایگان می باشد.

تلفن ۱۲۷۰ - ۵۰۳ (۸۱۸)

P.O. BOX 3074, BEVERLY HILLS, CA 90212

آگهی دهنده

نام ....نام خانوادگی ....قد ....

سن .... میزان تحصیلات .... شغل.................در آمد ....

آیا قبلا" ازدواج کرده اید ؟ بله ☐ نه ☐ اگر بله ، تعداد فرزند ....

نشـــــانی:

تلفن خانه ( ) محل کار ( )

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند

همسر مورد علاقه

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

در آمد .... مجرد ☐ قبلا" متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید.

پیوند دلها

برای تماس با افراد زیر با تلفن
۱۲۷۰ - ۵۰۳(۸۱۸) تماس حاصل نمائید



آقایی ۳۶ ساله ، بلوند ، خوش قیافه ، قد متوسط ، ازدواج نکرده بادرآمد ۴۰۰۰۰ دلار در سال مایل به ازدواج با خانمی سن بین ۲۸ تا ۳۲ سال ، جذاب ، خوش اندام ، لاغر

کد ۷۳۶

خانمی ۴۹ ساله ، دیپلمه ، مهربان و خوش برخورد ، صادق و روشنفکر ، قد متوسط مایل به ازدواج با آقایی ۶۰ - ۵۰ ساله با خصوصیات مشابه میباشد .

کد ۲۶۰۵

دوشیزه ۳۸ ساله ، قد ۷ / ۵ فوق دیپلم با درآمد ۳۵۰۰۰ دلار در سال ، باشخصیت ، وفادار ، رمانتیک واهل خانواده مایل به‌ازدواج با آقایی ۴۵-۴۰ ساله با قد ۱۰ / ۵ لیسانس با درآمد ۴۰۰۰۰ دلار در سال با شخصیت ، نجیب و تحصیلکرده میباشد

کد ۸۰۴۰

آقایی ۳۵ ساله لیسانس ، شغل آزاد ، قد ۷ / ۵ خونگرم ، اهل خانواده ، دست ودلباز ، شوخ طبع از خانواده محترم قبلا ازدواج‌کرده ، علاقمند به همسری ۳۴ - ۲۹ ساله ، قد ۷ / ۵ با تحصیلات دیپلم به بالا ، اجتماعی ، خونگرم ، پای بند خانواده ، نظر بلند و اهل زندگی میباشد . مجرد ویا قبلا متاهل ، داشتن فرزند و یا شغل مهم نیست .

کد ۷۸۱

خانمی ۳۶ساله ، قد ۵ / ۵ فوق لیسانس با درآمد بالای ۳۰۰۰ دلار درماه دارای یک پسر ۸ ساله علاقمند به‌موسیقی کلاسیک ، ورزش وکمپینگ ، بسیار صدیق مایل به ازدواج با آقایی ۴۵ - ۳۸ ساله ، ۸ / ۵ بادرآمد ۳۵۰۰ دلار درماه و تحصیلات حداقل لیسانس ، فهمیده ، ورزشکار با خصوصیات اخلاقی امریکایی ، حقیقت گو ، متواضع و فروتن میباشد .

کد ۱۹۵

خانمی ۳۵ ساله ، قد ۳ / ۵ شغل آزاد ، لیسانسه ، بسیار زیبا ، خانه دار ، خوش برخورد ، با شخصیت و نجیب. مایل به ازدواج با آقایی ۵۰ - ۴۰ ساله ، قد ۸ / ۵ لیسانسه بادرآمدمکفی مجرد ویا قبلا متاهل ، مهربان ، اهل خانواده ، خوش تیپ و خوش برخورد و پای بند اصول اخلاقی میباشد .

کد ۱۳۶

AMERICAN JEWISH SINGLE MAN \ M.D. 5 - 10" 35 YEARS OLD, NEVER MARRIED, $ 80/000 PER YEAR INCOME, SINCERE, DEEP, FUN, ACTIVE SEEKS LADY UNDER 35 5-3" TO 5-9" PREFERABLY NOT MARRIED BEFORE.

CODE 168

دختر خانمی ۳۲ ساله ساکن لس آنجلس ، لیسانس کامپیوتر و درآمد ۲۰۰۰ دلار در ماه جذاب ، مهربان اجتماعی ، احساساتی ، اهل خانواده و ازدواج ، شیک پوش و امروزی ، علاقمند به تنیس ، شنا و پیانو مایل به ازدواج‌با آقائی ۴۰ - ۳۵ ساله ، قد متوسط ، تحصیلات دانشگاهی و موفق در رشته شغلی خود با درآمد ۳۰۰۰ دلار به بالا مجرد و یا قبلا متاهل که مهربان ، روراست ، امروزی ، خوش قیافه ، اهل خانواده و ازدواج باهوش ، گرم و دست و دلباز باشد.

کد ۶۶۳

آقایی ۲۶ ساله مقیم کانادا ، قد ۶ فوت لیسانسیه با درآمد ۳۵۰۰ دلار ، اجتماعی ، خونگرم و زن پرست مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۳ ساله با تحصیلات کالج ، خوش اخلاق و مهربان میباشد . درصورت ازدواج میتوان در کالیفرنیا زندگی نمود .

کد ۶۱۳

دوشیزه‌ای ۳۰ ساله ، قد ۵ / ۵ با تحصیلات دانشگاه ، تکنیسین داروسازی ، آرام ، خونسرد ، مسئول ، جدی مسلط به زبان عبری ، فارسی و انگلیسی

کد ۳۱۳

آقایی ۴۳ ساله ، پزشک ، قبلا متاهل ، بدون فرزند ، دارای دو مدرک دکترا ، یهودی کنسرواتیو ، خوش برخورد ، خوش تیپ و درآمد خوب مایل به ازدواج با

خانمی با میزان تحصیلات حداقل دیپلم ۲۶ تا ۳۶ ساله مجرد یا قبلا متاهل ولی بدون فرزند ، قد و هیکل متوسط ، کم حرف ، زیبا ، باهوش و از خانواده‌ای اصیل ، قد حداکثر ۵ / ۵ فوت میباشد .

کد ۵۰۰

دوشیزه‌ای ۲۷ ساله ، دیپلمه ، قد ۲ / ۵ با محبت ، عاقل و نجیب و خانواده دار ، ناشنوامایل به ازدواج با آقایی ۳۲ - ۳۰ ساله قد ۲ / ۵ به بالا با تحصیلات بالای دیپلم و شغل خوب که بتواند از خانواده خود نگهداری کند ، خانواده دار با محبت و عاقل و نجیب که زبان علامتهارابرای افراد ناشنوا بداند .

کد ۷۸۵

دوشیزه‌ای ۳۹ ساله ، قد ۷ / ۵ فوت ، فوق دیپلم ، شغل آزاد با درآمد ۳۵۰۰۰ دلار در سال ، خوش تیپ ، با شخصیت و وفادار ، خانه دار ، رمانتیک اهل خانواده

مایل به ازدواج با آقایی ۴۵ - ۴۰ ساله قد ۱۰ / ۵ فوت ، لیسانس با شغل آزاد درآمد ۴۰۰۰۰ دلار در سال قبلا مجرد یا متاهل فرقی نداشته با شخصیت مهربان ، نجیب ، اهل خانواده و تحصیلکرده میباشند .

کد ۰۴۰

آقایی ۳۷ ساله ، قد ۱۱ / ۵ ، لیسانسیه با شغل مهندسی و درآمد بسیار خوب ، قد بلند ، مهربان ، روشنفکر ، خانواده دوست علاقمند به مسافرت ، موزیک و طبیعت مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای تا سن ۳۴ ساله ، جذاب ، مهربان ، علاقمند به ازدواج و تشکیل خانواده میباشد .

کد ۷۱۳

دوشیزه‌ای ۳۶ ساله جذاب ، خوش اندام ، تحصیلکرده وشاغل مایل به ازدواج با آقایی مهربان ، شاغل ترجیحاً قبلا ازدواج نکرده میباشند .

کد ۱۴۸

خانمی حدود ۴۵ ساله که بسیار جوانتر بنظر میرسند ، مهربان ، باگذشت باقلبی پاک حدود ۵ فوت شغل آرایشگر ، درآمد متغیر دارای دو فرزند مایل به ازدواج با آقایی ۴۵ تا ۵۰ ساله ، تحصیلات مهم نیست و شغل آزاد ، مجرد یا قبلا متاهل ، قد بلند ، مهربان که بچه درخانه نداشته باشد ، میباشند .

کد ۶۴۱

آقایی ۴۹ ساله ، دیپلمه با شغل آزاد و درآمد متغیر قبلا ازدواج کرده دارای دو فرزند که جدا زندگی میکنند ، خانواده دوست ، صادق وراستگو و فعال مایل به ازدواج با خانم یا دوشیزه‌ای تا ۴۴ ساله ، قد تا ۴ / ۵ فوت ، راستگو و امین میباشند .

کد ۵۲۶

دوشیزه‌ای ۴۶ ساله ، قد ۵ فوت ، لیسانس زبان ، منشی با درآمد ۱۵۰۰ دلار درماه تا حدی مذهبی مایل به ازدواج با آقایی ۴۵ تا ۵۰ ساله ، قد بالای ۵ فوت ، حداقل دیپلمه ، شغل مهم نیست . بادرآمد کافی مجرد یا قبلا متاهل ، معتقد و پای بند به اصول اخلاقی و احترام متقابل ، خوش مشرب و خوش بین .

کد ۰۲۱

آقای ۳۴ ساله ساکن لس‌آنجلس با قد ۵/۴ فوت ، تحصیلات دانشگاهی با شغل حسابداری و درآمد ۳۰ هزار دلار درسال ، شوخ طبع ، هنردوست ، علاقمند به گردش ، ویولونیست ، تسلط به انگلیسی و عبری ، آگاهی در علم جدید کبالا ، علاقمند به تشکیل خانواده و به مادیات بی توجه .

علاقمند به همسری بالای ۲۰ سال با تحصیلات حداقل متوسطه ، درآمد مهم نیست مجرد ، باوفا ، خوش خلق ومهربان ، باصفای باطن و علاقمند به تشکیل خانواده .

کد ۶۵۵

آقایی ساکن انسینو ۶۰ ساله دارای یک فرزند در جستجوی همسری بین ۵۰ - ۴۵ سال با قد متوسط ، حداقل دارای دیپلم‌که پای بند به اصول روابط خانوادگی و فرهنگ ایرانی .

کد ۹۲۳

خانمی ۳۶ ساله ساکن انسینو ، با تحصیلات دانشگاهی ، همکاریک وکیل با درآمد متغیر ، مجرد ، امین ، مهربان ، باهوش ، خوش قلب ، جذاب ، شوخ طبع .

همسر مورد علاقه بین ۵۰ - ۴۰ سال باهوش و شاغل بادرآمد مکفی ، مجرد یا قبلا متاهل ، درستکار ، تحصیلکرده ، شوخ ، جذاب .

کد ۳۵۱

خانمی ۳۸ ساله ساکن تارزانا ، بافوق لسانس پرستاری ، شغل آزاد و درآمد ۵۰۰۰ دلار درماه ، دارای ۲ فرزند ، با خصوصیات اهل زندگی ، مهربان ، تحصیلکرده ، رمانتیک ، با احساس ، پای بند اصول اخلاقی ، زیبا ، باگذشت .

علاقمند به یافتن همسری بین ۴۵ - ۴۰ ساله با قد متوسط ، لیسانسیه ، شاغل با درآمد مناسب مجرد یا قبلا متاهل ، باگذشت ، مهربان ، اهل زندگی ، رمانتیک ، باوفا ، فهمیده ، نسبتاً خوش قیافه ، موقعیت مالی زیاد مطرح نیست .

کد ۸۲۴

دخترخانمی ۲۸ساله باقد ۵/۳ فوت ، لیسانس حسابدار با درآمد ۲۵۰۰۰ دلار درسال ، مجرد ، جذاب ، باهوش ، باشخصیت واحساس و تحصیلکرده ، مهربان ، نظربلند ، با معرفت ، خوش سلیقه ، ازخانواده بسیار خوب و درستکار علاقمند به ازدواج با آقایی بین

۲۸ - ۳۰ سال قد ۶ - ۵ / ۵ فوت ، دیپلم به بالا با شغلی آبرومند ودرآمدی در سطح رفاه ازدواج نکرده - مهربان ، با شخصیت ، دست و دلباز ، نظر بلند ، خوش اخلاق ، با قیافه‌ای در سطح قابل تحمل ، قدرشناس .

کد ۵۳۹

آقایی ۳۸ ساله ساکن سانتامونیکا ، فوق لیسانس ، شغل آرشیتکت با درآمد بالای ۴۰۰۰۰ دلار در سال دارای ۲ فرزند با خصوصیت یک‌آقای به تمام معنی بودن مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۵ ساله ، قد ۶ / ۵ فوت ،لیسانس‌با هرنوع شغل ودرآمد که با فهم باشد .

کد ۰۲۰

MARTIN SUSMAN INSURANCE AGENCY

«بخاطر داشته باشید که ارزش واقعی بیمه شما زمانی معلوم میگردد که احتیاج به سرویس جهت دریافت خسارت خود داشته باشید»

- با ۲۰ سال سابقه در کار بیمه
- با سابقه کارپردازی، مدیریت و ریاست شرکت بیمه
- با سابقه مدیریت و رهبری عملیات شرکت بیمه دو ایالتی
- طراح و مدیر برنامه مالی یک موسسه بسیار بزرگ مالی
- قیمتهای غیر قابل رقابت برای تمام بیمه مخصوصاً بیمه شغلی، ملک و بیمه عمر
- خدمات صمیمانه و شخصی

جهت هرگونه اطلاعات درمورد بیمه برای خودوخانواده
بوسیله تلفن ۶۹۶۴ - ۸۲۹ (۳۱۰) تماس بگیرید. نمایندگان ما:

- شکراله عافار
- مارتین ساسمن
- آزاده عافار ساسمن
- کارل دیوید ساسمن



Martin Susman Insurance Agency
Corner of 26th St. & San Vicente
13050 San Vicente Blvd., Suite 206
Brentwood CA, 90049
(310) 829-6964

دوشیزه‌ای ۳۴ ساله ساکن انسینو قد ۵ فوت ، دیپلمه ، خوش قیافه با چشمانی سبز ، سفید رو مهربان ، خونگرم دارای اشکال فیزیکی در پا ، با تحرک

همسر مورد علاقه آقایی زیر ۴۷ سال ، تحصیلات مهم نیست ، با شغل درحدود امکانات مالی ، مجرد یا قبلا ازدواج کرده ، خوش اخلاق و بچه دوست .

کد ۴۲۱

آقایی ۳۶ ساله ، قد بلند ، متخصص کامپیوتر ، شغل حسابداری ، چاق ، خوش قیافه ، اجتماعی از خانواده خوب وبا درآمد خیلی زیاد تحت مداوا برای تعادل ، ساکن نیویورک مایل به ازدواج با خانمی ۳۲ ساله قد بلند ، تحصیلات متوسطه ، درآمد متوسط مثل خودم اگر چاق باشد مانعی ندارد که مرا دوست بدارد و منهم اورا ، برای یک عمرزندگی و تربیت دو بچه خوب .

کد ۲۳۱

خانمی ۳۱ ساله ، دیپلمه با شغل آزاد و درآمد ۷۰۰ دلار درماه ، قبلا متاهل بدون فرزند ، خوش برخوردو اخلاق ، آرام ، جذاب

مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ - ۳۵ ساله با شغلی آبرومند ، مجرد یا قبلا متاهل ، قد متوسط ، درآمد مناسب ، اهل زندگی ، رمانتیک و باوفا و قدرشناس

کد ۰۲۶

آقایی مجرد ۳۴ ساله با تحصیلات کالج ودر آمد زیاد ، آشنایی کامل به زبان عبری - انگلیسی و فارسی - غیر مذهبی علاقمند به موزیک اسرائیلی و رقص - جنتلمن

علاقمند به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۹ - ۲۲ ساله آشنا به زبان عبری - غیر مذهبی - جذاب و خانواده دوست میباشد .

کد ۹۸۰

آقایی قبلا متاهل دارای چهارفرزند که زندگی مستقل دارند ، ۶۰ ساله ، قد ۷۰ / ۱ بادرآمد بالای ۷۵۰۰۰ دلار با سلامتی کامل بدون اعتیاد

خواهان ازدواج با خانمی ۵۰ - ۴۵ ساله مجرد یا قبلا متاهل - سالم - وفادار و سفید پوست میباشند.

کد ۹۰۹

خانمی ۴۲ ساله - دیپلمه - آرایشگر با درآمد محفوظ بدون‌فرزند ساکن سن هوزه ، زیبا ، خوش اندام ، مهربان ، خوش سلیقه ، وفادار با اصالت و علاقمند به پیاده روی و مناطق خوش آب و هوا و دیدنی خواهان ازدواج با آقایی قبلا متاهل با شغل آبرومند - دیپلمه و درآمد در سطح رفاه که خوش اخلاق - مهربان - صادق و روشنفکر بدون اعتیاد که بچه درخانه نداشته باشد میباشند .

کد ۵۱۱

آقایی ۳۶ ساله ، لیسانس طراحی ، مجرد ، خوش تیپ و برخورد ، با عاطفه ، خانواده دوست با مسئولیت ، راستگو ، ورزش کار و از خانواده محترم

علاقمند به ازدواج با دوشیزه یا خانمی تا ۳۵ ساله ، دوست ، باوفا ، راستگو ، زیبا ، اجتماعی خوش اخلاق و مهربان ، اهل زندگی و همدم میباشند .

کد ۳۷۵

دوشیزه‌ای ۳۷ ساله ، دانشگاه دیده با شغل آزاد ۳۰۰۰۰ دلار در سال ، جذاب ، خوش اندام ، مهربان ، باگذشت ، خوش اخلاق

خواهان ازدواج با آقایی ۵۰ - ۳۷ ساله با شغلی آبرومند ، مجرد یا قبلا متاهل ، راستگو مهربان ، علاقمند به ازدواج و تشکیل خانواده .

کد ۱۴۸

دختر خانمی ۳۲ ساله ساکن لس‌آنجلس ، لیسانس کامپیوتر و درآمد ۲۰۰۰ دلار در ماه جذاب ، مهربان ، اجتماعی ، احساساتی ، اهل خانواده و ازدواج ، شیک پوش و امروزی ، علاقمند به تنیس ، شنا و پیانو

مایل به ازدواج‌با آقائی ۴۰ - ۳۵ ساله ، قد متوسط ، تحصیلات دانشگاهی و موفق در رشته شغلی خود با درآمد ۳۰۰۰ دلار به بالا مجرد و یا قبلا متاهل که مهربان ، روراست ، امروزی ، خوش قیافه ، اهل خانواده و ازدواج باهوش ، گرم و دست و دلباز باشد.

کد ۶۶۳

دختری ۲۴ ساله ساکن لس آنجلس ، قد ۲ / ۵ ، سکرتر با درآمد ۶۰۰ دلار ، علاقمند به شنا ، پیاده روی ، مهربان ، رو راست ، پای بند خانواده ، علاقمند به موزیک و خونگرم

مایل به ازدواج‌با مردی ۳۰ - ۲۷ ساله ، قد ۱ / ۶ ، دیپلمه ، شغل مهم نیست ولی برای زندگی آماده خصوصیاتی تقریباً شبیه من وپای بند اصول اخلاقی و خانواده باشد .

کد ۳۵۹

پخته مردی ۵۳ ساله ، شغل آزاد و درآمد مکفی ، اهل دل ، خوش مشرب و خوش بیان ، علاقمند به مسافرت و گردش ، در انتظار زندگی باهمسری صادق وهمفکروخانه دارباحدود سنی ۴۲ - ۳۶ ساله می باشم

کد ۰۷۹

آقائی ۳۳ ساله ، فوق لیسانس مدیریت با درآمد مکفی ، ساکن سان دیه گو ، مسافرت کرده ، خوش برخورد ، شوخ طبع مقیم‌کالیفرنیا از ۱۹۷۹ ، پر انرژی ، خود ساخته

مایل به ازدواج با دختری ۲۸ - ۲۴ ساله ، دانشجو یا لیسانس ، شاغل ، که شوخ طبع ، تحصیل کرده اجتماعی ، با وقار ، قابلیت تطبیق با ناگواریها ، آگاه ازوقایع روزمره دنیا (نه شایعات در کنیسا).

کد ۷۰۳

خانمی ۴۰ ساله دارای دو فرزند ، مهربان ، زیبا وباگذشت که ازرفاه کامل برخوردار میباشند مایل به ازدواج با آقایی بین ۴۵ تا ۵۰ ساله دارای درجه لیسانس ، قبلا متاهل ، باشخصیت ، از خانواده محترم ، سالم ، راستگو و قابل اعتماد میباشند .

کد ۹۸۲

دوشیزه‌ای ۳۸ ساله ، لیسانسیه ، فروشنده نقره بادرآمد ۲۸۰۰۰ دلار در سال ، خوش اخلاق ، مهربان ،

بقیه درصفحه 85

THIS IS IT

and there is nothing like it

Y.I.S. WINTER CAMP 94

with all the fun
(Bus Ride, Campfire & Ski Trip)
We are also privileged to have Harav Moshe Zargari with us.

Dec 31 - Jan 2
Mesorah Mountain Resort

$120
students $90

Jamshid S.	(310) 289-9542
Sharona E.	(310) 453-9489
Romina Z.	(310) 652-3663
Sherly H.	(818) 705-0599
Mani A.	(213) 658-8122

catered by *SHARON*

Tickets Available at: Elat Market, Miller's Market, Ramsar Market & Star Market
register early; tickets must be purchased by Dec 24

لوئیس فرح خان

با اینهمه درسال ۱۹۸۸ ، ادعای یک‌دستیار شهرداری شیکاگو را که گفته بود دکترهای یهودی به بچه های سیاهپوست ویروس ایدز تزریق میکنند را تایید کرد . در روزنامه‌ای نیز گفته بود یهودیان نمیتوانند مرا شکست بدهند ، آنهارا خورد کرده و ریزریز خواهم نمود .

لوئیس فرح خان خواهان قدرت و نفوذی است که به گفته او یهودیان از آن برخوردارند . اوشدیدآمیخواهد با رهبران سفیدپوست و سیاهپوست امریکا برسر میز مذاکره بنشیند وحتی شاید بدش نیاید رتبه خود را از مقام‌دوم پرطرفدارترین سیاهپوست امریکایی (تعیین شده ازسوی رای گیری سال ۱۹۹۰ مجله BLACK ENTERPRISE) به نفر اول سوق دهد و خود را جانشین جسی جکسون کند .

(طبق آمار بدست آمده ازکتاب بلک وان هاندرد ، آقای فرح خان فقط هشتادمین نفر از نظر تاثیر گذاری و نفوذ بر روی مردم محسوب شده درحالیکه **مارتین لوترکینگ جونیور** نفر اول ، **ملکم اکس** نفر بیست و سوم ، **جسی جکسون** نفر چهل و هفتم و **الیجاه محمد** نفر پنجاه و یکم بوده‌اند) .

تازمانیکه جنگ بین او و یهودیان بهر صورتی رفع نشود و روزنامه‌نگاران سیاهپوستی چون **کارل روران** ، **ویلیام رزپیری و کلارنس پیج** از برچسب‌زدن القابی چون ضد یهودی بر وی دست نکشند و رهبران سیاهپوست فاصله گرفتن از اورا متوقف نکنند وآقای فرح خان ازیهودیان عذر خواهی نکند ، این ظاهر ابلیس گونه که دلیلی بر عوام‌فریبی اوست با اوخواهد ماند .

فرح خان خود را مردی‌برای مردمش و برای الیجاه محمد (مسیح او) خود را مانند اهرون برای موسی میداند . عقیده فرح خان براین است که تصویر نفرت انگیز و دیوگونه کنونی او حاصل تولیدات یهودیان و توده مردم است . میگوید هنوزثابت نشده که این وقت دادرسی باشد ولی یقیناً این همان زمانی است که اومورد قضاوت وسنجیدن قرار گرفته دقیقاً بهمان صورتی که یهودیان را مورد قضاوت وسنجش قرار داده است . و این همان زمانی نیز هست ، همانطورکه خود در پایان مصاحبه اخیرش در شیکاگو عنوان‌کرد که او با ملاحظه وباکمی دست وپاچلفتی گری سعی به اصلاح رابطه خود با یهودیان دارد .

فرح خان میگوید حتی در سرزنش وتوبیخ من نسبت به یهودیان استیناف وجود دارد آنها باید خود را عوض کنند برای اینکه خدا کسی را برای‌روی خاک افتادن درمقابل دیگری نیافریده است . من از عیب‌جویی و انتقاد کسی نمی ترسم ما از خدا می ترسیم و وظیفه داریم به خدا احترام بگذاریم . ما همه وظیفه داریم با عدالت و انصاف‌بیشتری نسبت به یکدیگر عمل‌کنیم .



رویدادها

دلار ، اولین سازمان یهودی بودند که به یاری این آکادمی شتافتند .

جا دارد که دیگر سازمانها و افراد خیر نیز این بار سنگین را بردوش این جوانان سبک تر نمایند .

*****

سوپر ساندی

۶ فوریه ، روز یکشنبه بزرگ یا SUPER SUNDAY میباشد که شورای فدراسیون یهودیان لوس‌آنجلس به جمع آوری اعانه برای خدمات خود خواهد پرداخت .

UNITED JEWISH FUND صندوق مادر برای تمام خدمات بیشمار و انسانی یهودیان امریکایی به یهودیان و غیر یهودیان امریکایی میباشد .

ازشما خواهشمندیم که به تلفنهایی که از طرف این صندوق وموسسه به شما میشود جواب مثبت بدهید . بخاطر اینکه همه ما یکی هستیم .



صادق ، درستکار و پای بند اصول اخلاقی مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ تا ۵۰ ساله دارای شغل آبرومند ، درآمد کافی زندگی ، مجرد یا قبلا متاهل ، خانواده دوست مهربان ، شریف ، بااحساس مسئولیت اهل تفریح و ورزش .

کد ۲۶۲

خانمی ۴۷ ساله ، دیپلمه ، با شغل آزاد ودرآمدکافی دارای دو فرزند که مستقل زندگی میکنند ، خوش اخلاق ، مهربان ، با شخصیت و اصالت مایل به ازدواج با آقایی ۵۰ تا ۶۰ ساله با شغل آبرومند ، درآمد کافی قبلا متاهل ، مهربان ، خوش اخلاق ، معاشرتی باشخصیت وکمی خوش بر رو.

کد ۶۰۵

بقیه در صفحه 77

معرفی یک چهره سرشناس فرهنگی یهودیان ایرانی



بدین وسیله میخواهم چهره روشن و دوست داشتنی یک مربی دانا ودلسوز و روحانی را معرفی حضور دوستداران تورا و فرهنگ دین یهود نمائیم .

آقای **یوسف اقبالی** درشیراز پا بعرصه وجود نهادند ایشان در سالهای اول کودکی خواندن و نوشتن زبان عبری و تورا و تفیلا را نزد پدرشان **شادروان ربی مئیر اقبالی** که نزدیک به پنجاه سال مشغول تعلیم عبری ودانستنی های فرهنگ یهودی بودند فراگرفتند و سپس در دبستان و دبیرستان **کوثر** که وابسته به انجمن فرهنگی **اوتصرهتورا** (گنج دانش) بریاست مرحوم **هاراب یصحاق مئیرلوی** (RABBI YITCHAK MEIR LEVI) بود تحصیلات مذهبی خود را ادامه دادند .

ایشان در دانشسرای مقدماتی شیراز مشغول تحصیل شده و در رشته های ریاضی و طبیعی با نمرات عالی فارغ التحصیل‌شدند آنگاه بمدت یکسال در یشیوای شیراز بسرپرستی **هاراب بن حئیم** و دوسال هم در یشیوای تهران بریاست اینجانب علوم دینی را آموختند و سپس برای تکمیل تحصیلات نامبرده توسط اوتصر هتورا بـه اسرائیل‌اعزام شده ابتدا در دانشسرای **ماخون گولد**(MACHON GOLD) و بعداً در موسسه فرهنگی دینی **ماخون لو**(MACHON LEV) معلومات عبری و دینی خود رژا تکمیل نموده بایران برگشتند آنگاه ازطرف اوتصر هتورا به همدان اعزام شده و بمدت هفت سال در دبیرستان اتحاد آن شهر به تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان پرداختند ، ایشان در ضمن انجمنی بنام **پورات یوسف** برای تدریس عبری و رشته های فرهنگی ، ادبی ، هنری‌و اجتماعی تاسیس نموده و موجب تنویر افکار تعداد زیادی از جوانان و بزرگسالان یهودی آن شهر شدند وکنیسایی نیزبنام کنیسای پورات یوسف مخصوص دانش‌آموزان **دبیرستان اتحاد همدان** دایر نمودند .

آنگاه توسط اوتصر هتورا از همدان فرا خوانده شده و بمدت ۱۳ سال در تهران در مدارس وابسته به اوتصر هتورا مشغول تدریس زبان عبری و علوم دینی بودند بعداً به مدیریت دبستان **راه دانش** تهران گماشته شده و هفت سال نیز دراین پست فعالیت چشمگیری داشتند و در موقع امتحانات فرهنگی آخر سالهای تحصیلی سرپرست امتحانات علوم دینی دریکی از حوزه های امتحانیه فرهنگ تهران بودند .

ایشان درسال ۱۹۸۶ تهران را ترک گفته و عازم اروپا شدند و مدت هشت ماه در **سویس** و در **وین** پایتخت اطریش از طرف موسسات **اگودت ایسرائل وجوینت** به کودکان و نوجوانان و جوانانی که درآنجا منتظر عزیمت به امریکا بودند زبان عبری و تورا و تفیلا را یاد می دادند ایشان در سال ۱۹۸۷ با خانواده خود به امریکا آمده و در شهر لوس آنجلس به تعلیم نوجوانان و جوانان در موسسه **سفارادیک عبری آکادمی**



آقای اقبالی هنگام تدریس در وین

(SEPHARDIC HEBREW ACADEMY) از طرف **اگودت ایسرائل** AGUDATH ISRAEL به ریاست **هاراب شینور** (RABBI CHAIM SCHINUR) و بزرگسالان پرداخته و هنوز هم به این فعالیت سودمند خود ادامه میدهند.

ایشان اکنون با **همکاری** آقای **مهندس رحمت الیشمرنی** سرپرستی کنیسای **بنی تورا** وابسته به کنیسای **عِص یعقوب** (ETZ JACOB) را برعهده دارند.

اینک بمنظور قدردانی و گرامیداشت ازاین چهره تابناک فرهنگی در جامعه یهود مجلس بزرگداشتی درماه فوریه ازطرف انجمن فرهنگی ETZ JACOB برگزار میگردد تا از ایشان تقدیر و تجلیل بعمل آید.

درپایان موفقیت و سعادت روزافزون ایشان را از درگاه قادر متعال صمیمانه خواستارم.

هاراب یهوشوع - نتن ا-لی
انجمن فرهنگی ETZ JACOB



اگر این مجله را دوست دارید ما در آن به رایگان کار میکنیم، شما آنرا آبونه شوید

برگ آخر

بـرگ آخـر آینه‌ای است کـه درمقـابل خودمان میگیریم .

ازآگهی میرزا محمود ارسطو ، که متعلق به ۶۰ سال پیش میباشد چنین برمیاید که او بدون دادن دوا ، تـقریباً تمـام بیمـاریها را معـالجه میکرده وحتی میتوانسته کـنترات بـه‌بندد و بـه خانواده خدمات پزشکی بدهد . جالب اینکه از وزارت معارف نیز «نمره اجازه وزارتی» داشته است .

هرگونه شباهت احتمالی میرزا ارسـطو بـا کسانی که این روزها درحد دانش او هستند یا مثل او مقاطعه می بندند ! ومعـالجه کـنتراتـی میکنند ، یا با دکترها وقـابله هـا و تـجزیه گـاه (آزمایشگاه) و مریضخانه های دیگـر بخـاطر مرحمت بهم ملاحظه هم را می کنند !! کـاملا اتفاقی است .

اعلان

مطب بنده قبل از ظهر ساعت ۸ تا ۱۲ در ششگلان جوار اداره جلیله امنیه و بـعدازظـهر ساعت ۳ تا ۷ درجنوب شرقی خیابان فردوسی تقریباًپنجاه قدمی باغ مـلی ارک مغـازه هـای فوقانی حاج علی آقا باز میباشد . تداوی مینماید (بدون استعمال ادویه سمیه قاتله) کلیه امراض داخلی را از قبیل امراض دماغ ـ نخاع و اقسام فلج های ذاتی ورمـاتیسمی ، سکـته و بـقوه و غیره و امراض دهان ، زبان ، گلو ، مری ، معده روده ، حنجره ، ریه ، پرده جنب قلب ، تصلب شرائین ، کبد ، طحال ، کلیه ، مثانه ، مـجرای بولی و رحم ، اقسام نزف الدم از قـبیل ..... و قی الدم ، ادرار خونی براز خونی ، پاره شدن عروق نزف الدم و غیره معالجه مینماید ..... و زخمهای داخلی و خارجی و مزاجی را از قبیل قرحه معده ، قرحه روده ، دمل کبدی ، خنازیر سفلیس ، سرطان و غیره ، ثورات روی و لکه های صورت معالجه مینماید . امراض عصبانی را از قبیل کم حوصلگی ، خیالات ، مالیخولیا ، بـلاهت ، حمـاقت ، مـانیا ؟ ، جـنون ، تشـنج امارات ؟ ، غشی ، صرع و غـیره - معـالجه مینماید . بی قوه گی ، کم اشتهایی ، بدخوابی ، اسپرماتوره ، عدم قدرت مقاربت ، سستی اعصاب را و سالبه (معالجه ؟) مینماید . اطفالی راکه دیر راه روند و دیر حرف زنـند و دیـر دندان درآورند و سالبه مینماید . امراض ..... را از قبیل روماتیسم ، نقرص ، بواسیر ، دمل کلیه وسل ، راشیتیسم و غـیره و معـالجه مینمـاید .

حمیات عفونیه مسریه ، نقنیسه دزده ، حمیات ودیه ، اقسام مالاریا ، حمیات بتوریه فورانیه ، باد سرخ و امثال آنها و امراض مسریه و بسیاری از امراض راکه ذکرش موجب تـطویل است **بالاخره** در معالجه اولاد مهارت کامل داشته هرکس مایل باشد ممکن است بعد از یک فقره معاینه مزاجی مدت معالجه را معین نموده علی المعمول با مقاطعه شروع به معالجه نماید .

و معالجه یک نفر یـا یک خـانواده را بـعد از یک فقره معاینه افراد ، خـواه سـالم بـاشند یـا مستقیم سالیانه میتوانند کنترات نمایند ، بشرطی که سند کتبی از طرفین گرفته شود . و بنـا بـه مرحمت حضرات دکترها به بنده (درصـورت لزوم‌جلب دکتر و قابله و ریوبنسکی و تجزیه و عملیات و مریضخانه) مشتریان بنده را ملاحظه خواهند فرمود . آقایان محترم‌و خوانین محترمه به‌آدرسهای فوق رجوع فرمایند .

تاریخ ۳ خردادماه ۱۳۱۰

نمره اجازه وزارت و ریاست کل معارف ایران ۱۷۲ / ۶۵

میرزا محمود ارسطو

سند ۶۰ ساله

از آگهی میرزا محمود ارسطو، متعلق به حدود ۶۰ سال پیش، چنین برمی‌آید که او بدون دادن دوا، تقریباً تمام بیماری‌ها را معالجه می‌کند، و حتی می‌تواند کنترات ببندد و به خانواده خدمات پزشکی بدهد. و جالب‌تر از همه این‌که از وزارت معارف نیز «نمرهٔ اجازهٔ وزارتی» دارد!



کیترینگ گلات کاشر

شادی (ساسون)

با تقدیم مجموعه‌ای از بهترین و لذیذ ترین غذاهای ایرانی و اسرائیلی و با ارائه سرویسی بسیار استثنایی قادراست جشنهای **نامزدی - عروسی - شاور - برمیتصوا - بت میتصوا و میهمانیهای خصوصی** شمارا بـنحوی شـایسته بـرگزار و از میهمانان شما بطرزی شاهانه پذیرایی نموده و رضایت خاطرتان را بنحو احسن فراهم آورد.

مدیران کیترینگ گلات کاشر **شادی (ساسون)** آقایان **امین جواهری** و **نواززاغی** با دارا بودن تجربیات بسیار در امور برگزاری جشنها افتخار دارند که تحت نظر ربانوت محترم سالم ترین و بهترین غذاهارادر اختیارتان قرار دهند.



کیترینگ گلات کاشر

شادی (ساسون)

جواهری بر تارک سایر کیترینگها

جهت استفاده از سرویس ما با شماره تلفنهای **۲۴ ساعته** زیر تماس حاصل فرمائید.



تلفن: ۵۹۸۲ - ۶۵۹ (۳۱۰)
پیجر: ۵ - ۸۸۸۸۸ - ۵ (۳۱۰) **نواز**
پیجر: ۳۳۲۲ - ۸۱۶ (۸۱۸) **امین**



International Judea Foundation
P.O.Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 1562
Van Nuys, CA